

هشدار امام!

قلم شیطان

((... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه ها را بر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است. انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



سپاسی. اجتهالی. فرهنگی

سپاسی

سال سی و یکم / شماره ۱۰
شماره مسلسل ۱۳۸۶
نیمه اول شهریور ماه ۱۳۸۹ هـ ۱۵۰ تومان



امام خمینی:

روز قدس، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است

صفحه ۱۶



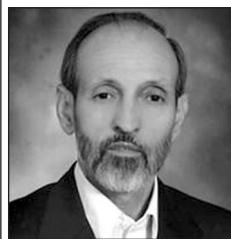
تیزبینی
آیت الله کاشانی
در پیش بینی
کودتای ۲۸ مرداد

صفحه ۱۱



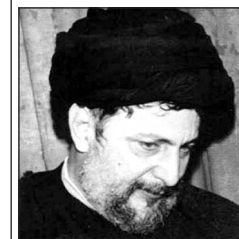
غرب به قدرت
برتر مقاومت
اسلامی لبنان
اعتراف می کند

صفحه ۲۴



تاریخ سازی در
کتاب درسی
دکتر سید محمود کاشانی
استاد دانشکده حقوق
دانشگاه شهید بهشتی

صفحه ۱۲



گفتاری از امام موسی صدر
درباره رمضان
آیا در روزه هایمان
آثار روزه را می بینیم؟

صفحه ۱۳



نگاهی به دو کتاب «غنا،
موسیقی» و «رویت
هلال» در گفتگو با
حجت الاسلام مختاری

صفحه ۵



با حکم وزیر علوم:
آیت الله احمد
بهشتی سرپرست
دانشگاه قم شد

صفحه ۱۶

حضرت آیت الله سبحانی:

شیعه هرگز صحابه را تکفیر نکرده است



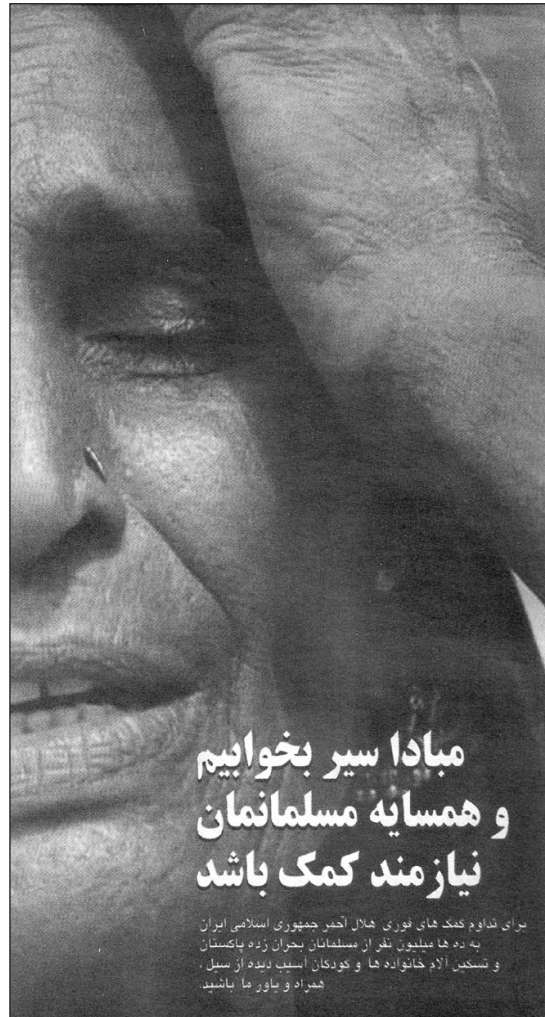
صحابه مطرح نکرده و حرفی از تکفیر آنها را به میان نیاورده است؛ البته در برخی روایات که به ارتداد صحابه اشاره شده این ارتداد را مربوط به ولایت می داند و ارتداد از اسلام در صحابه صحیح نیست، بنابراین کسانی که به شیعه تهمت می زنند، ناگاه هستند. این مرجع تقلید با اشاره به برخی حوادث تاریخی بر عدم عدالت برخی صحابه تصریح کرده و بیان داشتند: تاریخ نشان داده که اصحاب پیامبر (ص) بارها در موارد مختلف به ایشان اعتراض کرده و آیات فراوانی برای هدایت و جلوگیری از گمراهی و فسق آنها نازل شده که نمونه هایی از آن در سوره حشر مشاهده می شود.

حضرت آیت الله سبحانی تاکید کردند: برخی خطبه های پیامبر (ص) و جنگ ها بعد از ارتحال رسول الله (ص) مانند جنگ های جمل، نهروان و ... این مطالب را اثبات می کند که برخی اصحاب پیامبر (ص) بر تصمیمات ایشان خرده گرفته و ناراحتی خود را ابراز داشته اند و از عدالت ساقط شده اند. ایشان تصریح کردند: خداوند ویژگی ها و صفات اصحاب پیامبر (ص) را در آیات مختلف تعریف کرده است، البته کاملاً روشن است که این تعاریف از صحابه مربوط به همه آنها نیست، بلکه اکثر آنها را شامل می شود. معظم له گفتند: مقصود از این گونه آیات این است که اصحاب حقیقی کسانی هستند که دارای این صفات و ویژگی ها باشند، نه آنکه بخواهد بر تن همه اصحاب لباس عدالت و قداست بپوشاند.

شیعه، هرگز صحابه پیامبر اکرم (ص) را تکفیر نکرده است؛ بلکه صحابه را دوست دارد و به آنها احترام می گذارد، اما همه آنها را عادل نمی داند.

حضرت آیت الله سبحانی، در درس تفسیر سوره حشر، که در مدرسه عالی فقه برگزار شد، اظهار داشتند: کسانی که می گویند صحابه پیامبر اکرم (ص) از اول تا آخر عادل هستند و روایاتشان معتبر است، ناگاه هستند؛ زیرا شیعه با همه احترامی که برای آنها دارد، نمی تواند چشم بسته احادیث آنها را معتبر بداند. ایشان با رد اتهامات ضد شیعی از سوی دشمنان افزودند: شیعیان نیز برخلاف تبلیغات سوء و تهمت های ناروا، صحابه پیامبر را دوست دارند، ولی متأسفانه برخی به دروغ، تهمت می زنند که شیعه صحابه را تکفیر می کند. معظم له ادامه دادند: تکفیر، یک مسئله است و عدالت مسئله دیگری است و نباید این دو را با هم خلط کرد، نظر شیعه این است که در میان صحابه بیش از ۷۰ درصد متقی و عادل هستند، ولی تعدادی نیز عادل نیستند و عدم عدالت با تکفیر کاملاً متفاوت است.

حضرت آیت الله سبحانی بیان داشتند: چگونه شیعه همه صحابه را تکفیر می کند؛ در حالی که بیش از ۱۵۰ نفر از این صحابه شیعه حضرت علی (ع) هستند؛ بنابراین کسانی که به شیعه تهمت می زنند از خدا بترسند و این دورغ ها را نگویند. این مفسر قرآن کریم با اشاره به برخی روایات مندرج در کتب اهل سنت مانند صحیح بخاری، اظهار داشتند: در کتاب صحیح بخاری برخی روایات بر ارتداد صحابه تصریح کرده اند و کسانی که این تهمت ها را به شیعیان بار می کنند، باید بروند و کتاب های خود را اصلاح کنند که حرف از ارتداد زده اند. ایشان تاکید کردند: شیعه هرگز بحث ارتداد را در میان



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران

مبادا سیر بخواییم
و همسایه مسلمانان
نیازمند کمک باشد

برای مداوم کمک های فوری هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به ده ها میلیون نفر از مسلمانان بحران زده پاکستان و تسکین آلام خانواده ها و کودکان آسیب دیده از سیل، همراهِ و یاور ما باشید.

شماره حساب
۹۹۹۹۹ بانک ملی،
پایگاههای جمع آوری
کمک های مردمی
و شعب جمعیت
هلال احمر در سراسر
کشور آماده دریافت
کمک های مردم
نیکوکار ایران اسلامی
است.

غرب به قدرت برتر مقاومت اسلامی لبنان اعتراف می کند

اشاره: موسسه امنیت جهانی استراتفور، یک مؤسسه اطلاعاتی خصوصی است که در حقیقت به تجارت اطلاعات مشغول است. این مؤسسه که توسط جمعی از کارشناسان اطلاعاتی آمریکا مدیریت می شود درباره موضوعات امنیتی پژوهش کرده و نتایج را به صورت مقالاتی ارائه می کند. دسترسی به مقالات این مؤسسه مستلزم عضویت و پرداخت حق عضویت است.

اسکات استوارت در مقاله "حزب الله" رادیکال اما "فردگرا" مجبور به اعترافات مهمی شده است. او قدرت حزب الله را توصیف می کند اما ادبیات خاص سیاست آمریکایی را نیز فراموش نمی کند و اتهامات بی پایه و اساس و همیشگی را نیز مطرح می کند.

وقتی سخن از وجود تهدید در مرز آمریکا/مکزیک به میان می آید و یا هنگامی که تحلیلی درباره خشونت و استقرار بمب های موسوم به IED در مرزها انجام می گیرد موضوعی که ناگزیر با آن برخورد می کنیم حزب الله است.

منابع دولتی آمریکا و مکزیکی به کرات از وجود شبکه ایران و حزب الله در آمریکای لاتین ابراز نگرانی کرده اند. هراس آنها از این موضوع است که اگر آمریکا و یا رژیم [اسرائیل] دست به اقدام نظامی علیه برنامه هسته ای ایران در تهران بزنند، این کشور از حزب الله برای حمله به نیم کره غربی و یا حتی به درون آمریکا استفاده کند. این نگرانی ها تنها از جانب ما نمی باشد. هربار که تنش در روابط میان ایران و آمریکا افزایش می یابد، از رسانه ها می شنویم که تهدید حزب الله در آمریکا در حال رشد است. کشور ایران نیز در تلاش برای منصرف کردن آمریکا و [رژیم] اسرائیل از حمله به تجهیزات هسته ای این کشور علاقه وافری به تاکید بر خطری بنام حزب الله و دیگر نمایندگان ستیزه گرش دارد.

نگاهی دقیق به حزب الله خبر از توانایی بالای این جنبش در راه اندازی حملات خاص می دهد. این گروه قادر است بسیار خطرناک تر از القاعده عمل کند. تحلیل ها همچنین نشان می دهد که حزب الله حضوری پررنگ در آمریکای لاتین دارد و از شبکه خود برای قاچاق انسان به آمریکا استفاده می کند. این تهدید جدی است و این گروه بسیار کارکنه هستند. عواملی وجود دارد که در طی سالهای اخیر مانع استفاده حزب الله از شبکه بین المللی خود برای اهداف خاصی شده است. چنین تصمیماتی هرگز از روی سهل انگاری و بدون برنامه ریزی دقیق بر روی هزینه و پیامدهای آن گرفته نمی شود.

توانایی نظامی

در تحلیل دقیق حزب الله نباید این نکته را فراموش کرد که آنها تنها یک گروه تروریستی نیستند. خصوصاً در سال ۱۹۸۰ حزب الله پس از حملات چشمگیر و موثر خود، عملیات انتحاری با کامیون های بمب گذاری شده، هوایماری های قابل توجه و بهره وری از گروگان های غربی (که گاهی برای سالها زندانی می شدند) در لبنان، در سطح بین المللی شناخته شد اما امروز آنها چیزی بیش از یک گروه هستند. حزب الله یک حزب سیاسی بانفوذ است که دارای قدرت نظامی بالا و مجهز می باشد و از نیروی نظامی موجود در لبنان قدرتمندتر ظاهر شده است. این سازمان شبکه وسیعی از خدمات اجتماعی را در لبنان کنترل می کند و توسط طیف وسیعی از شرکت های قانونی و غیرقانونی جهانی به لحاظ لجستیک و مالی تامین می شود.

حزب الله در لبنان به لحاظ نظامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است خصوصاً پس از مقابله با [رژیم] اسرائیل در آگوست ۲۰۰۶ اگرچه این گروه نتوانست [رژیم] اسرائیل را شکست دهد اما در مقابل آن ایستادگی کرد و شکست نخورد. شاید این حزب در ابتدا توسط حملات ناگهانی [رژیم] اسرائیل به خاک و خون کشیده شد اما در نهایت حزب الله تن به شکست نداد، خم شد اما نشکست. این مقاومت برای این سازمان یک پیروزی بزرگ محسوب و در جهان اسلام مورد تشویق واقع شد.

سرسختی و کارآمدگی سربازان حزب الله در مقاومت سال ۲۰۰۶ به وضوح دیده شد. این ویژگی ها بعلاوه مهارت هایی که آن ها در جنگ های چریکی از خود به نمایش گذاشتند، همچون برنامه ریزی و اجرای حملات ناگهانی از پشت کمینگاه ها و همچنین استقرار بمب های موسوم به IED علیه وسایل نقلیه نظامی، چیزهایی هستند که می توان آنها را مستقیماً به حملات تروریستی ارجاع داد.

تأسیسات تمرینات نظامی حزب الله در مکان هایی همچون "بني شیط" در غرب لبنان می باشد، جایی که نظامیان این سازمان توسط مربیانی از سوریه و یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی قدس آن تمرین داده می شوند. ضمناً نظامیان حزب الله برای دوره های آموزشی تسلیحات پیشرفته و تاکتیک های چریکی و تروریستی رده بالا به سوریه و یا ایران فرستاده می شوند. این تمرینات پیشرفته کادر وسیعی از مهره هایی را در اختیار حزب الله قرار می دهد که برای انجام عملیات در شرایط حساس نظامی و هدایت عملیات های خاص موفق بخوبی تعلیم دیده اند. ارتباط آنها با تأسیسات دیپلماتیک ایرانی به آنها اطمینان دسترسی به مواد منفجره نظامی و تسلیحات مدرن را می دهد که این تسلیحات توسط نقل و انتقال دیپلماتیک که از تفتیش مصون است به دست آن ها می رسد.

شبکه آمریکای لاتین

حزب الله و حامیان ایرانی اش ده ها سال است که در آمریکای لاتین تشکیل شبکه داده اند. ایران به دنبال برقراری ارتباط با کوبا، نیکاراگوئه، بولیویا و ونزوئلا بوده است، کشورهایی که با آمریکا و سیاست هایش مخالفت کرده اند. منابع استراتفور ادعای دولت آمریکا مبنی بر حضور نیروهای شبکه نظامی سپاه پاسداران در ونزوئلا را تصدیق می کند. این نیروها، به نقل از استراتفور، علاوه بر نظامیان متعلق به نیروهای نظامی انقلابی کلمبیا، در حال دادن آموزش های چریکی به نظامیان ونزوئلایی نیز هستند. ایرانی ها علاوه بر افسران اطلاعاتی وزارت اطلاعات و امنیت، تحت پوشش دیپلماتیک در سفارتخانه های خود عاملانی از سپاه مستقر کرده اند. افسران سپاه و وزارت اطلاعات همچنین تحت پوشش غیراداری در بیژنس، مراکز فرهنگی و خیریه مشغول به فعالیت می باشند و بطور نزدیک با عاملان حزب الله در ارتباط اند. این تعاون و همکاری نه تنها در لبنان دیده شده است، بلکه در جاهایی مانند آرژانتین نیز وجود دارد. ایران همچنین روابط دیپلماتیک خود را با مکزیکی حفظ می کند و از حضور دیپلماتیک خود با مکزیکی برای رسیدن به اهدافی همچون روابط تجاری و موضوعات انرژی بین المللی استفاده می کند. (هر دو کشور از تولیدکنندگان مهم انرژی به حساب می آیند).

حزب الله با وجود دریافت صدها میلیون

دلار کمک مالی و تجهیزات نظامی از ایران و سوریه، شبکه لجستیک و مالی جهانی وسیعی را برای خود تشکیل داده است. فرهنگ تجارتي مردم لبنان در تمام دنیا پخش شده است و حزب الله با بهره برداری از این لبنانی های دور افتاده (مسیحی و مسلمان) به تأمین مالی اهداف خود می پردازد. این سازمان همچنین با اعراب و مسلمانان غیرلبنانی، شیعه و سنی، نیز همکاری می کند که بسیاری از آنها با رسیدن به اهداف اقتصادی خود با حزب الله همکاری می کنند، نه بدلیل همسویی در ایدئولوژی.

حزب الله حضوری دیرین و پررنگ در منطقه سه مرزی پاراگوئه، آرژانتین و برزیل دارد، جایی که به گفته دولت آمریکا سالانه میلیون ها دلار از گذر فعالیت های تجاری قانونی و غیرقانونی بدست می آورد.

این سازمان در سالهای اخیر در مکزیکی و آمریکای مرکزی نیز فعال شده است که البته مکزیکی جای مناسبی برای فعالیت حزب الله و ایران محسوب می شود. این کشور مدت هاست بدلیل مجاورت خویش با آمریکا و سیستم ضدجاسوسی ضعیفش محل رفت و آمد افسران اطلاعاتی کشورهایی شده بود که با آمریکا خصومت داشتند، از آلمان نازی گرفته تا شوروی. منابع دولت مکزیکی به استراتفور گفته اند که توانایی دولت مکزیکی در نظارت سازمانی همچون حزب الله محدود است. کشور مکزیکی در طول تاریخ توجه عملیات اطلاعاتی خود را همواره بر روی رقبای سیاسی دولت خود متمرکز کرده است، نه به روی عوامل اطلاعاتی دشمن که بر روی خاک او در حال فعالیت هستند. این مسئله با توجه به این موضوع که افسران اطلاعاتی بدلیل مجاورت این کشور با آمریکا در آنجا حضور دارند و نه با هدف جاسوسی بر روی کشور مکزیکی، معقول بنظر می رسد. مهارت پایین دولت مکزیکی در زمینه تاکتیک های ضد جاسوسی توسط عواملی چون فساد و منابع قابل توجهی که این کشور مجبور شده است در اختیار رقابت های موجود بین اتحادیه های کمپانیهای تولید و عرضه کننده کالا که در حال غارت کشور هستند، قرار دهد، کاهش یافته است.

حزب الله برای بودن در مکزیکی از مزیت دیگری نیز برخوردار است و آن هم شباهت فیزیکی آنها با مکزیکی ها می باشد. شهروندان مکزیکی که وارثی لبنانی دارند (مانند ثروتمندترین مرد مکزیکی، کارلوس اسلیم) در خیابان های مکزیکی احساس غربت نمی کنند. منابع استراتفور می گویند که اعضای حزب الله به منظور ماندن در مکزیکی با زنان آن ها ازدواج می کنند و برخی حتی نام های اسپانیایی اتخاذ می کنند. شناسایی یک عامل نفوذی حزب الله، با نام اسپانیایی که زبان اسپانیایی را نیز به خوبی آموخته است توسط گمرکات آمریکا و مأمورین محافظت از مرزها بسیار دشوار است. مأمورین آمریکایی عموماً به اندازه کافی به زبان اسپانیایی تسلط ندارند که بتوانند اسپانیایی آمیخته به گویش مکزیکی و یا خارجی را تشخیص دهند.

غالب لبنانی هایی که در مکزیکی ساکن هستند مسیحیان مارونی (مسیحیان مقیم لبنان) هستند که از کشور خود گریخته و با موفقیت همرنگ مکزیکی شده اند. اکثر لبنانی های مسلمانی که در مکزیکی زندگی می کنند نسبتاً تازه وارد می باشند و نیمی از آنان شیعه می باشند و لذا جامعه مکزیکی نسبت به جاهای دیگر کوچک تر

است. حزب الله از این فرصت برای پنهان کردن عوامل خود استفاده می کند. منابع به استراتفور گزارش کرده اند که مردم حزب الله و ایرانی در تعدادی از مراکز کوچک اسلامی در شهرهایی از مکزیکی مانند چیپوآهوا، ترون و مونتری فعالیت می کنند. آنها همچنین در مراکز اسلامی شیعی در شهرهای مرزی حضوری فعال دارند و از این مراکز برای قاچاق عاملان خود استفاده می کنند.

حزب الله دارای گروهی است که نسبت به القاعده بسیار کارآمدتر و به لحاظ وسعت نیز بزرگ تر است. چیزی که القاعده به عمر خود ندیده است. حزب الله (و حامیان ایرانی اش) جای پای خود را در آمریکا محکم کرده اند نشان داده اند که می توانند با استفاده از شبکه لجستیک جهانی خود به جابجایی عاملان خود پرداخته و حملات دلخواه خود را پیاده کنند. این چیزی است که دولت آمریکا از آن می ترسد و دولت ایران نیز همین را می خواهد. خطری که از جانب سیستم نظامی حزب الله آمریکا را تهدید می کند جدی است و به مدت ها پیش بازمی گردد. این تهدید برخلاف اظهارنظر برخی از مطبوعات نوپا و روبه رشد نیست، حضور این سازمان در ایالات متحده آمریکا قدمتی دیرینه دارد.

اما باوجود توانایی های خاص این حزب، سالهاست که آنها خارج از منطقه خود دست به اقدامی نزنده اند. این امر تا حدی بدین دلیل است که حزب الله تبدیل به یک سازمان بالغ شده است. حزب الله دیگر آن سازمان تازه به دوران رسیده ای نیست که در سال ۱۹۸۳ چندان به چشم نمی آمد، بلکه یک سازمان جهانی دارای اسم و رسم است. دارایی ها و پرسنل آن قابل شناسایی و دستگیری و حمله هستند. حزب الله می داند که هرگونه عملیات تروریستی علیه خاک آمریکای متحده منتهی به عواقبی شود که پس از یازده سپتامبر شاهد بودیم و شاید همچون القاعده به پایان عمر این سازمان بیانجامد (باتوجه به اینکه حمله به لبنان خیلی آسان تر از افغانستان است).

حزب الله به نیمکره غربی به عنوان محلی بسیار مناسب برای کسب درآمد نگاه می کند و خوب می داند که تنش با آمریکا می تواند تأثیر سوئی بر روی منافع تجاری آنها داشته باشد. حزب الله توانایی حمله به آمریکا را دارد اما این کار عواقب سنگینی دربر خواهد داشت و به نظر نمی رسد که این سازمان قصد انجام چنین کاری را داشته باشد. رهبر حزب الله ممکن است رادیکال باشد، اما خردگراست.

بنابراین باوجود توانایی حمله به منافع آمریکا، این سازمان میل به انجام چنین کاری را ندارد. حملات حزب الله در لبنان در سال ۱۹۸۰، همچون بمب گذاری در پایگاه های نظامی تفنگداران دریایی آمریکا و دو حمله دیگر به سفارت آمریکا به منظور حذف تأثیر آمریکا در لبنان بود و البته آن حملات موفقیت آمیز نیز بود. هرگونه اقدام نظامی در درون خاک آمریکا پاسخ آمریکا و حضور این کشور در لبنان را دربر خواهد داشت. بنابراین چرا شایعه حمله تروریستی قریب الوقوع حزب الله به گوش می رسد؟ سالهاست که هربار سخن از حمله به ایران به میان می آید با تهدید این کشور مبنی بر استفاده از نمایندگان خود مواجه می شویم. تهدید حزب الله به طرق گوناگونی به عنوان یک بازدارنده از حمله مورد استفاده ایران قرار می گیرد. حمله حزب الله و بستن تنگه هرمز تنها تهدیدهایی هستند که ایران در اختیار دارد.

ترس آمریکا و صهیونیست ها از ژئوپلیتیک شیعی جمهوری آذربایجان



در آمدن وعده های غربی و برآورده نشدن انتظار آذری ها از دنیای غرب، نوعی خلاء در مناسبات آذربایجان - غرب مشاهده می شود، فرصت مناسبی برای سایر سایر کشورهاست تا دایره نفوذ خود در این جمهوری ثروتمند شیعه را گسترده تر و عمیق تر نمایند.

شواهد حکایت از این دارد که روسیه در این زمینه دست به اقدامات موثری زده است، ولی از سوی ایران اقدام اساسی که تاکنون منجر به نتیجه روشنی شده باشد، دیده نشده است. باید

به این نکته اساسی توجه داشت که جمهوری آذربایجان در موقعیتی قرار دارد که برای کشوری مثل ایران نمی تواند حالت خنثی داشته باشد، ایران باید یکی از دو گزینه جذب جمهوری آذربایجان به طرف خود (حتی در صورت داشتن مناسبات گسترده با غرب) و یا رها کردن این کشور در دل ساختارهای سیاسی - امنیتی غرب و بلوک ضد ایرانی را انتخاب کند. در این خصوص علاوه بر روابط و مناسبات رسمی و بین دولتی، نقش نهادهای مدنی غیردولتی و رسانه ها بسیار موثر است که در مورد اخیر تاکنون این نقش عمدتاً کارکرد منفی در نزدیکی دو کشور داشته است. رسانه های دو کشور باید دست به بازتعریفی مناسب از جوامع دو کشور بزنند. رسانه های و محافل ایرانی باید این جمهوری را به عنوان یک کشور مستقل دارای حق حاکمیت بر تمامیت ارضی خود و با نام رسمی آن بشناسند و رسانه های آذری نیز باید به این واقعیت برسند که با طرح مسائل تفرقه انگیز قومی و ارائه تصویری افراطی از سیاست های دینی ایران طرفی نخواهند بست.

دیپلماسی رسمی کشور نیز باید در عرصه های اختلافی نظیر رژیم حقوقی خزر با نگاه گشایش گونه به تعامل بپردازد و در حوزه هایی چون مناقشه قره باغ، ایران می تواند به سبب روابط اقتصادی راهبردی با ارمنستان، در تن دادن این کشور به قطعنامه های شورای امنیت و توافقات پیشین موثر باشد و با توجه به رضایت آذربایجان به میانجی گری ایران، از این طریق وارد فرآیند حل مناقشه قره باغ که گره گاه صلح و ثبات و امنیت قفقاز جنوبی است، بشود. فرآیندی که حق مسلم ایران حضور مؤثر در آن است. البته مخالفت گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به مثابه نهاد کهنه شده غربی با ورود ایران به این عرصه قابل پیش بینی است.

از این رو نقش ایران را نباید منحصر به عضویت رسمی در گروه های میانجی گر دانست. ایران در این زمینه می تواند، مانند ترکیه نقشی تأثیرگذار و تسهیل گر داشته باشد.

قدر مسلم این است که جغرافیای سیاسی نوین شیعه در دنیا شکل گرفته و ایران نمی تواند و نباید از فرصت های این جغرافیای نوین غافل شود. اکنون برای همگرایی بین اجزای این جغرافیا باید روش های قبلی را کنار نهاد و در کسوت یک قدرت محور و عامل مرکزی در شکل گیری این قدرت منطقه ای ظاهر شود. البته این به معنای نادیده انگاشتن وحدت شیعه و سنی در جهان اسلام نمی باشد و ایران باید همچنان ضمن حفظ محوریت در جهان تشیع، نقش اول را در راستای گسترش تقریب بین مذاهب اسلامی ایفا کند تا به مرور دست آمریکا و اسرائیل از جامعه اسلامی کوتاه شود.

باورهای اسلامی جوامع شیعی توسط نهادهای غیردولتی غربی نظیر بنیاد سوروس و... که اغلب با پوشش فعالیت های آموزشی در زمینه های حرفه ای و علمی صورت می گیرد.

- تأثیر دولت های وابسته به آمریکا که برخی نظیر عربستان سعودی در پی نفوذ فرقه وهابیت در این کشور هستند.

با اوصاف گفته شده، در شرایط کنونی شیعه گری در جمهوری آذربایجان - که به رغم بسترهای مناسب نتوانسته گفتمان غالب در سیاست و جامعه این کشور درآید - از سوی عوامل زیر تحت فشار است:

- نظام سیاسی غیردینی و توتالیتر در کشور که محدودیت های زیادی برای آزادی های دینی جامعه ایجاد می کند.

- وجود یک الگوی پذیرفته شده خارجی به نام جامعه ترکیه، همچنین در این زمینه گفتنی است که اسلامگرایی و شیعه گری در ترکیه هیچگاه به هم پیوند نخورده اند. شیعیان ترکیه (علویان) عمدتاً طرفدار لائیسزم هستند و دین باوری آنها بیشتر شکل و شمایل طریقت گرایی دارد. هرچند رویکردهای گشایش محور در دولت کنونی ترکیه باعث همگرایی شیعه و سنی در جامعه می شود، ولی تا تحقق این امر فاصله زیادی هست.

- تأثیر فرهنگی غرب که به جهت ضعف ساختارهای اجتماعی به جای مانده از تسلط کمونیسزم، کارکرد اساسی در هویت بخشی نوین جامعه آذربایجان دارد.

- سوء تفاهات ساختگی با ایران.

ارزیابی و نتیجه گیری

ژئوپلیتیک شیعی را با گستره جغرافیایی از پاکستان تا دریای مدیترانه و از کوه های قفقاز تا خلیج فارس، می توان ژئوپلیتیک نو ظهور و ممتاز قرن ۲۱ نامید که سبب ایجاد تحولات بنیادین در ترتیبات برخی مناطق جهان بویژه خاورمیانه، قفقاز جنوبی و مدیترانه خواهد شد. این تحولات فرصت های زیادی را پیش روی بازیگران منطقه ای قرار می دهد که جمهوری اسلامی ایران در صورت استفاده صحیح و به موقع از این فرصت ها، می تواند بزرگ ترین برنده این دگرگونی ها باشد. اما جمهوری آذربایجان که یکی از پتانسیل های اصلی برای شکل گیری ژئوپلیتیک شیعی است، با ادامه روند کنونی به جای هم افزایی و تقویت جهان شیعی به عاملی در جهت تضعیف جریان همگرایی اسلامی - شیعی و منطقه ای تبدیل خواهد شد. در این میان مناقشه قره باغ به عنوان کلید اصلی تصمیمات استراتژیک مقامات باکو تلقی می شود و آمریکایی ها دقیقاً با استفاده از همین کلید به پی ریزی هم پیمانی - که خودشان آن را استراتژیک می نامند - دست زده اند و اکنون که با توخالی

منشاء آن از مناسبات گسترده آذربایجان با غرب و کشور ترکیه است، نوعی گرایش به سمت کشورهای سازشکار عربی (مانند اردن، عربستان سعودی، پاکستان و امارات عربی متحده) نیز در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان مشاهده می شود.

مشخصه دیگر این کشورها هم سویی سیاست های آنها با غرب و آمریکاست.

هر چند جمهوری آذربایجان در کنار این مناسبات با ایران و کشورهایی که هم راستایی در سیاستهای منطقه ای با ایران دارند (مانند ترکیه و سوریه) نیز روابط در خور توجهی دارد، ولی مسأله اینجاست که توسعه روابط باکو با کشورهای سازشکار عرب در کنار حمایت های آمریکا از این مناسبات و نیز نزدیکی باکو و تل آویو، این فرض را تقویت می کند که غرب، اسرائیل و دولت های عربی طرفدار آمریکا به دنبال نفوذ و ایجاد پایگاه سیاسی - اجتماعی در منطقه شیعی و استراتژیک قفقاز هستند.

آنچه مسلم است، این است که دنیای غرب بویژه آمریکا و اسرائیل از اسلام ناب به سبب نگرش های راهبردی در ایران و لبنان و نیز تحركات نوپای شیعیان در عراق به مراتب بیشتر از اسلام ترویج شده توسط دولت های عربی مثل عربستان و مصر هراس دارند. حکومت های دیکتاتوری عربی مانند عربستان سعودی و اردن در سازگاری با سیاست های آمریکا و نوعی همراهی غیرمستقیم با اسرائیل هستند و یا مانند ترکیه کنونی به دنبال قرائت جدید از اسلام سیاسی هستند. از این رو طبیعی است که آمریکا و اسرائیل به تقویت نظام های سیاسی سازشکار در دنیای اسلام بپردازد و حتی از این طریق سعی در تضعیف دولت ها و گروه های طرفدار اسلام ناب داشته باشند.

اما آنچه آمریکا و اسرائیل را بیش از پیش نگران می کند، همگرایی نظام های شیعی و سنی در منطقه است که محافل غربی و برخی دول عربی با پیش کشیدن خطر هلال شیعی، سعی در مقابله با آن دارند و افزون بر تقویت گرایش های ضد شیعی در جهان اسلام، به انشقاق در جغرافیای سیاسی شیعه نیز دست می یازند.

در این میان جمهوری آذربایجان به سبب جایگاه خاص در ژئوپلیتیک شیعی همواره مدنظر این دو کشور است. جمهوری آذربایجان به سبب هم جوارگی با ایران و روسیه، موقعیت مکانی ممتاز در کرانه دریای خزر و ذخایر غنی هیدروکربن هدف خوبی برای واشنگتن و تل آویو محسوب می شود. شاید بتوان گفت؛ آذربایجان بعد از عراق دومین هدف اولویت دار غرب در این زمینه است. برخی از محورهای برنامه آمریکا و هم پیمانشان برای مقابله با تکمیل خانه های پازل ژئوپلیتیک شیعی که جمهوری آذربایجان قطعه مهمی در این زمینه به شمار می رود، عبارتند از:

- رواج ایران هراسی و بیم از حاکمیت اسلام سیاسی و دولت دینی در منطقه
- ترویج اختلافات قومی و نژادی بین شیعیان کشورهای مختلف و زمینه سازی شکل گیری هویت های شیعی قوم مدار و ظهور مفاهیمی چون شیعه فارس، شیعه ترک و شیعه عرب در امت شیعی
- ترویج نظام سیاسی سکولار در کشورهای شیعی
- انجام فعالیت های مسیونری برای تضعیف

موضوع هلال شیعی و جلوگیری از شکل گیری آن به اولویت های اصلی آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه تبدیل شده است به طوری که در تحلیل ها پس از عراق از جمهوری آذربایجان به عنوان دومین هدف در این زمینه یاد می شود.

صرف نظر از بودگی و امکان تحقق این مسأله، آمریکا و اسرائیل با ابراز نگرانی بیش از پیش از خطر اتحاد شیعیان و بهانه کردن این موضوع، سعی در همراه کردن سایر کشورها برای تأمین منافع توسعه طلبانه خود دارند.

در این میان جمهوری آذربایجان به سبب جایگاه خاص آن در ژئوپلیتیک شیعه، یکی از اهداف اصلی آمریکا، اسرائیل و برخی دولت های عربی برای نفوذ در آن و ممانعت از افزایش پیوستگی های این کشور با دیگر جغرافیاهای شیعه بوده، به نحوی که در برخی تحلیل ها بعد از عراق از جمهوری آذربایجان به عنوان دومین هدف اولویت دار در این زمینه یاد می شود.

جمهوری آذربایجان با دارا بودن ۹۷ درصد جمعیت مسلمان که از این میزان بیش از ۷۰ درصد دارای مذهب شیعه هستند از دیرباز و در پیوند با مناطق آذری نشین شمال غرب ایران پایگاه مهمی برای مذهب شیعه محسوب می شد. با جدایی این سرزمین از خاک اصلی کشور ایران در دوران قاجار، در ابتدا مردم این مناطق تحت فشار سیاست های ضد اسلامی و مسیحی روسیه تزاری بودند. آزار و اذیت شیعیان بویژه روحانیون در آن زمان از برگ های سیاه تاریخ امپراتوری تزار روس شمرده می شود. مقاومت های مردم در سرزمین آذربایجان و نیز تغییر سیاست امپراتوری تزار در برهه ای از تاریخ که به سبب رویارویی با امپراتوری عثمانی سنی مذهب، تزارها دست از سرکوب مذهبی شیعیان آذری برداشتند، به پایداری مذهب شیعه منجر شد تا این که دومین ضربه به مذهب شیعه در دوران سلطه نظام کمونیستی وارد شد، ضربه ای که شدیدتر و عمیق تر از جنایات تزارها بود.

در مدت بیش از ۷۰ سال حاکمیت ایدئولوژی کمونیسزم، نسلی در آذربایجان و سایر نقاط اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمدند که تا حدود زیادی با دین و مذهب بیگانه بودند. پس از فروپاشی شوروی، به رغم اشتیاق همراه با حس نوستالژیک قوی مردم جمهوری آذربایجان نسبت به احیای ارزشهای دینی مذهب تشیع و پیوند عاطفی با ایران، وقوع جنگ قره باغ و نفوذ غرب در این کشور، مانع از این شد که این علاقه وافر توده مردم به مثابه فرصتی طلایی، زمینه ساز توسعه مناسبات و پیوند با ایران شود و در این میان شیعه گری آذربایجان از کانون سیاسی - اجتماعی شیعه گری دور ماند و تلاش های صورت گرفته در این زمینه بسیار اندک بود و نتیجه لازم را در پی نداشت.

پویایی و عدم پویایی شیعی در آذربایجان
در سال های اخیر که به رغم تلاش های صورت گرفته، مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان نتوانسته شکل واقعی خود را یافته و به حد مورد انتظار برسد، سیاست های ضد دینی دولت جمهوری آذربایجان که به نوعی بازتاب سرخوردگی های سیاستمداران آذری از جهان اسلام و امید بستن غیر واقعی به جهان سکولار غرب است، فشار زیادی بر مذهب شیعه در این کشور وارد کرده است.
در کنار رواج اندیشه سیاسی سکولار که

تأثیر روز قدس در جلوگیری از تکرار

فاجعه آتش زدن مسجد الاقصی

۳۰ مرداد برابر با چهل و یکمین سالگرد به آتش کشیده شدن مسجد الاقصی، به دست مایکل روهن، صهیونیست استرالیایی تبار بود. روهن در چنین روزی در سال ۱۹۶۹ میلادی با هماهنگی اشغالگران، مسجد الاقصی را آتش زد. این جنایت با حمایت سران رژیم صهیونیستی در حالی صورت گرفت که این رژیم به این امر بسنده نکرده و ابزارهای مختلفی را برای نابود سازی ماهیت اسلامی و مسیحی قدس شریف به کار گرفته است.

در طول ۶ دهه گذشته صهیونیستها یکی از مهمترین اولویتهای کاری خود را تصرف کامل بیت المقدس و در نهایت دگرگونی در ساختار مسجد الاقصی قرار داده اند. با توجه به این که مکان های مقدسی مانند مسجد الخلیل، مسجد بلال بن رباح، مسجد الاقصی و بسیاری از ساختارهای جمعیتی و ساختاری بیت المقدس نمادهای تعلق سرزمین فلسطین برای فلسطینیان است، صهیونیست ها طرح های خود را بر اساس نابودسازی و یهودی سازی این آثار استوار کرده اند. در این چارچوب سیاستهای آنها حول دو محور اجرا می شود.

اولاً، طرح هایی که در قبال بیت المقدس می باشد. اخراج اعراب و جایگزین کردن یهودیان، تغییر در ساختار شهری با ساخت شهرکهای جدید صهیونیست نشین، جلوگیری از ورود مسلمانان و ... از جمله اقدامات صهیونیستها برای تصرف کامل بیت المقدس است. بر اساس این طرح سرانجام بیت المقدس به مکانی کاملاً یهودی مبدل می شود که پایتخت این رژیم معرفی می گردد. نکته مهم آنکه آنها برای تکمیل پروژه به اصطلاح کشور یهود، اعمال فشار بر مسیحیان و اخراج آنها را اجرامی کنند.

محور دوم سیاستهای صهیونیست ها در قبال مسجد الاقصی است. مکانی که برای یهودیان، مسلمانان و مسیحیان مقدس می باشد. با توجه به اینکه صهیونیست ها همواره از باورهای مذهبی برای توجیه توسعه طلبی بهره برده اند، تلاش دارند مسجد الاقصی را نیز به مکانی برای تحقق این اهداف مبدل سازند. در طی سالهای اخیر و در شرایطی که فلسطینیان و جهان اسلام به تحولات داخلی به ویژه مسائل غزه و کرانه باختری معطوف شده اند، صهیونیستها از کلیه ابزارها برای دگرگونی در ساختار مذهبی مسجد الاقصی استفاده می کنند. تخریب بخشهای اسلامی و ایجاد مراکز دینی برای یهودیان، خروج آثار اسلامی از زیر مسجد الاقصی و جایگزین کردن آثار جعلی یهودی در این مراکز، تنها بخشهایی از توطئه صهیونیستها در این مکان مقدس است. امروز پس از نزدیک به چهار دهه از به آتش کشیدن مسجد الاقصی، نه تنها توطئه های صهیونیستها در این مکان کاهش نیافته بلکه با عناوین مختلف در حال اجرایی شدن است. آنها برای اجرای سناریوی خود، حملات افراطیون به این مکان مقدس را نیز اجرا می کنند تا به اصطلاح بر عملکردهای سران این رژیم برای نابودسازی قدس سرپوش گذارند.

با توجه به این روند جا دارد تا جهان اسلام با وحدت کلمه برای حمایت از ملت فلسطین بویژه برای مقابله با توطئه های صهیونیست ها علیه قدس شریف به پا خیزند چرا که استمرار سکوت و برخی گرایشان به سازشکاری نه تنها دستاوردی ندارد بلکه به تشدید اشغالگری صهیونیست ها منجر خواهد شد. امری که مسلماً پیامدهای سنگینی برای جهان اسلام در سراسر جهان به همراه دارد چنانکه سکوت مسلمانان در برابر مسئله فلسطین پیش زمینه ای برای اشغال کشورهای اسلامی همچون عراق و افغانستان و تکرار این سناریو برای کشورهایی مانند سومالی و سودان شده است. آخرین جمعه ماه مبارک رمضان که به حق امام خمینی (ره) بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران، آن را روز حمایت از ملت فلسطین و مسجد الاقصی (روز قدس) نام نهادند، می تواند نمادی برای اتحاد جهان اسلام در حمایت از قدس شریف باشد که راه برای تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس شریف همواره خواهد ساخت.

گزارش افشاگرانه؛

بانوان قربانیان همیشگی فرقه رجوی

بیش از هر موجود دیگری قربانی هوا و هوس رجوی شده اند و تاکنون ابزار خوشگذرانی و بازیچه بسیاری از سران این فرقه، فرماندهان حزب بعث و مواردی از این دست شده اند. اما سوء استفاده های این فرقه از زنان همچنان ادامه دارد و زنان و دخترکان این فرقه همواره و در برنامه های بهره کشی، مهره های اول این بهره کشی بوده و هستند.

واقعیت تلخی که محمد جواد هاشمی نژاد چند روز قبل و در یک گفتگوی رسانه ای صریح و شفاف به آن اشاره کرد، نشان دهنده عمق استثمار زنان و دختران در این فرقه است. اشاراتی که وی با مرور یک سند طبقه بندی شده وزارت امور خارجه آمریکا از آن یاد کرد نشان می دهد سران این فرقه دختران دانش آموز را برای انجام عملیات انتحاری به کربلا آموزش می دهند.

در طول سالهای اخیر و از زمان حضور آمریکاییها در عراق، بارها عملیتهای انتحاری توسط دختران کم سن و سالی انجام شده که با استفاده از کمربند انتحاری، به میان جمعیت رفته و خود را منفجر کرده اند.

دو سال قبل نیز هابیلیان با انتشار خبری مشابه، پرده از اقدامات مشابه منافقین در این خصوص برداشت. افشاگری کانون خانواده شهدای ترور کشور، در آن زمان خشم و عصبانیت جنون آمیزی را در رسانه های منافقین رقم زده و هابیلیان آماج حملات سایتهای آنها قرار گرفت. آن زمان اعلام شد که منافقین از دختران و پسران کم سن و سال استفاده کرده، با مبالغ اندکی پول و استفاده از آبیومیه های آلوده به مواد مخدر، با خارج کردن دختران و پسران کم سن و سال از حالت طبیعی، از آنها می خواهد در عملیتهای انتحاری بر ضد مردم عراق، در اماکن شلوغ و اماکن مذهبی شرکت کنند. آمارها نشان می دهد که از سال ۲۰۰۳ تاکنون ۵۵ مورد عملیات انتحاری در عراق توسط زنان و به ویژه دختران کم سن و سال صورت گرفته است و زنان انتحاری برای انجام عملیتهای انتحاری خود، در استان های دیالی، بغداد، الانبار، بابل، نینوا، کربلا و کرکوک پراکنده هستند.

در این خصوص البته گفته های نماینده پارلمان عراق نیز قابل تامل است: "سمیره موسوی، رئیس کمیته زنان و خانواده در پارلمان عراق می گوید: گروه های تروریستی با شستشوی مغزی، از زنان ناتوان و ناامید که دچار مشکلات اقتصادی هستند برای انجام عملیات تروریستی استفاده می کنند".

پیش از انتشار این خبر توسط هابیلیان و بعد از آن، تا زمان حاضر عملیتهای انتحاری زیادی علیه مردم عراق با همین شیوه و روش صورت گرفته است که نتایج آن شهادت تعداد زیادی از مردم عراق بوده است؛ عملیتهایی که هنوز هم ادامه دارد و هنوز هم قربانی می گیرد.

آموزش دختران کم سن و سال برای انجام عملیتهای نظامی در کربلا، تنها گوشه ای از روند ناآرام سازی عراق است که توسط منافقین دنبال می شود. منافقین در برنامه ریزی و اجرای عملیتهای خود تلاش گسترده ای به کار می برند تا ردی از خود بر جای گذارند.

آموزش دختران دانش آموز، سازماندهی و آموزش نیروهای القاعده در پادگان اشرف و به کار گرفتن جوانان بیکار - به بهای اندک - برای انجام عملیتهای تروریستی، استراتژی مهم

سرکردگان منافقین است برای انجام عملیتهای تروریستی و ایجاد فضای ناآرام در عراق و از این رو است که می توان رد پای منافقین را به نوعی غیرمستقیم، در تعداد زیادی از عملیتهای تروریستی انجام شده و در حال انجام در عراق جستجو کرد.

عملیتهایی که از سال ۲۰۰۳ و با حضور آمریکا در عراق و از زمان خلع سلاح اجباری منافقین توسط آمریکا، با سرمایه گذاری منافقین بر روی تروریستهای کم سن و سال، بیشتر از گذشته رشد پیدا کرده است.

امروزه شنیدن اخبار کشتارهای ضد بشری در عراق هر چند هم که خسارات و تلفات بسیار سنگینی برجای می گذارد تقریباً عادی شده است شاید نتوان رقم دقیقی از تعداد عملیات انتحاری عراق که وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین شیوه تروریسم است را مشخص کرد.

گزارش وزارت امور خارجه آمریکا درباره تمایل سران این فرقه به انجام عملیتهای تروریستی و آمادگی این فرقه برای انجام عملیتهای تروریستی - برای رسیدن به اهداف - تکمیل کننده این فرضیه است که منافقین به صورت غیر مستقیم در عملیتهای تروریستی زیادی - از زمان خلع سلاح اجباریشان - شرکت کرده اند.

عملیتهایی که برای سران این فرقه بسیار مهم است که ردی از سازمان تروریستی مجاهدین خلق در آن نباشد. آنچه مسلم است اینکه شمار عملیتهای تروریستی که منافقین در عراق و از زمان حضور آمریکاییها انجام داده اند، مشخص نیست، اما شیوه های آنها در به کارگیری دختران کم سن و سال برای این عملیتهای کاملاً آشکار شده و نکته دیگر اینکه این عملیتهای مشخصاً با هدایت منافقین، همچنان ادامه خواهد یافت.

به گزارش مهر، دولت عراق پرونده امنیتی اردوگاه عراق جدید (اشرف) را اوایل سال گذشته میلادی از نظامیان آمریکایی تحویل گرفت و نیروی امنیتی ویژه ای برای حمایت از این اردوگاه تشکیل داد؛ حدود ۳۴۶۶ عضو گروهک منافقین در این اردوگاه به سر می برند. از سوی دیگر، دادگاه عالی جنایی عراق چندی پیش حکم بازداشت دو سرکرده اصلی گروهک تروریستی منافقین را صادر کرد و از پلیس بین الملل خواست آنها را دستگیر و به بغداد تحویل دهد.

گفتنی است اخیراً طی مراسمی که مقامات ارتش عراق و آمریکا در آن حضور داشتند پرونده امنیتی اردوگاه اشرف (محل اقامت گروهک منافقین) در استان دیاله به نیروهای عراقی واگذار شد. امنیت این محل از سال ۲۰۰۳ تاکنون یعنی از زمان اشغال عراق توسط نیروهای چندملیتی در اختیار نظامیان آمریکایی بود.

اردوگاه اشرف در استان دیاله عراق حدود ۳۵۰۰ نفر از اعضای گروهک تروریستی منافقین را در خود جای داده است. گروهک تروریستی منافقین از دهه هشتاد پادگان نظامی اشرف در استان دیاله (۵۷ کیلومتری شمال شرق بغداد) را به عنوان مقر خود برگزید. گروهک تروریستی منافقین علاوه بر اقدامات تروریستی علیه ملت ایران در همکاری با رژیم دیکتاتوری بعث و القاعده جنایتهای فراوانی نیز علیه ملت عراق مرتکب شده است.

گزارش وزارت امور خارجه آمریکا درباره تمایل سران فرقه رجوی به انجام عملیتهای تروریستی اثبات این فرضیه است که منافقین به صورت غیر مستقیم در عملیتهای تروریستی زیادی - از زمان خلع سلاح اجباریشان - شرکت کرده اند.

دادگاه استیناف آمریکا از آموزش دختران برای عملیات انتحاری در کربلا توسط گروهک تروریستی منافقین پرده برداشته است.

مروری بر تمام تصمیمات به اصطلاح بزرگ و سرنوشت ساز در فرقه منافقین نشان می دهد که اجرای هر تصمیم در این فرقه - به فرمان مسعود رجوی - همیشه با بزرگ نمایی و آسمان و ریسمان بافتن های بسیار زیادی همراه بوده است. به دلیل گنگ و مبهم بودن چرایی تصمیمات جدید رجوی برای اعضای فرقه، اصل مهم، قبل از اجرای این تصمیمات ایجاد کمیته توجیه و رفع ابهام بوده تا به زعم رجوی همه نیروها نسبت به فلسفه اجرای یک عمل، کاملاً توجیه باشند.

اما مسئله اینجاست که اکثریت قریب به اتفاق تصمیمات آنقدر دور از عقل و منطق بود که در مدت زمان کوتاهی با باز خورد منفی از جانب اعضا روبرو می شد. طلاق های اجباری یکی از نمونه های بارز این تصمیمات بود. رجوی اعتقاد داشت، طلاق های اجباری و ایدئولوژیک سبب رهایی زنان و مردان می شود. به عنوان یک تئوری، این را در سازمان مجاهدین به عنوان جامعه کوچک تر مطرح کرد تا شاید آن را در آینده در جامعه بزرگتر و در ایران اعمال کند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی کانون هابیلیان (خانواده شهدای ترور ایران) این فرقه در سال ۱۳۶۸ به طور محرمانه و گسترده، اعضای خود را مجبور به طلاق های ایدئولوژیک کرد، بدین معنا که همه اعضا باید برای همیشه حق ازدواج را از خود سلب کرده و در صورت داشتن همسر، با نهایت تفرغ از هم جدا شوند. طلاق اجباری مشکلات متعددی برای کودکان، زنان و مردان وفادار به این فرقه ایجاد کرد. از دیگر موارد قابل ذکر در این فرقه می توان به عملیات مرصاد اشاره کرد که قبل از آغاز آن مسعود رجوی با منطق و معیار دور از عقل خود تعداد زیادی از نیروهای فرقه را برای یک ماجراجویی کودکانه به قتلگاه فرستاد و آنها را ذبح کرد. این عملیات بعدها سبب ایجاد تشکیکات زیادی در عقیده و مرام اعضای این سازمان نسبت به عملکرد سران شد.

آنچه در دوره های مختلف و در مرام مسعود رجوی به عنوان سرکرده منافقین وجود داشت، دستاویزی از آرمانهای مشمئز کننده ای است که قبل از هر کس، مهره های اجرای این آرمان را از مسعود رجوی بیزار می کند. آنها که قربانی نادانی، زیاده خواهی بی حد و اندازه، جهالت و خودنمایی مسعود رجوی شده و می شوند.

با وجود آنکه مسعود رجوی با تصاحب مریم قیجر عضدانلو و با طرح کذابی انقلاب ایدئولوژیک، تلاش کرد از آن به عنوان جایگاه و اعتبار بخشیدن و به زنان یاد کند، اما تصاحب یک به یک این زنان توسط مسعود رجوی، چنانکه بتول سلطانی به عنوان یکی از زنان شورای رهبری همین فرقه از آن یاد کرد، جای هیچ تردیدی باقی نگذاشته که زنان در این فرقه

نگاهی به دو کتاب «غنا، موسیقی» و «رویت هلال» در گفتگو با حجت الاسلام مختاری



مقالات و رسالات علمی و فقهی در باب رویت هلال ماه برای آن که آسان تر در خدمت پژوهش گران باشد در مجموعه ای با نام «رویت هلال» در پنج جلد سامان یافته که گفتگو با پدیدآورنده این اثر، مخاطبان را بهتر از هر روشی به ارزشمندی آن متوجه می سازد.

چندسال پیش مقاله ای با عنوان «ضرورت احیای میراث فقهی» منتشر شد. در این مقاله آمده بود که پژوهش ها، آثار و تک نگاری های فقهی درباره بسیاری از مسائل فقهی مبتلابه جامعه در دسترس نیست، تصحیح نشده و در کتابخانه های مختلف ایران و خارج از ایران نیز به طور پراکنده وجود دارد و محققان برای مطالعه این آثار با مشکل روبرو هستند.

نویسنده مقاله، چهل موضوع مهم فقهی را که محل ابتلای جامعه و حوزه ها بود مانند مسأله غنا و موسیقی، رویت هلال، ولایت فقیه، تقلید اعلم، تقلید میت، ولایت پدر و جد، ارث زوجه را برشمرده و پیشنهاد کرده بود به موضوعات مبتلابه جامعه بیشتر پرداخته شود.

نوشتر زیر حاصل گفت و گوی خبرگزاری رسا با حجت الاسلام والمسلمین رضا مختاری، نویسنده مقاله ضرورت احیای میراث فقهی، و نویسنده دو مجموعه کتاب میراث فقهی ۱ با عنوان «غنا، موسیقی» و میراث فقهی ۲ با عنوان «رویت هلال» است که تقدیم خوانندگان می شود. اشاره؛

حجت الاسلام والمسلمین رضا مختاری در سال ۱۳۵۶، برای تحصیل در حوزه علمیه به قم آمد و مقدمات تفسیر، فقه، اصول فقه، فلسفه و عرفان را از محضر اساتید بنام حوزه آموخت. وی در کنار تحصیل به تدریس و تألیف و تحقیق پرداخت و در سال ۱۳۷۸ مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه را تأسیس کرد که تا کنون ۱۵ عنوان کتاب درسی برای حوزه علوم دینی سامان داده و منتشر کرده است. در سال ۱۳۸۵، موسسه کتاب شناسی شیعه را با هدف معرفی دقیق آثار مکتوب شیعه با همکاری عده ای از دوستانش بنیان نهاد.

از حجت الاسلام مختاری بیش از بیست جلد کتاب در موضوعات فقه، تاریخ، شرح حال، اخلاق و نقد کتاب به چاپ رسیده است و هم اکنون مدرس حوزه و مدیر مؤسسه کتاب شناسی شیعه، عضو شورای عالی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، عضو هیأت تحریریه مجله های فقه اهل بیت (ع)، میقات حج و آینه پژوهش است.

این مدرس حوزوی به ۴ کنگره علمی خارج از کشور و ۵ کنگره علمی داخل کشور، مقاله ارائه کرده و تا کنون ۳ عنوان از کتاب های وی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شناخته شده و از رؤسای جمهور وقت و مرحوم دکتر محمود حسابی، لوح تقدیر و جایزه دریافت کرده است. معروف ترین کتاب وی سیمای فرزندانگان است که از سال ۱۳۶۶ تا کنون ۱۷ بار و خلاصه اش تاکنون ۵ بار منتشر شده است.

دو مجموعه کتاب ارزشمند از شما و همکارانتان در بازار نشر و کتاب دیدیم که ماه مبارک رمضان را بهانه خوبی برای معرفی آثار شما یافتیم به ویژه مجموعه ای که در باب رویت هلال منتشر شده است. در آغاز به به پیشینه و انگیزه تدوین این آثار بپردازید:

در سال ۱۳۶۹ مقاله ای با عنوان ضرورت احیای میراث فقهی در مجله آینه پژوهش شماره

سوم مهر و آبان ۱۳۶۹ نوشته منی بر این که پژوهش ها، آثار و تک نگاری های فقهی درباره بسیاری از مسائل فقهی مبتلابه جامعه در دسترس نیست، تصحیح نشده و در کتابخانه های مختلف ایران و خارج از ایران نیز به طور پراکنده وجود دارد، از این رو محققان برای مطالعه این آثار با مشکل روبرو هستند.

بنابراین، چهل موضوع مهم فقهی را که محل ابتلای جامعه و حوزه ها بود مانند مسأله غنا و موسیقی، رویت هلال، ولایت فقیه، تقلید اعلم، تقلید میت، ولایت پدر و جد، ارث زوجه و مانند آن انتخاب کردم که در مقاله منتشر شده در مجله آینه پژوهش شماره سوم به چاپ رسید و پیشنهاد کردم به این موضوعات مبتلابه بیشتر پرداخته شود. همان طور که می دانیم فقه از ابتدای زمان غیبت کبری تاکنون درباره موضوعات مبتلابه فعالیت های گسترده ای انجام داده اند که متأسفانه اکنون در دسترس اشخاص نیست.

اگر فردی بخواهد درباره غنا و موسیقی و یا رویت هلال فعالیت علمی انجام دهد، در نخستین قدم باید بررسی کند که تاکنون چه کارهایی انجام شده تا پژوهشی که انجام می دهد متکی به پژوهش های قبلی باشد. یعنی بدون اطلاع از کارهای قبلی، پژوهش وی ناقص است و یا منجر به ارائه نظری شود که بعدها در این نظریه به تفصیل در صد سال گذشته مشخص شود. با ندانستن پژوهش های قبلی آثاری که پدید می آید سست و ضعیف خواهد بود چرا که وقتی ندانیم پژوهش های قبلی چیست، پژوهش جدید ابتر می شود.

متأسفانه پژوهش های پیشین به قدری متشتت و پراکنده بود که برای یک پژوهش گر این امکان وجود نداشت که درباره مسائلی مانند غنا و موسیقی و یا رویت هلال بتواند تحقیق کرده و در کتابخانه های ایران و کشورهای دیگر به دنبال آثار ارائه شده در این زمینه ها بپردازد، از این رو که شناختن نسخه ها، تهیه کردن و حتی تصحیح آن ها کار بسیار مشکلی است. از طرفی نمی توان توقع داشت پژوهشگر و فقیه به دنبال جمع آوری و شناخت این آثار باشد، از این رو پیشنهاد شد حوزه ها به ضرورت احیای میراث فقهی بها دهند.

آیا این پیشنهاد با استقبال مواجه شد؟

پس از گذشت دو سال، نهادهای متولی این کار نشد و با توجه به این که در زمانی قرار داشتیم که بحث غنا و موسیقی از بقیه مباحث مهم تر بود، در سال ۷۳ به بررسی این موضوع با همکاری و

پیشنهاد آیت الله آملی لاریجانی، رییس قوه قضائیه در مرکز تحقیقات مدرسه ولی عصر (عج) با هدف استفاده از کتاب ها و کتابخانه ها، شناسایی سرگذشت نامه ها، تک نگاری ها و رساله های مستفلی که از قدیم تا زمان کنونی درباره این موضوع نوشته شده، پرداختیم.

کار شما به آثار منتشر شده محدود بود یا نسخ خطی را هم در دستور کار داشتید؟

کار بدین صورت بود که پس از شناسایی نسخه های موجود در کتابخانه ها، آن را به ترتیب تاریخ وفات مؤلفان مرتب کرده و در سال ۷۳ تا ۷۷ مسأله غنا و موسیقی به عنوان میراث فقهی ۱ منتشر شد. در سال ۷۶ و ۷۷ نیز سه جلد از آن به چاپ رسید و حاصل آن رساله هایی از فقهای شیعه درباره غنا و موسیقی بود که از ابتدا تاکنون نوشته شده بودند. در این میان رساله ها و تک نگاری های که به چاپ نرسیده بود، کتاب شناسی و معرفی شد.

غیر از تعداد رساله هایی که در کتاب های دوره ای فقه به سبب چاپ نشدن در دسترس نیست، از مجموعه آثاری که چاپ نشده و در کتابخانه ها محبوس است و کسی هم بر روی آنها تحقیق نکرده، بخش غنا را انتخاب کرده و در مجموعه میراث فقهی ۱ آوردیم. در مجموع ۴۵ رساله در خصوص غنا و موسیقی شناسایی شد که از این تعداد ۳۰ رساله موجود بود. آن تعداد رساله ای که صیغه فقهی دارد، در مجموعه آورده شده و بحث های فنی و علمی هم کتاب شناسی شده اند.

در این کار شما تنها به جمع آوری اکتفا کردید یا مستند سازی هم صورت گرفت؟

پس از جمع آوری رساله ها مشاهده شد که روایات و احادیث مسأله بسیار متشتت و پراکنده است و اگر کسی بخواهد در این خصوص فعالیت تحقیقی داشته باشد، باید به روایات مراجعه کند، از این رو فصلی را به روایت مسأله اختصاص دادیم، یعنی روایات و احادیث غنای موسیقی را دسته بندی کرده، سند، متن و سخن فقها و محدثان درباره متن و سند را جمع آوری و آن را منتشر کردیم.

پس مستند سازی، جداگانه مورد توجه بوده؟

بله! از سال ۷۶ تا دو سال گذشته هم به این کار مشغول بودیم که براساس آن توانستیم یک جلد دیگر از اثر را آماده کرده و مجموعه غنا و موسیقی را در چهار جلد قطور نزدیک به چهار هزار صفحه به چاپ برسانیم.

در کار روایی یا کلا مباحث فقهی به منابع شیعی بسنده شد یا کار مقارن هم صورت گرفت؟

برای این که فقه و احادیث شیعه به درستی شناسایی شود باید به فقه اهل سنت نگاهی داشت، چرا که بدون فقه اهل سنت، احادیث به درستی فهمیده نمی شود. از این رو در مجموعه چهار جلدی غنا و موسیقی یک فصل و بخشی از آن را به فقه اهل سنت اختصاص دادیم که نظر اهل سنت را درباره مسأله غنا و موسیقی به تفصیل بیان کرده و از هر رساله ای یک یا دو نظریه در مجموعه آورده شد. این بخش نمونه اول میراث فقهی و کمک فراوانی برای فهم احادیث و فقه است.

پس از انتشار این اثر، باز خوردی هم داشتید که ببینید حوزه از آن چه استقبالی کرده است؟

بله. سال گذشته که درس خارج مقام معظم رهبری به غنا و موسیقی رسید، در دروسشان از این کار خیلی تعریف کردند و با این که محور درس ایشان مکاسب شیخ انصاری بود، از روز اول درس

شروع به بررسی احادیث غنا با همان ترتیبی که در مجموعه غنا و موسیقی ذکر شده بود، بررسی فرموده و احادیث را نیز یکی یکی سنداً و متناً براساس این کتاب بررسی کردند.

مقام معظم رهبری چندین بار از اثر غنا در دروسشان اسم بردند و نسبت به این کار تشویق کردند و در جای دیگر، یکی از فقها گفت این کار پنجاه درصد کار فقیه را آسان کرده و پنجاه درصد بار استنباط را از دوش فقیه برداشته است و فضلاء و حوزویانی که می خواهند پایان نامه بنویسند و تحقیق کنند، محتاج به صرف وقت برای پیدا کردن منبع نیستند.

در اثر دوم شما با عنوان رویت هلال، شماره ۲ درج شده. آیا کارهای پژوهشی شما قرار است مسلسل وار منتشر شود؟

بحث رویت هلال به سبب اهمیتی که داشت، پس از غنا و موسیقی مورد بررسی قرار گرفت و دومین عنوان اثر مجموعه میراث فقهی دورا در پنج جلد و بیش از چهار هزار صفحه به خود اختصاص داد. کار بر روی این موضوع از ابتدا با شناسایی رساله ها، نزدیک به ده سال به طول انجامید.

البته به دلیل این که این کار تجربه دوم بود، بحث رویت هلال مقداری منظم تر، دقیق تر و بهتر از کار غنا پیگیری شد و اکنون در مقدمه های رویت هلال هم تجربه های به دست آمده برای انعکاس در کارهای بعدی منعکس شده است.

این نکته قابل ذکر است که با بررسی بحث رویت هلال، تنها دو موضوع از چهل موضوعی که در مقاله پیش گفته شده، مورد بررسی قرار گرفته و

هنوز بررسی سی و هشت موضوع مبتلابه دیگر باقی مانده است، از این رو پیشنهاد کردیم تا همکاران در دفتر تبلیغات اسلامی که بررسی مسأله ارث زوجه را دنبال می کنند، این مسأله مانند بحث رویت هلال کار شود.

درباره شیوه گردآوری مباحث رویت هلال و تدوین مجموعه میراث فقهی دو بیشتر توضیح دهید:

مجموعه مباحث رویت هلال به هفت بخش تقسیم شد و بهتر و منظم تر از بحث غنا پیش رفت. بخش اول به آیات رویت هلال پرداخته است. آیاتی که در قرآن مجید به نوعی با رویت هلال ارتباط دارد، انتخاب و تفاسیر شیعه و سنی و نظریات مفسران شیعه و سنی به ترتیب تاریخ وفات مفسران در این بخش آورده شد. بخش اول در جلد اول با عنوان تفسیر آیات مربوط به رویت هلال از تفاسیر شیعه و سنی است که در ۱۲۵ صفحه به چاپ رسیده است.

بخش دوم مربوط به رساله های رویت هلال است که هدف از تدوین این بخش، جمع آوری تک نگاری های فقهی تنها راجع به یک بحث از مباحث رویت هلال و یا شامل همه فروع آن است زیرا در بخش رویت هلال فروع زیادی وجود دارد. تمام رساله های مستقل درباره رویت هلال به ترتیب تاریخی از شیخ مفید، سید مرتضی تا زمان کنونی شناسایی و در مجموع سی رساله قابل نشر جمع آوری و در مجموعه رویت هلال به چاپ رسید. برخی رساله ها هم که نوشته شده بود و حرف مهم و تازه ای نداشت، کتابشناسی شد و آن هایی هم که حرف مهم و قابل توجهی داشت، تصحیح و در کتاب آورده شده است. بخش دوم ادامه جلد اول است و تمام جلد دوم را در برمی گیرد.

بخش سوم این اثر که جلد سوم و چهارم این مجموعه را به خود اختصاص داده است، شامل مجموعه آرای فقیهان در رویت هلال است.

ادامه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

حتی کسی که رساله مستقلی نوشته، اما راجع به رویت هلال اظهارنظری کرده است، ضمن جواب استفتا به مناسبت هر فقیه، هرچا نسبت به رویت هلال اظهارنظر کرده، ولو این که رساله مستقلی نداشته باشد، بخش مربوط به رویت هلال آن انتخاب شده و به ترتیب تاریخی در این کتاب فقهی آورده شده است.

رویت هلال یک سری مسائل ریاضی، فلکی و نجومی هم دارد که تا کسی به آنها آشنا نباشد، نمی‌تواند به درستی مسأله را تشخیص دهد. از این رو در بخش چهارم کتاب که عنوان آن مباحث هیوی یا فلکی است، چهارده مقاله و مبحث مفید از ابوریحان بیرونی، علامه شعرانی، آیت الله حسن زاده آملی و دیگر ریاضی دانان ایرانی و غیرایرانی، شیعه و غیرشیعه تا زمان کنونی انتخاب و آورده شده است. بنابراین اگر کسی بخواهد در رویت هلال مطالعه کند بدون آشنایی با این مسائل نظرش صائب نیست.

در بخش پنجم کتاب، رویت هلال در مذاهب دیگر که مقصود اهل سنت است، مورد بررسی قرار گرفته و نیز نظر خاص فاطمیون مصر در مسأله رویت هلال و بحث جدول و عدد مبنی بر این که هلال ماه رمضان همواره سی روز است در این بخش مطرح و نقد نظر آنها آورده شده است. همچنین نظر اهل سنت از معاصرین و قدما همچون شافعی و دیگران درباره این موضوع نیز در این مجموعه وجود دارد.

در بخش ششم کتاب، تمام آثاری که درباره رویت هلال نوشته شده چه متن آن موجود باشد و چه موجود نباشد، معرفی شده است. هفتاد رساله مستقل از شیعه شناسایی شده و از این تعداد، سی رساله پیدا و تصحیح شده است.

بخش احادیث رویت هلال، آخرین و مهم ترین بخش است. در جلد پنجم بیش از دویست صفحه احادیث شیعه و سنی درباره رویت هلال دسته بندی، تفتیح و مباحث سندی و متنی آن

در جلد پنجم به چاپ رسیده است.

آیا تحقیق رساله‌ها و متون این اثر تحت اشراف اهل فن و خبره بوده است؟

برخی از رساله‌ها پیش از چاپ خدمت حضرت آیت الله شبیری زنجانی ارائه شده و به دست ایشان تصحیح شده است. همچنین برخی از مسائل ریاضی که بسیار سخت بود با مشورت حضرت آیت الله حسن زاده آملی و پس از تصحیح ایشان و برطرف کردن ابهام‌ها به چاپ رسیده است.

مباحث مربوط به رویت هلال که در این مجموعه مطرح شده، شامل چه محورهایی است؟
مباحث مربوط به رویت هلال مختلف است و نظریه عدد، نظریه رویت، نظریه حکم حاکم شرع درباره رویت هلال، نظریه رویت هلال پیش از غروب آفتاب و پس از آن، نظریه اشتراط اتحاد آفاق یا عدم اشتراط، رویت هلال با ابزاری مانند تلسکوپ و دوربین و اعتبار محاسبات اهل نجوم و اهل فن را شامل می‌شود که در هر دوره ای یک محور محل بحث بوده و رساله‌های مختلف راجع به آن نوشته شده است.

آیا با مطالعه این کتاب، انسان به سیر تاریخی موضوعات هم واقف می‌شود یا مباحث را بدون در نظر گرفتن تاریخ آن درج کرده‌اید؟

کار دیگری هم که هنوز فرصت نکرده‌ایم و آیت الله هاشمی شاهرودی به انجام آن توصیه کرده‌اند همین موضوع است یعنی بحث تاریخ علم در مسأله رویت هلال. بحثی تخصصی مبنی بر این که فلان فرع فقهی از چه زمانی وارد فقه شد، این را در غنا به شکل ناقص انجام داده‌ایم. مثلاً غنا در عزاداری از چه زمانی وارد فقه شد، آنجا آورده‌ایم که نخستین بار محقق کرکی در عصر صفوی این مسأله را مطرح کرده است و قبلاً این بحث نبوده است یا برخی از مباحث رویت هلال چه وقت وارد فقه شد، از نظر تاریخی تا زمان کنونی چه اظهارنظرهایی راجع به آن شده است.

گفتگو - نظرها و اندیشه‌ها

غیر از فهرست موضوعی و نمایه موضوعی، بحث تاریخ علمی را هم می‌توان از دل این موضوعات درآورد.

برخی از رساله‌ها قطعاً به زبان عربی است. زبان این کتاب عربی است یا فارسی و یا ترجمه شده؟

ساختار کتاب فارسی است. تمام بخش‌ها یک مقدمه توضیحی دارد و هدف از آن بخش روشن شده است. بر تمام رساله‌ها مقدمه‌ای نوشته شده که نسخه آن از کجا تهیه شده؛ مؤلف چه کسی است و موضوع آن چیست. البته به متن‌هایی که از جای دیگر آورده شده، دست نزنیم، یعنی متن کلام فقها کماکان باقی مانده تنها بخش احادیث که عربی است، توضیحاتی که درباره احادیث داده‌ایم به عربی تألیف شده است. بخش احادیث و بخش تفسیر آیات کاملاً عربی است. مگر این که زبان تفسیری فارسی باشد که تغییر نکرده است. به جز احادیث که عربی تألیف شده، نثر بقیه بخش‌ها به هر زبانی بوده، آمده است.

این کتاب، صرفاً جمع‌آوری است یا اعمال نظری هم در آن شده است؟

بخش رساله‌ها و کلمات دیگران که نقل می‌شود، تصحیح شده است. تصحیح یعنی عباراتی که به نوشته مؤلف نزدیک تر است، آورده شده، اما اگر در پاورقی حرفی به فقیهی نسبت داده که آن فقیه این طور نگفته ما یادآوری کرده‌ایم و آورده‌ایم که این نسبت اشتباه است. اگر حدیثی را به طوری نقل کرده که اشتباه است، به اشتباه آن اشاره شده است. صرف نقل نیست اظهار نظر در حد تصحیح است. منتهی نه به این معنا که یک رساله می‌آوریم در دفاع یا نقد آیت الله خوبی آنجا بگوییم این استدلال درست است یا خیر. در این وادی وارد نشده‌ایم. آنچه مربوط به تصحیح متن می‌شود آورده‌ایم. در مقدمه بخش‌ها و مقدمه همه جلدها اظهار نظر هم کرده‌ایم. سیر مسأله را تا حد زیادی گفته‌ایم. این که مسائلی

در این جلد مطرح شده و یا فقهایی که این نظر را دارند چه کسانی هستند، حرف یا نظر اکثر در این مسأله چیست در مقدمه جلدها و مقدمه بخش‌ها شده است.

آیا بحث رویت هلال همواره در ماه‌های شعبان و رمضان مطرح بوده یا سابقه رساله‌ها در موضوعات دیگر هم ورود دارد؟

مسأله حج و رویت هلال به تفصیل در مقدمه جلد اول آمده است. یعنی به رویت هلال ذی حجه که در طول تاریخ مورد بحث بوده و حوادثی که اتفاق افتاده و اختلاف بین شیعه و سنی و عمل مسلمانان در این خصوص مفصل در مقدمه اشاره شده است. اکنون نظر حضرت امام (ره) و بقیه فقها این است که در خصوص حج و ذی حجه نه ماه‌های دیگر، بر حاجبانی که آنجا هستند، اعلام اهل سنت حجت و معتبر است ولو این که یقینی به خلاف داشته باشند.

گفتید بررسی چهل موضوع یاد شده ضرورت احیای میراث فقهی نیازمند یک گروه تحقیقاتی منسجم و گسترده است، آیا در این خصوص کاری انجام شده است؟

دو مسأله مبتلابه غنا و موسیقی و همین طور رویت هلال را مورد بررسی قرار دادیم تا هر کسی خواست به همین روش، این کار را ادامه و از تجربیات به دست آمده به بهترین شکل استفاده کند. در جلد پنجم و مقدمه آن هم توضیح داده‌ایم که هرکسی بخواهد به بررسی این موضوع‌ها پردازد، از چه روشی استفاده کند. اما به سبب تمرکز فعالیت‌ها در مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، موضوع دیگری بررسی نشد. البته فیش‌های مسأله ربا و ارث زوجه آماده شده است که به واحد احیای میراث دفتر تبلیغات پیشنهاد کرده‌ایم که این کار را انجام دهند، که متأسفانه به سبب کمی منابع انسانی این کار انجام نشد. تنها پیشنهاد می‌شود مراکز ماندگار مرکز احیای آثار اسلامی دفتر تبلیغات گروه‌های متعددی را برای موضوع‌های مختلف تعیین کنند.

تور تبلیغ و شکارچی تبشیر

اسماعیل شفیعی سروسناتی



شد که طی سی سال اخیر نه تنها تمامی حوزه فرهنگی و تمدنی غربی را به چالش کشیده، بلکه بروز انتظار جدیدی را در میان ساکنان آسیا و شرق اسلامی برای تجربه حکومت و مدیریت کلان مبتنی بر آموزه‌های دینی و نفی سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) باعث بوده است.

اجازه دهید دفتر آمار و اطلاعاتی را بگشایم که حسب همه آنچه گفته شد، طوفانی از فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری را در میان مسیحیان، مسلمانان و سایر فرق به راه انداخته است. برای نمونه فعالیت‌های تبلیغی دو گروه عمده و کلیسایی مسیحیت و در شرق اسلامی، وهابیون سلفی مورد شناسایی واقع شده‌اند.

از احیای ایوانجلیسم کلیساهای پروتستانی ایالات متحده شروع می‌کنم. شایان ذکر است که جمعیت حداکثری ساکن در ایالات متحده آمریکا و انگلستان پروتستانند و ملکه انگلستان خود رئیس کلیسای پروتستانی نیز هست.

فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری مبلغان ابتدا موجی از حملات را در دهه‌های اولیه از قرن بیستم علیه مراکز سقط جنین و همجنس‌بازان به راه انداخت. آنها حتی با تأسیس سازمانی به نام عملیات نجات با رهبری مردانی چون راندل تری، عملیات فراوانی را برای هدف قرار دادن

کلیسای پروتستانی ایالات متحده آمریکا و انگلستان که به ادعای خودشان سعی در ساختن جهان بر اساس نقشه خداوندی دارند، نه تنها تمامی پهنه آمریکای شمالی، آمریکای لاتین و بخش‌هایی از اروپا را در نورددیدند؛ بلکه با مدد جستن از رسانه‌های نو پدید مانند: تلویزیون، ماهواره و شبکه‌های اینترنتی از مرزهای غرب گذشتند و پای در آسیا و شبه قاره هند گذاشتند و در جست‌وجوی مخاطب و جذب آنها از هیچ اقدام فرهنگی و مادی دریغ نوزیدند. به جرئت می‌توان گفت که: کمیت و کیفیت فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری این عصر به هیچ روی قابل مقایسه با قرون ماضی نبوده است.

برای این اتفاق دلایل روانی، جامعه‌شناختی و حتی سیاسی بسیاری می‌توان ذکر کرد، اما ورود به شرایط تاریخی جدید و آشکار شدن زمینه‌های اقبال عمومی برای استماع گفت‌وگوهای مذهبی و معنوی، حرص و ولع ویژه‌ای را برای گسترده ساختن دامنه فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری مذهبی فراهم آورد.

ظهور نشانه‌های بحران بر دیوارهای فرهنگ و تمدن غربی، بن‌بست‌های حاصل از ایدئولوژی‌های دست‌ساز انسان بریده از آسمان و بالاخره نزدیک شدن هزاره سوم میلادی در بروز رویکردی عمومی به معنا و مذهب در جهان غرب بی‌تأثیر نبوده است. چنان که؛ واقعه شریف انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه عطفی را باعث

همه کسانی که طی سال جاری توفیق سفر به مکه و مدینه و انجام اعمال عبادی و زیارت قبر نبی اکرم (ص) و ائمه قبیح (ع) را یافتند، شاهد بودند که گرداگرد حرمین را مبلغان جوان (اعم از دختر و پسر) و مسلط به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و اردو گرفته بودند. آنها با شیوه‌هایی نو و منظم، به طور شبانه روزی، برنامه‌های دیکته شده را که بر محور انداز شیعیان و نشر آموزه‌های سلفی و وهابی استوار بود، به اجرا می‌گذاشتند. آیا هیچ به گستره فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری مبلغان مذهبی مسلمان و غیر مسلمان طی سال‌های اخیر اندیشیده‌اید؟

آیا آماری از کمیت و کیفیت این مبلغان در جهان حاضر در اختیار دارید؟

تردید نیست بی‌کسب اطلاعات از این گونه فعالیت‌ها نه می‌توان به گستره حرکت‌های رقیبان دست یافت و نه ارزیابی درستی از خود ارائه کرد.

از نیمه دوم قرن بیستم، بروز سلسله‌ای از وقایع و رخدادها، موج بزرگی از فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری را در غرب و جهان مسیحی به راه انداخت. کاتولیک‌ها و پروتستان‌های مسیحی از سویی و فرق مختلف مذهبی مسلمان از دیگر سو، پای در میدان گذاشته و در ابعادی بزرگ و با استفاده از جدیدترین وسایل، شروع به تبلیغ و تبشیر و جذب مخاطبان در سراسر جهان کردند. موج بنیادگرایی مبلغان ایوانجلیک وابسته به

پزشکان طراحی کردند.

نباید فراموش کرد که ایوانجلیک‌ها، موضوع ظهور مجدد حضرت مسیح (ع) و ضرورت آماده شدن برای ظهور ایشان را به عنوان یکی از محورهای اصلی تبلیغ و تبشیر فراگیر می‌شناسند. طبق نظرسنجی مؤسسه گالوپ، در دهه آخر قرن بیستم، ۷۰ میلیون نفر در ایالات متحده آمریکا بیننده شبکه‌های تلویزیونی یا همان کلیساهای دیداری مذهبی بودند.

راه‌اندازی قریب به ۱۷۰۰ شبکه و ایستگاه رادیویی و تلویزیونی، ۱۳۰۰ دفتر انتشاراتی، ۷۰۰۰ کتاب‌فروشی در سراسر آمریکا با فروش سالانه سه میلیارد دلار و بالاخره تأسیس ۲۰۰۰۰ مدرسه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و بالاخره راه‌اندازی ۲۵۷ کالج و دانشگاه، تنها بخشی از فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مبلغان ایوانجلیک در ایالات متحده آمریکا بوده است که هم‌زمان با هم درباره شرایط آخرالزمان، آمادگی برای ظهور و آخرین نبرد نیروهای خیر و شر در آرمگدون سخن می‌گفتند.

حسب برخی اطلاعات، فروش و هدیه سالانه انجیل در آمریکا ۴۲۵ تا ۶۵۰ میلیون دلار است. آمریکایی‌ها سالانه ۲۰ میلیون انجیل جدید

خربداری می‌کنند تا به چهار انجیلی که در خانه دارند، بیفزایند.

ایوانجلیک‌ها، در فضای بیرون از آمریکا، توجه خود را بر جایی متمرکز کرده‌اند که آن را پنجره ۴۰/۱۰ می‌خوانند و منظورشان نواری از جهان اسلام در آفریقا و آسیاست که بین خط‌های استوایی ۱۰ و ۴۰ قرار دارد.

برخی از ایوانجلیک‌ها قرآن‌های ساختگی چاپ کرده‌اند تا در فکر مسلمانان تردید ایجاد کنند. در حال حاضر، از انجیل ۹۰۰ ترجمه انگلیسی در دست است و جز آن، انجیل به ۲۴۲۶ زبان ترجمه شده است و ۹۵٪ جمعیت جهان رازیر پوشش خود می‌آورد.

به گزارش آکونومیست، اکنون پربرکت‌ترین تولیدکننده مسیونرهای مسیحی به نسبت هر نفر، یک میسیونر، کره جنوبی است. برزیل و کره جنوبی، بزرگ‌ترین تولیدکننده انجیل هستند.

یک شبکه به هم پیوسته، مرکب از ۴۰ مجموعه ملّی و محلی به نام جوامع انجیلی -eties bible soci برای این هدف مشترک که در دست هر مرد، زن و کودک روی سیاره زمین یک انجیل بگذارند، منبع فراهم می‌کنند.

این همه، تنها سهم ایوانجلیک‌های وابسته به کلیساهای پروتستانی ایالات متحده برای شکار مستضعفان غرب و شرق جهان بود. سهم کلیسای کاتولیک با محوریت واتیکان را جدا محاسبه می‌کنیم.

سخنگوی واتیکان، آقای جوسکین نغارد والز، در گزارش خود در سال ۱۹۹۵م. درباره فعالیت‌های تبلیغی در آفریقا می‌نویسد: به درستی که شأن آفریقا، شأن آمریکای جنوبی است و این قاره، در آینده محلّ تجمع و خزانه کاتولیک‌ها خواهد بود.

او با ذکر پاره‌ای از آمار و اطلاعات می‌نویسد: در سال ۱۹۰۱م، آغاز قرن بیستم، در کلّ آفریقا ۷۱ میلیون کاتولیک وجود داشت. یعنی یک درصد جمعیت آفریقا، اما، امروزه مادر هر سال دو میلیون کاتولیک به عدد قبلی اضافه می‌کنیم. در حال حاضر ۶۵ میلیون نفر یا به عبارتی ۱۶٪ از جمعیت کلّ آفریقا کاتولیک هستند و ما انتظار داریم که تعداد آنها تا پایان قرن حاضر به یکصد میلیون نفر برسد.

این گزارش قبل از ورود به هزاره سوم و قرن بیست و یکم ارائه شده است.

نباید فراموش کنید که جمعیت حداکثری آفریقای سیاه را، مسلمانان تشکیل می‌دادند. کلیسای کاتولیک ۳۲ میلیارد دلار در طرح‌های تبلیغی مسیحی هزینه کرده است. همچنین آنها، انجیل را به ۶۲۵ زبان و لهجه آفریقایی ترجمه کرده‌اند، آنها حتی برای بی‌سوادان نیز از طریق سیستم‌های صوتی، انجیل تدارک دیده‌اند.

در گزارش آکونومیست آمده بود که، افزایش جمعیت مسیحیان از طریق مسیحی کردن کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد. در سال ۱۹۰۰م. حدود ۸۰٪ مسیحیان در کشورهای اروپایی و آمریکایی زندگی می‌کردند، ولی در حال حاضر، ۶۰٪ مسیحیان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند.

سخنان پاپ قبلی، یعنی آقای ژان پل دوم، که به مناسبت سالگرد میلاد حضرت مسیح(ع) در زم و در سال ۱۹۹۳م. ایراد شد هر وجدان خسته‌ای را در جهان اسلام برمی‌انگیزد، او اعلام کرد: ای اسقف‌ها! بر دوش شما مسئولیت بزرگی قرار دارد و آن مسیحی کردن کلّ آفریقا در سال ۲۰۰۰ م. است.

مطابق گزارش سخنگوی واتیکان، تعداد ۲۳۴۰ ایستگاه رادیویی و تلویزیونی به طور شبانه‌روزی تعلیم انجیل را در مناطق مسلمان

نشین آفریقا، منتشر می‌کنند؛ اگر مطلع شوید که کلیسا در این نقطه از جهان بر فعالیت‌های ۱۱۰۰۰ مهد کودک اشراف کامل داشته و به جان کودکان سیاه، مسیحیت پایی را القا می‌نماید، می‌توانید حدیث مفصّلی از این مجمل بخوانید.

اینک اگر در ازدحام روزان و شبان خیابان‌ها کمی آهسته و با تأمل به اطراف خود بنگرید درمی‌یابید که بیش از یکصد رادیو به صورت بیست و چهار ساعته برنامه‌های مسیحیت را به زبان فارسی و حتی با لهجه‌های ایرانی همچون لری، اصفهانی و یزدی تبلیغ می‌نمایند. چنان که بیش از ۲۰۰۰ سایت اینترنتی همواره در کار شبهه افکنی اعتقادی میان جوانان ایرانی‌اند.

این همه که بر شمردم تنها بخش‌هایی از فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری مسیحیان عصر ما هستند. استراتژی کلیسا در هزاره سوم که اینک در آن دست و پا می‌زنیم، مسیحی کردن ساکنان آسیاست. آیا هیچ می‌دانید که دیگر قلیپین به عنوان کشوری که حداکثر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دادند، قابل شناسایی نیست؟

به این مجموعه، توزیع میلیون‌ها لوح فشرده به زبان فارسی و انجیل را که در میادین اصلی شهرها توزیع می‌شود، اضافه کنید و مجموعه‌ای از کتب مذهبی مسیحی را که شبانه در خانه‌ها ریخته می‌شود.

در میان خیابان‌های شهر ما، مسافربرهایی را می‌توان یافت که همچون یک کلیسای سیار به تبلیغ و تبشیر و دعوت مشغولند و در کمین بیماران، معتادان، زنان و گروه‌های اجتماعی ضعیف و درمانده می‌نشینند تا آنان را شکار و جذب نمایند.

این از سنت‌های ثابت و لایتغیر خداوندی است که هر فرد و گروهی میوه همت، تلاش و برنامه‌ریزی دقیق خود را خواهد چید.

از دیگر سو؛ واقعه انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به ناگهان جهان اسلام و ساکنان آسیا را به خود آورد. موج بیداری مستضعفان فراگیر شد و نوعی طلب و تشنگی ویژه را برای مقابله با استعمار، پس زدن مظاهر غرب‌زدگی و احیای سنت‌های اسلامی در میان معاملات و مناسبات فرهنگی و مادی باعث شد. شتاب این نهضت و قیام خون‌بار مردان این دیار به زودی ایران و ایرانیان را مبدل به اسوه مقاومت و اسلام‌خواهی ساخت، اما، ...

هیئات که احساس امنیت، میل به کسب قدرت و به موازات آن خنثی‌سازی دسیسه‌های بازمانده‌های طاغوت، ما را از مأموریت اصلی و جدی غافل ساخت. از همه آنچه برای حفاظت از حقوق مستضعفان، نشر معارف اسلامی، شکار فرصت‌ها و انجام امر تبلیغ در عهده گرفته بودیم، در همین فرصت‌ها، که جملگی حاصل مجاهدت‌های ساکنان این مرز و بوم بودند، با چراغ سبز غرب، سلفی‌ها و وهابییون وابسته به دستگاه قدرت مملکت عربی سعودی به بهره‌برداری مشغول شدند و با باز کردن چتر تبلیغی در میادین فراهم آمده و در میان مردمان تشنه اسلام و آزادی، بخش بزرگی از میوه‌های درخت انقلاب اسلامی را از دست ما، از دست شیعیان و از دست حجت‌حی‌ خداوند ربوده و مصادره به مطلوب کردند.

آنان، برای مقابله با ایران اسلامی و مبارزه با شیعیان از همه فرصت‌ها بهره جستند و در میان صفوف مسلمانان تفرقه افکندند.

بد نیست به سرفصل‌های فعالیت یک ساله آنها نگاهی بیندازیم تا بدانیم در کجای زمین سیر می‌کنیم:

■ اعزام ۲,۰۰۰ مبلغ در یک سال و انجام

۲۹۰,۰۰۰ فعالیت تبلیغی؛

■ انجام ۵,۲۰۰,۰۰۰ فعالیت تبلیغی در سال ۱۴۱۸ق. در عربستان؛

■ برگزاری ۱۴۱۸ جلسه سخنرانی در قطر، ۶,۰۰۰ برنامه تبلیغی در فجیره امارات، ۱۶۵,۲۹۶ مورد برنامه و فعالیت تبلیغی در پاکستان در سال ۱۴۱۷ق.؛

■ انجام ۱۳۲۹۰ فعالیت تبلیغی و از جمله برگزاری ۱۰,۸۰۰ درس علمی در مدارس، زندان‌ها و بیمارستان‌های بریتانیا؛

■ ساخت صدها مسجد در یوسنی، فلیپین، بلژیک، چین و از جمله سهیم شدن در ساخت ۱۳۵۹ مسجد در سایر نقاط جهان؛

بد نیست بدانید که تنها تعداد ۳۸۹۱ دانش‌آموخته، از دانشسرای علوم اسلامی و عربی آندونزی فارغ‌التحصیل شده‌اند.

اجازه می‌خواهم از ذکر سایر نمونه‌ها خودداری کنم. اطلاع از وجود قریب به ۴۰,۰۰۰ سایت ضد شیعه هر انسان هوشیار و دردمندی را به تأمل وامی‌دارد.

به گزارش شیعه نیوز، در پی اجرای طرح هجرت، قریب به ۴,۰۰۰ مبلغ وهابی که در مراکز آموزشی چچن آموزش دینی و چریکی دیده بودند، وارد ایران شدند. آنها برای بیست هزار پایگاه تبلیغاتی روستایی برنامه‌ریزی کرده‌اند.

جز اینها، به گزارش آتی نیوز، در حال حاضر سه میلیون طلبه آموزش دیده در پاکستان، حضور دارند.

وهابیون در سال ۱۳۸۳، یازده هزار مدرسه در افغانستان تأسیس کرده و به آموزش کودکان و نوجوانان مشغول شده‌اند.

تنوع و تکثر شبکه‌های تلویزیونی و سایت‌های اینترنتی که رقم آنها به بیش از چهل هزار می‌رسد، پرده از گستره کمی و کیفی فعالیت‌های تبلیغی سلفی‌ها برمی‌دارد.

وجود هزاران نسخه کتاب شبهه افکن و ضد شیعی این شبکه‌های اینترنتی بلافاصله ما را به همان جوانان دختر و پسر پیوند می‌دهد که به زبان‌های فارسی، انگلیسی و اردو پیرامون حرمین شریفین در تردد و در حال تبلیغ و اندازند.

شبکه ماهواره‌ای mbc، برای مخاطبان ایرانی و ضدیت با شیعه و تبلیغ مفاهیم طالبانی به طور مرتب فیلم پخش می‌کند. این شبکه را سرمایه‌داری سعودی و وابسته به خاندان سلطنتی سعودی تأسیس کرده است.

با ذکر این نکته که نمی‌توان خدمات صادقانه بسیاری از مردان، زنان، نهادهای انقلابی و سازمان‌های فرهنگی جمهوری اسلامی را نادید گرفت و به امید آنکه با افزایش کمیّت و کیفیت فعالیت‌ها توفیقات روزافزون بیابند؛ سخن خود را با طرح چند سؤال پایان می‌دهم و سازمان‌های فرهنگی رسمی، حوزه‌های علمیه قم، مشهد، شیراز و سایر بلاد را مخاطب خود می‌سازم و همگان را به تأمل درباره این سؤالات فرا می‌خوانم.

۱- فعالیت‌های تبلیغی و آموزش‌های مذهبی ما بر ارکان کدام استراتژی استوار است؟

۲- به شرط وجود استراتژی، چه تعریفی از جغرافیای فرهنگی، ارضی، تحصیلی، مخاطبان محلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ارائه کرده‌ایم؟

۳- چه ارزیابی مشخصی از تاکتیک‌ها و روش‌های تبلیغی تجربه شده به صورت رسمی در داخل و خارج کشور وجود دارد؟

۴- چه آمار از فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری ارائه شده به صورت رسمی و غیررسمی از سازمان‌ها و نهادهای حقوقی و شخصیت‌های حقیقی می‌توان ارائه کرد؟

۵- مبلغان مبتنی بر کدام دیدگاه و برداشت از

شرق و غرب و کدامین خاستگاه مخاطبان و مطالبات و نیازهای مردم آموزش دیده‌اند؟

۶- چه ارزیابی مشخصی از فعالیت‌های مبلغان اعزامی و کمیّت و کیفیت آنان صورت پذیرفته است؟

۷- خارج از نظام آموزش طولانی حوزوی که به تربیت مجتهدان عالی مقام می‌انجامد، چه تعدادی مرکز تربیت مبلغ برای رویارویی با شرایط عصر حاضر و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات جاری و روز تأسیس شده است؟

۸- چه نوع شناختی از میزان، کیفیت و پراکندگی شبهات مذهبی جاری در میان مردم داریم؟ چه تعداد از مبلغان ما قادر به پاسخ‌گویی به این شبهات هستند؟ در حالی که تنها در حوزه معارف مهدوی بیش از پنج هزار سؤال و شبهه را می‌توان دسته‌بندی کرد.

۹- رسانه‌های مدرن مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره و شبکه‌های اینترنتی موجود ما، چه گستره‌ای از ساکنان جهان اسلام را پوشش می‌دهند؟

۱۰- مبلغان جوان ما از چه میزان آشنایی با ادوات روز، ادبیات روز و اطلاعات روز برخوردارند و کدام نهاد وظیفه به روز نگه داشتن اطلاعات و اخبار آنان را عهده‌دار است؟

۱۱- آیا هیچ گاه به راه‌اندازی شبکه‌های فیلم ایرانی با زیرنویس عربی و ... به صورت گسترده اندیشیده‌ایم؟

۱۲. آیا هیچ به ظرفیت موجود در میان اشخاص حقیقی و حقوقی مردمی که قادر به تأسیس رادیو، تلویزیون، شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای در امر تبلیغ مذهبی هستند، اندیشیده‌ایم یا همچنان میل به حفظ انحصارات ویژه رسانه‌های بزرگ در دستان خود، ما را از این ظرفیت‌ها محروم نگه داشته است؟

تجربه نشان داده است که نهادهای مردمی در امر تبلیغ و تبشیر به مراتب موفق‌تر از سازمان‌های رسمی هستند. سازمان‌هایی که مبتلای بیماری مزمن کارمندزدگی هستند، مگر جز این است که امروزه موفق‌ترین نشریات مذهبی و قوی‌ترین محصولات مکتوب و غیر مکتوب دینی، توسط ناشران و مدیران غیردولتی اداره می‌شوند؟

بی‌شک، نباید از این نکته غفلت کرد که؛ آن هنگام که دشمنان شما در ابعاد جهانی علیه شما وارد نبرد می‌شوند، شما نمی‌توانید در ظرفیت شهری و محلی خود با آنها به مقابله بپردازید. اجازه دهید در همین حدّ بسنده کنم.

خداوند هیچ عهد و پیمانی برای یاری و مساعدت تبیلان، کاهلان، بی‌نظمان و بی‌خبران امضا نکرده است و دشمن نیز، برای سلطه، هیچ امکان و لحظه‌ای را از دست نمی‌دهد.

و بالاخره آنکه:

قبل از فوت شدن همه فرصت‌ها باید به راه افتاد. ضرورت دارد دیدگاه خود را وسعت بخشیم و از افراط و تفریط بپرهیزیم. بی‌شک هیچ چوپانی راضی به از دست دادن حتی یک بزغاله کوچک و واماندن از گله خود نیست .

چگونه است که گاه هفته‌ها و ماه‌های طولانی را صرف گفت‌وگو و حتی اعتراض و تحصن درباره موضوعی کوچک می‌سازیم، اما در وجهی دیگر در برابر حوادثی بزرگ و وقایعی در ابعاد جهانی که تمامیت دین و مذهب را به خطر می‌اندازد، لب فرو می‌بندیم و آن همه را ندیده می‌گیریم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

والسلام
منبع: موعود

معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

از همه ابزارهای خود برای استفاده از رمضان و فرهنگسازی وحدت مسلمانان استفاده می کنیم

انجام می دهد پس بنابراین وقتی ما اول دشواری و بزرگی چالش را ملاحظه می کنیم آن وقت در مقابل یک چنین چالش بزرگی فعالیت موفقیت آمیز مجمع می تواند سنجیده شود در واقع در مقابل یک چنین چالش بزرگی به نظر می آید مجمع موفق بوده است چون به هر حال توانسته است بخش عمده ای از فرهیختگان، نخبگان و دلسوزان



آیت الله تسخیری که در هفته وحدت به عنوان کتاب سال تقریب برگزیده شد. کتاب موسوعه العلاقات الاسلام والغرب و بدایة المجتهد (ویراسته جدید در ۷ جلد) از جدیدترین عناوینی است که ارائه شده. کتاب دو جلدی مسیره التقرب و کتاب القواعد العامة لفقه المقارن تالیف علامه محمد تقی حکیم کتاب ارزشمندی است با موضع اصول

فقه مقارن که مجمع بر آن تحقیق و تحشیه زده است و برای اولین بار در نمایشگاه به معرض نمایش قرار گرفته است. سرگذشت تقریب ترجمه کتاب قصه التقرب و کتاب دو جلدی المعجم الوسیط فی ما یخص الوحده و التقرب که شخصیتها و مسائل و عناوین پژوهشی مرتبط با وحدت و تقریب را معرفی می کند از دیگر کتابهایی هستند که در نمایشگاه عرضه شده است.

دهها سال است که مجمع فعالیتهای گوناگون تقریبی را در سطح جهان اسلام به اجرا درآورده است؛ برپایی نمایشگاههای مختلف در داخل و خارج کشور، انتشار و توزیع کتب تقریبی و وحدت گرا، برگزاری کنفرانسهای تقریبی در اقصی نقاط جهان و تبلیغ فرهنگ تقریب و دوری از تفرقه؛ به نظر شما این تلاشهای وحدت گرا موثر بوده است؟

ما باید این نکته را مدنظر داشته باشیم که بحث تفرقه انگیزی و برانگیختن اختلاف بین پیروان مذاهب اسلامی یکی از مسائلی است که دنیای استکبار بیشترین سرمایه گذاری را در این جهت

گسترش و تقویت این مبانی تلاش می کند. امسال نیز به مانند سالهای گذشته نمایشگاه بین المللی قرآن کریم همزمان با این ماه تقریب مذاهب اسلامی در نمایشگاه قرآن و عملکرد آن در نمایشگاه امسال بفرمایید؟

از جمله فعالتهای وحدت گرای مجمع تقریب، مشارکت قرآنی در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم است مجمع همه ساله در این نمایشگاه شرکت می کند و بخش عمده ای از کتابهایی که در مورد ابعاد مختلف اسلام در علوم و معارف قرآنی پژوهش شده عرضه کرده است بنابراین مشارکت در نمایشگاه قرآنی یکی از فرصتهای خوب برای معرفی این آثار و پژوهشها و ارتباط با شرکت کنندگان از کشورهای دیگر فراهم می شود و مجمع در دوره های قبل نیز به صورت فعال شرکت کرده است. امسال هم در بخش حوزوی غرفه داریم بنابراین در دو محل در این نمایشگاه حضور داریم ما کلیه تالیفات و مجلات خودمان را به زبانهای مختلف به نمایش گذاشته ایم و کلیه انتشارات مجمع ارائه شده است.

آیا کتابهای جدید منتشر شده از سوی مجمع در نمایشگاه امسال ارائه شده است؟ عناوین این کتب چیست؟

به دلیل اینکه مسئله تحقیق، پژوهش و انتشارات و تولیدات فرهنگی مان یک کار مستمر است لذا همیشه نوآوری داریم و همیشه تازه هایی را در زمینه نشر داریم. بنابراین تازه های نشر در نمایشگاه قرآن به نمایش درآمده است؛ از جمله کتابهایی که به صورت ویژه و برجسته در نمایشگاه عرضه شده است کتاب ارزشمند المختصر فی تفسیر القرآن الکریم به قلم

معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تاکید کرد: نخبگان باید از تمام ابزاری که در اختیار دارند در مسیر فرهنگ سازی امت اسلامی استفاده کنند و در این مورد دلها آماده شنیدن معارف اسلامی است و بهترین فرصت می تواند در اختیار این نخبگان قرار گیرد که در جهت تقویت روح همدلی، محبت، معنویت و الفت بین پیروان مذاهب اسلامی تلاش کنند.

به بهانه فرارسیدن ماه مبارک رمضان و شرکت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، خبرگزاری تقریب با حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر اوحدی معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی مصاحبه ای انجام داده که با هم میخوانیم:

مهمترین فعالیتهای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ماه مبارک رمضان چیست؟

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از تمامی ابزار و امکانات خود برای استفاده از فضای معنوی رمضان جهت وحدت مسلمین استفاده می کند. ما الان سایتهایمان در این جهت فعال است. بسیاری از مطالب قرار گرفته بر روی سایت مجمع و خبرگزاری تقریب اختصاص دارد به طرح این مسائل در واقع رسانه های ما به ویژه رسانه های دیجیتال، بخش عمده ای را به این فرهنگسازی و بهره برداری از این فرصت اختصاص داده است. بنابراین مجمع تقریب از همه فرصتها در این راستا استفاده می کند و مسئله ماه مبارک رمضان و معنویت این ماه را و آموزه های اسلامی را در این فرصت از جوانب متعدد مورد بررسی و بحث قرار می دهد و از فرصتهای مختلف جهت نشر و

رئیس مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

اتفاق نظر شیعه و سنی بر نص قرآن، حدیث و ضرورت تقویت اجماع

نصوصی است و بیشترین و عمده ترین اعتقادات مشترک، کلامی می باشد.

مبلغی گفت: مساله بعدی برداشت از پاره ای نصوص است گرچه برداشت های مشترک از نصوص زیاد است، ولی پاره ای از نصوص برداشت های خاصی از سوی شیعه و سنی وجود دارد.



حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در نشست گروهی از اساتید شیعه و سنی علوم دینی اظهار داشت: متأسفانه امروز در سطح جهان، جریان مرموز و خطرناکی به دنبال قداست زدایی از نصوص می باشد و ما باید مراقب این نقشه ها باشیم.

وی در ادامه با اشاره به ابعاد تاریخی اسلام گفت: در مورد مباحث تاریخی اگر باهم بحث کنیم که تاریخ را دوباره فعال کنیم و از نوع بازگردانیم و یا اینکه بخش هایی از تاریخ فعال شود محال است ولی تاریخ می تواند پشتوانه ای برای حال و آینده باشد.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی اظهار داشت: سومین مقوله بحث تاریخ است، ما به شرطی می توانیم در ارتباط با وضع کنونی توجیها و میناهای تاریخی را عرضه کنیم که به وضع فعلی جهان اسلام لطمه ای وارد نسازد، طرح مباحث تاریخی به گونه ای که اصل اسلام را به مخاطره بیندازد، نادرست است.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی تاکید کرد: مباحث تاریخی در یک فضای علمی و در یک سطح مساوی و صرفاً از باب گفت و گوی عالمانه مجاز است به شرط اینکه این اقدام ضرری به وضعیت جامعه ما نرساند، چون نقش تاریخ در ساختن وضع فعلی است، ولی اگر وضعیت را خراب کرد دیگر توجیه ندارد؛ بنابراین شیعه و سنی وقتی مباحث تاریخ خود را ذکر می کنند باید این چارچوب را رعایت نمایند.

وی در ادامه با اشاره به مباحث کلامی اظهار داشت: معنا ندارد که بحث های کلامی را مبنایی برای تخریب دیگری قرار دهیم، اگر مباحثی وجود دارد باید در فضاهای علمی و تحقیقی دنبال شود.

وی افزود: متأسفانه جریان دیگری نیز که به شدت منزوی است با ابعاد تخریبی بالا به نام جریان تکفیری از نصوص دینی استفاده های ناروا می کند. حجت الاسلام مبلغی تصریح کرد: آنها دوست دارند که نص را در جهت تولید کشتار انسان ها، تفرقه بین جهان اسلام و تکفیر اتباع مذاهب دیگر به کار گیرند و متأسفانه این دو جریان مرموز و خطرناک، کیان نص را تهدید می کنند.

این استاد حوزه و دانشگاه اینگونه سخنان خود را پی گرفت: جریان دیگری به صورت بدتر کیان نص را هدف گرفته و بهانه هایی را در اختیار غربی ها قرار داده تا ناجوانمردانه بگویند خاصیت نص اسلامی، تولید تروریسم است و نص اسلامی و مسلمانان را در موضع لعن قرار دهند.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی شیعه و سنی به مقابله با این جریانات خطرناک فرا خواند. حجت الاسلام مبلغی اظهار داشت: مباحث و برداشت های مختلف باید بدون مجادله، بلکه به صورت گفت و گوی منصفانه علمی دنبال شود. وی در ادامه تاکید کرد: شیعه و سنی بر نص یعنی قرآن و حدیث و همچنین ضرورت تقویت اجماع، اتفاق نظر دارند؛ و براین اساس باید از توانمندی و امکانات نص اسلامی در جهت رفع مشکلات به خوبی استفاده کنیم.

رئیس مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: اختلافات شیعه و سنی در سه مقوله اساسی جای می گیرد که پاره ای از اعتقادات کلامی، تاریخی و

رئیس دارالتقریب مصر خواستار شد:

طرح فقه جعفری در مباحث فقه مقارن

شیخ محمود عاشور رئیس دارالتقریب مصر گفت: باید طرح تدریس فقه مقارن بین مذاهب چهارگانه اهل سنت، فقه جعفری و زیدیه و ظاهره اجرا گردد.

وی در همایش تقریب در مجلس اعلاای اسلامی مصر افزود: مباحث مربوط به فقه مقارن نباید در مذاهب چهارگانه اهل سنت خلاصه شود.

رئیس دارالتقریب مصر از مسلمانان خواست با کنار گذاشتن اختلافات مذهبی، به امور مهمی چون آشنایی با راه های یاری رساندن به دین و اصلاح وضعیت مسلمانان پردازند.

وی با بیان اینکه دعوت به تقریب از جایگاه بالایی در اندیشه اسلامی برخوردار است ابراز داشت: دعوت به تقریب یک دعوت الهی است که خداوند، اساس آن را پی ریزی و خط مشی آن را ترسیم کرده و از دعوت کنندگان به تقریب و وحدت بین مسلمانان تجلیل نموده است.

شیخ عاشور با بیان اینکه قرآن کریم، مسلمانان و مومنان را برادر یکدیگر خطا می کند گفت: صلح و دوستی بین مسلمانان باید در سایه سار تقوای الهی باشد نه در تبعیت از هوای نفس و مقاصد انحرافی.

وی تاکید کرد: تقریب، یادآور مسلمانان به نقاط فراوان مشترکی است که وجود دارد و مطمئناً تمرکز بر روی نقاط اختلافی، نتیجه ای جز دوری و تعارض نخواهد داشت.

معاون اسبق الازهر مصر ادامه داد: لازم است که علمای مذاهب اسلامی با یکدیگر ملاقات کنند و به تبادل علوم و معارف پردازند.

وی گفت: نیازمند طرح مباحث در فضایی آرام، منطقی و منصفانه هستیم. خاطر نشان می شود معمولاً در مجامع علمی اهل سنت، هنگام طرح فقه مقارن تنها به آراء مذاهب چهارگانه اهل سنت اکتفا می شود و اکثر کتب اهل سنت درباره فقه مقارن نیز همینگونه است حال آنکه آراء فقهی اهل سنت به وفور در مباحث درس خارج حوزه های علمیه شیعه مطرح می شود و از جدیدترین کتب در این زمینه نیز می توان به اثر آیت الله مکارم شیرازی اشاره کرد که در آن نه تنها آراء فقهی تمام مذاهب اسلامی آمده که حتی در برخی موارد به آرای سایر ادیان نیز اشاره شده است. فقه مقارن به معنای مقایسه آرای فقهی با یکدیگر است.

آیت الله تسخیری:

باید از قرآن الگوی خبرنگاری را بیاموزیم



اگر در خواب هم باشیم در حال عبادتیم و نفسهایمان تسبیح است.

مشاور مقام معظم رهبری در امور فرهنگی در ادامه با اشاره به روز خبرنگار وظیفه خبرنگاران را خطیر برشمرد و تصریح کرد:

خبرنگاران و خبرنگارها از پیشتازان و طلایه دارانی هستند که خبر را در وهله اول دریافت می کنند و مسئولیت عظیمی بر دوش دارند که خبر را بصورت دقیق به جامعه برسانند و آگاهی دهند.

وی با بیان حدیث العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس تصریح کرد: کسی که زمانه و موقعیت را خوب بشناسد و به چالشهای دشمنان آشنا باشد مورد تهاجم شبهات و فتن و امثال آن قرار نمی گیرد؛ این فرد با شرایط آگاه است ولی آن کسی که دور از آگاهی

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تاکید کرد: باید از قرآن الگوی خبرنگاری را بیاموزیم و باید تبلیغاتمان دقیقاً و بیژگیهای قرآنی داشته باشد چون در قرآن تئوری کامل گفتگویی سالم، نظریه کامل خبرنگاری و تبلیغ و ویژگیهای یک مبلغ را داریم.

به گزارش خبرنگار تقریب (تنا): مراسم روز خبرنگار با حضور آیت الله تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دکتر محمدعلی آذرشب، مشاور بین الملل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، و جمعی از معاونان و مدیران و مسئولان مجمع جهانی تقریب، از جمله حجت الاسلام و المسلمین اوحیدی معاون فرهنگی، حجت الاسلام و المسلمین میرآقایی مشاور دبیرکل، هادی موافق سدهی، مدیر روابط عمومی، و همچنین با حضور مدیر عامل، اعضا و خبرنگاران خبرگزاری تقریب، در ساختمان مرکزی این خبرگزاری برگزار شد.

در این مراسم آیت الله تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، با تبریک ایام مبارک فرارو اظهار داشت: ماه رمضان ماه جهاد، صبر، دعا و فیوضات الهی است ماهی که

باشد دچار مشکل می شود. دبیرکل مجمع جهانی تقریب با تاکید بر بهره گیری از آموزه های قرآنی در تعالی خبر و خبر رسانی اظهار داشت: برای بدست آوردن شرایط یک خبرنگاری با معیار کامل قرآنی باید الگوهای قرآنی داشته باشیم؛ الگوهای خبرنگاری و رساندن خبر و برحذر داشتن قوم یا مجموعه ای مسئله تفقه، آگاهی و شناخت حقایق و یقین نسبت به آن و حرکت به سوی رساندن آن به دیگران می باشد.

وی افزود: این رسالتی است که بر دوش همه مسلمانان می باشد؛ هر مسلمانی خبرنگار است و مسلمانی که حقیقت را بدست آورد باید به مسلمان دیگر برساند.

آیت الله تسخیری با اشاره به آیه یا ایها الذین آمنوا ان جائکم فاسق نبأ فتنیوآبر اهمیت دقت در دریافت اخبار هشدار داد و گفت: الگوی دیگری که می توان از قرآن برداشت کرد این است که باید نسبت به خبرهایی که از سوی آدمهای منحرف و فاسق صادر می شود مراقب بود و باید خبر را از یک فرد عادل گرفت.

وی در پایان الگو قراردادن تعالیم قرآنی را ضروری توصیف کرد و

تصریح کرد: امیدواریم یک خبرنگار قرآنی باشیم. در ابتدای این مراسم نیز حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی تسخیری، مدیرعامل خبرگزاری تقریب اظهار داشت: ما امیدواریم این خبرنگاری در مسیر انتقال حقایق و وقایع موفق باشد.

وی با اشاره به آیه ولقد أرسلنا موسی بآیاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بآیام الله ان فی ذلک لآیات لکل صبارشکور

خاطر نشان ساخت: از فرمانهای خداوند به انبیای خویش نجات انسانها و هدایت آنها از ظلمات به سوی نور است و این وظیفه ای است که به عهده همه

بشريت قرار داده شده است اگر چه مصلحان و نخبگان مسئولیت اول را بر عهده دارند.

مشاور مطبوعاتی دبیرکل مجمع جهانی تقریب با اشاره به روز خبرنگار تصریح کرد: تعیین یک روز به نام خبرنگار به این دلیل است که وی به

وظیفه خود آگاه شود. وی افزود: امامان توصیه می کنند که از روایان احادیث ما پیروی کنید. ناقلان حدیث در زمینه های گوناگون هستند؛ ما هم به گونه ای، حرکت اولیا و انبیاء را در این خبرگزاری پیگیری می کنیم.

حجت الاسلام و المسلمین تسخیری در ادامه گزارشی از فعالیتهای داخلی و خارجی، ویژگیها و تاریخچه ای از خبرگزاری تقریب ارائه داد و ضمن ابراز خرسندی از فعالیت روبه رشد دو بخش فارسی و عربی خبرگزاری تقریب، به پخش آزمایشی بخش انگلیسی این خبرگزاری اشاره کرد و گفت به زودی فعالیت این بخش بصورت رسمی آغاز خواهد شد.



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی تسخیری

دکتر تسخیری با تاکید بر اینکه خبرگزاری تقریب می کوشد مسایل و تحولات را با نگاهی تحلیلی ارائه دهد، این امر را از ویژگیهای خبرگزاری تقریب عنوان کرد که لازم است در آینده تقویت شود.

وحدت مورد تاکید خداوند وحدت با محوریت دین است

حجت الاسلام والمسلمین سید علی حسینی امام جمعه شهرستان خمین در مصاحبه با خبرنگار تقریب، با تاکید بر اینکه خداوند ما را به وحدت فراخوانده و از تفرقه برحذر داشته، اظهار داشت: وحدتی که خداوند متعال همه مسلمانان را به رعایت آن مکلف کرده وحدت با محوریت دین است. مشروح این مصاحبه بدین شرح است:

به نظر شما پیگیری موضوع وحدت امری ضروری است یا خیر؟

اوامر شارع مقدس دارای مصالح و نواهی او دارای مفاسد است. خدای متعال ما را به وحدت فراخوانده و از تفرقه برحذر داشته. بطور یقین وحدت دارای مصلحت و تفرقه دارای مفسده است. ولی باید توجه داشت که هر اتحادی مفید و پسندیده نیست و هر اختلافی مضر و ناپسند نیست. اتحاد با کافران، منافقان و متجاوزان ستم پیشه، به هر نحوی مضر و به معنای تن دادن به خواسته های آنان است، که عین خواری و ذلت و سلطه پذیری است و ما مجاز نیستیم که ذلت پذیر و سلطه پذیر باشیم. و کن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً و هر اختلافی مضر و ناپسند نیست و ما نه تنها مأمور به اختلاف با دشمنان هستیم بلکه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان مکلف به مبارزه با آن ها هستند.

شما تاکید کردید که وحدت امری است که مورد تاکید خداوند متعال در قرآن، و رعایت آن نیز ضروری است. این تاکید اصولاً بر مبنای کدام فوایدی برای مسلمین است؟ وحدتی که خداوند متعال همه مسلمانان را به رعایت آن مکلف کرده است وحدت با محوریت دین است که می فرماید: و اعتصموا بجلل الله جمیعاً و لا تفرقوا. این وحدت است که از درگیری های مضر ممانعت نموده، باعث پیشرفت مسلمانان شده و به جامعه اسلامی قدرت، عزت و عظمت می بخشد و هیچ کس جز دشمنان اسلام و یا برخی از مسلمانان فریب خورده و نادان با این وحدت به مخالفت بر نمی خیزد.

به نظر حضرت تعالی چگونه می توان از پیامدهای شوم تفرقه مصون ماند و وظیفه مسلمانان در قبال این موضوع چیست؟

از دشمنان که انتظار نیست ولی از بعضی از مسلمانان اختلاف انگیز توقع داریم که عاقلانه ببندیشند و آب به آسیاب دشمن نریزند. قرآن کریم طرفداران تفرقه را نادان معرفی کرده و می فرماید: تحسبهم جمیعاً و قلوبهم شتی ذلت بأنهم لا یعقلون. چگونه فرد مسلمان به خود اجازه می دهد در میان مسلمانان تفرقه ایجاد کند. تفرقه ای که نتیجه اش ضعف و نابودی برای مسلمانان است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: لا تختلفوا فان من کان قبلكم اختلفوا فهلکوا. xx

به نظر حضرت تعالی نقش علما و بزرگان مذاهب در پیگیری امر وحدت چگونه باید باشد؟ از علمای مذاهب اسلامی انتظار داریم که منادی وحدت باشند و با تفرقه افکنان از هر مذهبی برخورد جدی و بازدارنده داشته باشند و به آن ها اجازه نشر مطالبی که آتش اختلاف را شعله ور می کند ندهند و به قول امیر مؤمنان (علیه السلام) لو سکت الجاهل ما اختلف الناس. به امید روزی که مسلمانان با اتحاد و همدلی قدرتی جهانی به وجود بیاورند و مسلمانان مظلوم فلسطین، افغانستان، عراق و لبنان را از چنگ متجاوزان خوناشام نجات بخشند. آمین یا رب العالمین.

حجت الاسلام و المسلمین اعرافی:

انسجام، وحدت اسلامی و همزیستی مذهبی از مهمترین

دست آوردهای انقلاب اسلامی است

های عرفانی دانسته و خاطر نشان کرد: حوزه های علمیه شیعی در مقابل هدایت کلیه انسان های روی زمین مسؤول است و باید در این زمینه اقدام لازم انجام دهد. به زعم حجت الاسلام و المسلمین اعرافی سومین میدان رقابت، رقابت فکری بین ادیان ابراهیمی می باشد. وی در این باره گفت: با توجه به اینکه یهود داعیه جهانی ندارد، عمده ترین رقیب ما در این میدان مسیحیت است.

وی عللی چون جمعیت بالای دو میلیارد، در اختیار داشتن هزاران رسانه صوتی و تصویری، در اختیار داشتن امکانات هنری متعدد، در اختیار داشتن هزاران مجله، حضور در همه کشور های جهان و ترجمه انجیل به بیش از هزار زبان و لهجه را از نقاط قوت این جریان در همآوردی با جهان اسلام توصیف کرده و تاکید کرد: جهان اسلام با توجه به داشتن ذخایر غنی انرژی و ظرفیت های بالا متأسفانه از انسجام خوبی در مقابل این حریف برخوردار نیست.

رییس جامعه المصطفی العالمیه رقابت بین مکتب اهل بیت (ع) و سایر فرق اسلامی را چهارمین عرصه رقابت فکری و فرهنگی دانسته و اظهار داشت: انسجام، وحدت اسلامی و همزیستی مذهبی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است و در این عرصه اهتمام خود را با دفاع از مردم فلسطین به خوبی نشان داده است به گونه ای که حتی بیشتر از هم مذهبی های مردم فلسطین به قابل به صهیونیسم برخاسته است.

وی رقابت فکری و فرهنگی را امری طبیعی برشمرده و خاطر نشان کرد: اکثر اهل سنت با مکتب تشیع رابطه خوبی داشته و دارند و از همزیستی خوبی برخوردارند ولی متأسفانه در سالهای اخیر با شکل گیری برخی حرکت های تندرو، چالش هایی بوجود آمده است.

حجت الاسلام و المسلمین علی رضا اعرافی، رییس جامعه المصطفی العالمیه، اظهار داشت: طلاب ما در وضعیت کنون حتی اگر در یک روستای کوچک هم مشغول به تبلیغ می شوند باید نگاهی کلان و جهانی به مساله تبلیغ داشته باشند.

وی سرنوشت انقلاب اسلامی و جهان اسلام را گره خورده با سرنوشت نظام معرفتی جهانی توصیف کرده و تصریح کرد: در این جهان، رقابت فکری و فرهنگی بسیاری در قالب ۴ میدان و جریان های متعدد مشغول به فعالیت و تبلیغ به نفع خود و علیه مکتب اهل بیت (ع) هستند.

اعرافیی نگاه بین المللی و جهانی به مساله تبلیغ را امر ذاتی در حوزه های علمیه دانسته و افزود: حتی در رژیم گذشته هم مراجع ما با این نگاه مساله تبلیغات دینی را پیگیری می کرده اند چرا که مکتب تشیع داعیه جهانی دارد و آینده از آن جهان اسلام است.

رئیس جامعه المصطفی گفت: نخستین میدان رقابت، مصاف بین جبهه کفر و الحاد و دینداران است. وی اظهار داشت بر اساس آموزه های غربی در قرون اخیر متأسفانه مکتب هایی بوجود آمده است که هیچ گونه اعتقاد به عالم غیب و عالم قدس را قبول ندارد و به شدت در این زمینه فعال است.

حجت الاسلام اعرافی دومین میدان رقابت را همآوردی بین ادیان توحیدی و ابراهیمی و ادیان غیر توحیدی برشمرده و اظهار داشت: در حال حاضر آیین هایی چون کنفوسیوس، بودا و هندو بیش از ثلث جمعیت جهان را با خود همراه ساخته و درهای هزاران بتکده در جهان را به سوی جوامع مختلف باز کرده است.

وی نقطه قوت چنین باورهایی را در استفاده از داعیه

تقریب بین شیعه و سنی آسان تر از تقریب بین سایر ادیان است

برای اختلاف بین شیعه و سنی نمی بینم بلکه صحیح آن است که اختلاف در عقیده امری طبیعی است و ما پیروان شیعه و اهل سنت بسیاری را می بینیم که در بسیاری از کشورهای اسلامی در کنار یکدیگر به خوبی زندگی می کنند.

وی با اشاره به این که قوانین دینی باید برای همه اقشار جامعه تبیین شود، افزود: کودکان ما در مدارس می آموزند که خود کشتی گناهی بزرگ و حرام است از همین جا معلوم می شود که تکفیر از سوی همه مذاهب اسلامی و همه جوامع انسانی امری ناپسند شمرده شده است. وی افزود: اگر انسانها با نگاه انسانیت به همه مسائل بنگرند هر روز به هم نزدیک تر می شوند.

وی در پایان گفت: دوست دارم اشاره کنم برادران شیعه و سنی هرگز یکدیگر را لعن نمی کنند و تقریب بین شیعه و سنی بسیار آسان تر از تقریب بین یهودی و مسیحی است.

است و آنها معتقدند مهدی (عج) که شیعه از آن سخن می گوید همان دجال است.

این پژوهشگر که در ایالات متحده زندگی کرده و از نزدیک شاهد آن بوده است که چگونه مسلمانان از سوی قدرت های بزرگ مورد هدف قرار می گیرند و سربازان آمریکایی و ناتو چگونه عراق را اشغال کرده اند، معتقد است: آنچه که در ارتباط با این که غرب از اسلام چیزی جز دجال و پیروانش نمی داند، می گوید: این سخن کاملاً درست است و متأسفانه بسیاری از مسلمانان نیز در این رابطه جهل دارند.

وی با اشاره به کتاب "عصر ظهور" تألیف شیخ علی کورانی "این کتاب را کتابی خوب در تبیین مسئله ظهور توصیف کرده و ابراز امیدواری کرد: این کتاب در اسرع وقت به انگلیسی ترجمه شده و در دسترس جوامع غرب قرار گیرد.

وی در اشاره به جهل برخی مسلمانان نسبت به اختلافات شیعه و سنی گفت: من هیچ دلیلی

بازگو کنیم زیرا پیروان مذاهب دیگر به احادیث امامان شیعه دسترسی ندارند و زمانی که این احادیث برای آنها بازگو می شود به آنها علاقه مند شده و آنها را دوست دارند.

وی همچنین افزود: مسیحیان نیز چیزی از مهدی منتظر نمی دانند و گمان می کنند امام مهدی (علیه السلام) دشمن مسیحیان است و پس از ظهور مسیحیان را به قتل می رساند این در حالیست که واقعیت عکس این است و ما باید در گام نخست مسئله ظهور حضرت مهدی را برای مردم تبیین کنیم.

وی در مورد نگاه اهل سنت به مسئله مهدویت، با اشاره بر لزوم تبیین صحیح این مسئله برای آنها گفت: بسیاری از وهابیان و طالبان و افراطی گرایان در میان اهل سنت نیز نظری چون مسیحیان داشته و معتقدند حضرت مهدی (عج) به همراه دجال ظهور کرده یا او خود دجال است، به ویژه این نگاه در پاکستان و افغانستان بسیار حاکم

پژوهشگر آمریکایی در امور اسلامی تأکید کرد: تقریب بین مذاهب اسلامی از جمله شیعه و سنی آسان تر از تقریب بین سایر ادیان است که می خواهند از دشمنی به دوستی برسند.

خبرگزاری تقریب (تنا): شمشاد حیدر که در ایالت تکزاس آمریکا به سر می برد در گفت و گو با تقریب با بیان این که من هیچ دلیلی برای اختلاف بین شیعه و سنی نمی بینم گفت: جامعه اسلام نیاز شدیدی به اتحاد ناگسستنی بین همه مذاهب اسلامی دارد.

وی در پاسخ به سئوالی در ارتباط با استفاده از اعتقاد به مهدویت به عنوان عاملی برای ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی گفت: بله این امر ممکن است و من نتیجه پژوهش های خود در ارتباط با تقریب بین مذاهب شیعه و مسیحیت را ارائه دادم.

ما احادیثی از ائمه علیهم السلام در دست داریم که کافی است این احادیث را برای مردم

آیت الله نورمفیدی:

صداقت، عامل پیوند بین مذاهب

با یک وحدت رویه و در قالب تعامل و تفاهم با آنان صورت پذیرد.

نماینده استان گلستان در مجلس خبرگان رهبری با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری اظهار داشت: مواضع و عمق نگاه معظم رهبری در راستای تقویت وحدت و انسجام اسلامی واضح و روشن است.

امام جمعه شهر گرگان با انتقاد از هرگونه تندروی از سوی برخی از افراد گفت: هدف از وحدت اسلامی شیعه کردن سنی یا سنی کردن شیعه نیست، بلکه گسترش و تقویت اشتراکات



آیت الله سید کاظم نورمفیدی، نماینده ولی فقیه در استان گلستان، در چهارمین جلسه کارشناسی معاونین دبیرخانه شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور و مدیران دفاتر استانی در گرگان اظهار داشت: جامعه اهل سنت یک شهروند ایرانی محسوب می شود و از تمامی حقوق شهروندی برخوردار است.

وی گفت: اهل سنت در جهان اسلام از پشتوانه محکم و گسترده ای برخوردار هستند. وی افزود: مدیریت امور اهل سنت در کشور باید

معاون بین الملل شورای امنیت ملی:

بیشتر کشورهای اسلامی هیچ گونه اختلاف ماهویی با یکدیگر ندارند

اگر از کشوری به کشور دیگر سفر کنیم تشخیص مرزبندی بین آنان دشوار باشد.

جهت تحقق چنین امری قابلیت های مهمی وجود دارند و ساز و کارهای آن نیز گرچه بالفعل ملموس نیستند اما قابل طراحی می باشند، یکی قابلیت های مهم داشتن منافع مشترک اقتصادی است، کشورهای مسلمان از سرمایه عظیمی بنام نفت برخوردار هستند که منافع همه آنها را به هم گره زده است، و چنانچه اراده جدی بر همه کشورهای مزبور حاکم شود خواهیم دید که همگرایی و تقریب بین ملتهای آنها شدنی است. این امر منافع ملتهای تمام کشورهای اسلامی و منطقه ای را تأمین خواهد کرد. این در واقع نظر جمهوری اسلامی ایران در خصوص امکان ایجاد همگرایی بین کشورهای منطقه ایی است....

آیا شورای امنیت ملی برنامه هایی را برای موضوع همگرایی بین مذاهب تهیه دیده است؟

موضوع همگرایی مذهبی خارج از حیطه اختیارات شورای امنیت ملی است، اما جمهوری اسلامی ایران به امکان برقراری همگرایی مذهبی ایمان کاملی دارد و این امر را در رأس برنامه ها و سیاست های خود جهت برقراری روابط با کشورهای منطقه ای و اسلامی قرار داده و قدمهایی را در این راستا برداشته است. البته نباید در این خصوص مبالغه نمود و آرمانگرایانه اظهار نظر کرد.

معاون بین الملل شورای امنیت ملی در گفتگو با خبرگزاری تقریب به موضوعات مهمی در خصوص امکان برقراری همگرایی بین کشورهای جهان اسلام اشاره نمود که بخشی از آن را با هم می خوانیم:

همبستگی بین کشورهای اسلامی چه تأثیری بر استقرار امنیت این کشورها دارد؟

هنگامی که وارد کشورهای اروپایی می شوید ملاحظه خواهید کرد که هیچ مرزی بین آنان وجود ندارد. در واقع این کشورها با تاریخی آکنده از منازعات و اختلافات مذهبی و سیاسی موفق شده اند که در عصر حاضر بر آنها فائق آیند و اتحادی را بین خود تأسیس کنند. در تاریخ سیاسی اروپا جنگی مانند جنگ جهانی دوم وجود دارد که بیشتر نقاط جهان را در بر گرفته بود اما علیرغم این امر ملاحظه می شود که کشورهای اروپایی توانسته اند که موانع مرزی را بین خود حل نمایند.

عقیده جمهوری اسلامی ایران این است که باید چنین فضایی بر کشورهای منطقه حاکم شود بخصوص اینکه بیشتر این کشورها هیچ گونه اختلاف ماهوی باهمدیگر ندارند بعنوان مثال علیرغم هشت سال جنگ بین ایران و عراق مردم ما حتی در زمان صدام نیز برای زیارت عتبات به عراق سفر می کردند. پس کشورهای منطقه می توانند و باید به یک همگرایی مطلوب برسند طوری که

حجت الاسلام والمسلمین قمی:

تقریب مذاهب اسلامی

امروز یک اصل حیاتی برای

مسلمین است



حجت الاسلام و المسلمین قمی گفت: استکبار امروز همه توان خود را برای ضربه زدن به مسلمین در عرصه های مختلف بکار گرفته است و از این رو وحدت

مسلمین بیش از هر زمانی لازم و حیاتی است.

حجت الاسلام و المسلمین محسن قمی از فضایی حوزه و دانشگاه تقریب بین مذاهب اسلامی را یک اصل مهم و حیاتی برای همه ی مسلمین خواند.

وی گفت که استکبار امروز همه ی توان خود را برای ضربه زدن به مسلمین در عرصه های مختلف بکار گرفته است و از این رو وحدت

مسلمین بیش از هر زمانی لازم و حیاتی است. مسئول پیشین نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها و عضو شورایی انقلاب فرهنگی در دشمن برای تفرقه افکنی میان مسلمین تاکتیک های مختلفی دارد که یکی از عمده ترین آنها استفاده از جاهلان یک مذاهب علیه مذاهب دیگر و یا حتی همان مذهب است.

وی با اشاره به چگونگی پیدایش فرقه وهابیت گفت که باید میان این فرقه و اهل سنت تفاوت کامل قایل شد.

عضو شورای عالی مجمع تقریب گفت: وهابیت یک فرقه سیاسی با ظاهری دینی است.

وی همچنین جریان تکفیری را بعنوان حرکتی خطرناک، غیر منطقی، شکست خورده و مسموم که به نمایندگی از استکبار برای تخریب چهره اسلام و مسلمین عمل می کند، معرفی کرد.

عضو شورایی انقلاب فرهنگی در خاتمه به خدمات پرشمار روحانیون شیعه به جوامع اسلامی در طول تاریخ اشاره کرد و گفت که جهان اسلام بخشی از داشته های کنونی خود را مدیون علمای شیعه است.

همانگونه که می دانید عربستان سعودی داعیه سردمداری مذهب وهابی را دارد کما اینکه

مصر نیز داعیه رهبری جامعه اهل سنت را بر عهده گرفته و ایران بعنوان طایفه دار مذهب تشیع در جهان اسلام معرفی شده است، بنظر شما چگونه می توان روابط بین کشورهای مذکور را

بر اساس موضوع تقریب بین مذاهب بیشتر نمود؟ در واقع توافق کشورهای ذی نفوذ و صاحب ایده های اسلامی پیش شرط بدیهی و مسلم ایجاد همگرایی در جهان اسلام تلقی می شود. جمهوری اسلامی ایران نیز چنین سیاستی را دنبال می کند و اقداماتی را در این مسیر انجام داده است. با این نگرش ما معتقدیم که کشورهایی مانند ترکیه، ایران، عربستان سعودی و بطور کلی تمام کشورهایی که داری نفوذی در جهان اسلام

برخورد دارند، باید به یک نوع جمع بندی اندیشه ای بین خود برسند. اما متأسفانه گاهی اوقات در اثر القائات و اقدامات مغرضانه استعمار و جهان غرب یکسری کدورتها بین این کشورها پیش آمده است که اکثراً با رفع سوء تفاهمها براحتی قابل حل بوده و هستند، و در صورت بررسی دقیق این مسائل خواهیم دید که اساساً واگرایی وجود نداشته است بلکه صرفاً برداشتهایی منفی ناشی از فتنه گری های دشمنان است که در اذهان سیاستمداران کشورهای مذکور نقش بسته بود.

تغییر ساختار مذهبی در ایران از جمله اهداف اصلی کودتای ۲۸ مرداد بود

دکتر منصوری با بیان اینکه تضاد و دشمنی کشورهای غربی برای ما باید به عنوان یک هشدار جدی تلقی شود، گفت: برای برخورد با توطئه دشمنان نیاز به انسجام ملی داریم چرا که در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علی‌رغم هشدارهای زیاد متأسفانه مردمی که به دلیل شرایط بد سیاسی منفعل شده بودند هر چقدر فریاد بر علیه کودتا سر داده می‌شد، به علت دل‌سردی‌ها و رفتارهای غرورآمیز، اختلافات در آن زمان به وارد صحنه نشدند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: مردم در کودتای ۲۸ مرداد به دلیل جدی نگرفتن تهدید دشمنان، نقش خودشان را آن‌طور که باید، ایفا نکردند که این مسئله در انقلاب اسلامی جبران شد.

وی افزود: آمریکا بلافاصله بعد از تسلط بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد فقط به سلطه سیاسی اکتفا نکرد بلکه اقدام به وابسته کردن کامل اقتصاد ایران به خارج کرد که قطع این وابستگی متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی علی‌رغمی که بارها توسط دولت‌های مختلف تبلیغ شد، به‌طور جدی پی‌گیری نشده است.

سفر سابق ایران در چین، تصریح کرد: امروز دولت ایران مجبور به فروش روزانه نفت برای اداره کردن کشور است، متأسفانه مسوولان کشور سریعاً اعلام می‌دارند که ما مجبور هستیم نفت بفروشیم تا اقتصاد ضربه نخورد که در نهایت این وابستگی بزرگ‌ترین ضعف ماست که در طول تاریخ دشمن از آن بهترین استفاده کردند.

دشمنان در طول تاریخ دانست و اظهار داشت: شعبان جعفری بی‌مخ با بکارگیری کارگران روز مزد بی‌کار، اراذل و اوباش و حتی زنان فاسد، بر علیه دولت مصدق با ایجاد فضای رعب و وحشت اقدام کرد.

منصوری تأکید کرد: اگر در حوادث بعد از انقلاب تجزیه و تحلیلی کاملی کنیم به موارد زیادی از همراهی عوامل داخلی استکبار بر علیه مردم برخورد می‌کنیم اما انقلاب اسلامی توانست به دلیل هوشیاری ملت و تصمیم قاطعانه رهبری انقلاب از این خطرات عبور کند اما آگاهی توده‌ها به معنی این است که انقلاب اسلامی قادر به عبور از خطرات و مقابله کامل با اقدامات دشمنان باشد.

کارشناس مسائل سیاسی، گفت: تغییر ساختار مذهبی و استحاله فرهنگی در ایران را یکی از اهداف اصلی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد بود.

دکتر جواد منصوری با اشاره به عبرت‌های تاریخی کودتای ۲۸ مرداد برای ملت ایران، گفت: موقعیت جغرافیایی و ذخایر نفت ایران از بیش دو هزار سال پیش دولت بزرگ مجبور کرد تا امروز با یک تلاش مستمر و جدی برای تسلط بر ایران و حداقل یک نفوذ گسترده در ایران تلاش کنند.

وی اضافه کرد: بعد از پیدایش و استخراج نفت در ایران، حضور قدرت‌های بزرگ در کشور ما علاوه بر جنبه‌های قبلی که برای استعمار کشور بود، مسئله نفت را به عنوان یک کالای سیاسی - استراتژیک مهم در برگرفت تا انجایی که دولت‌های بزرگ برای نفوذ در ایران با دیگر کشورهای رقیب شدیدی را آغاز کردند.

معاون اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تصریح کرد: وقوع انقلاب اسلامی به طور کلی مسئله ایران را وارد شکل جدیدی کرد، اگر در قضیه انقلاب اسلامی یک مقداری به عقب برگردیم از لحاظ سیاسی این نهضت بزرگ ملت ایران ریشه‌هایش به گذشته و قضا‌ی دهه ۳۰ و ۴۰ بازمی‌گردد که احتیاج به واکاوی مجددی دارد.

منصوری در ادامه به رویدادهای مختلف دهه ۱۳۳۰ شمسی اشاره کرد و افزود: در نهضت ملت ایران در دهه ۱۳۳۰ مردم ما با یک آگاهی ملی، انسجام و رهبری آگاهانه باید از موقعیت ایران به نفع مردم و کل منطقه بهترین استفاده می‌کردند اما متأسفانه به دلیل ضعف رهبری، عدم انسجام و فرهنگ ملی به جز دوران انقلاب اسلامی، در طول تاریخ خصوصاً در دهه ۳۰ مشکلاتی در جایگاه رهبری نهضت مردم شاهد بودیم.

وی بیان کرد: دشمنان ملت ایران در قیام ۳۰ تیر به دستور یک رهبر مذهبی شاهد حضور مردم شجاع در صحنه برای مبارزه با رژیم طاغوت بودند، که در نهایت این خطر را احساس کردند که این تبعیت چگونه می‌تواند معادلات آنها را به هم بزند و آنها بعد از این قیام شروع به طراحی یک برنامه جدی برای تغییر ساختار مذهبی و سیاسی کردند.

این استاد دانشگاه تغییر ساختار مذهبی در ایران را یکی از اهداف اصلی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، دانست و گفت: بلافاصله بعد از کودتای ۲۸ مرداد پنج افسر عضو سازمان CIA که تخصص کار فرهنگی داشتند در ۱۲ زمینه کاری شروع به کار فرهنگی موردنظر غرب کردند که هدف نهایی آنها استحاله فرهنگی ملت ایران بود.

منصوری خاطرنشان کرد: مردم در قیام ۳۰ تیر براساس اعتقادات مذهبی به صحنه آمدند ولی متأسفانه مشاهده می‌کنیم دولتی که بعد از این قیام به سر کار می‌آید به بافت مذهبی و فرهنگی مردم بی‌توجهی می‌کند اما واقعیت امر این است که هرگاه دولتی به ابعاد مذهبی مردم ایران اعتنا نکند از صحنه حذف می‌شود که سرنوشت دولت مصدق با پشتیبانی اولیه مردم این‌گونه رقم خورد.

وی ادامه داد: آمریکا با مشورت انگلیس با پشتیبانی کامل برخی از دولت‌ها، حتی حمایت تلویحی شوروری، در ایران اقدام به کودتا کرد که انجام این کودتا به دلیل یک سری ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه، مانند عدم انسجام نیروها و استفاده نیروهای بی‌صلاحیت و همراهی اراذل و اوباش به عنوان ابزار کار کودتا بود.

این پژوهشگر مسائل تاریخی عدم هوشیاری برخی از افراد و سیاست‌یون را زمینه‌ساز سواستفاده

تیزبینی آیت‌الله کاشانی در پیش‌بینی کودتای ۲۸ مرداد

می‌شود، گرچه امکانی برای عرایض نمانده ولی صلاح دین و ملت برای این خادم اسلام بالاتر از احساسات شخصی است و علی‌رغم غرض ورزی‌ها و بوق و کرنای تبلیغات شما خودتان بهتر از هر کسی می‌دانند که هم و غم در نگهداری دولت جناب عالی است که خودتان به بقاء آن مایل نیستید، از تجربیات روی کار آمدن قوام و لجبازی‌های اخیر بر من مسلم است که می‌خواهید مانند سی‌ام تیر کذایی یک بار دیگر ملت را تنها گذاشته و قهرمانانه بروید. حرف اینجانب را در خصوص اصرارم در عدم اجرای فرماندوم نشنیدید و مرا لکه حیض کردید، خانام را سنگ‌باران و یاران و فرزندانم را زندانی فرمودید و مجلس را که ترس داشتید شما را ببرد بستید و حالا نه مجلسی هست و نه تکیه‌گاهی برای این ملت گذاشته‌اید. زاهدی را که من با زحمت در مجلس تحت نظر و قابل کنترل نگه داشته بودم با لطایف الحیل خارج کردید و حالا همانطور که واضح بوده در صدد باصطلاح کودتا است. اگر نقشه ما نیست که مانند سی‌ام تیر عقب‌نشینی کنید و به ظاهر قهرمان زمان بمانید و اگر حدس و نظر من صحیح نیست که همانطور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب به شما گفتم و به هندرسن هم گوشزد کردم که آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسی‌ها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیا پسندی می‌خواهید بدست جناب‌عالی این ثروت ما را به چنگ آورد اگر واقعا با دیپلماسی نمی‌خواهید کنار بروید این نامه من سندی است، در تاریخ ملت ایران که من شما را با وجود همه بدی‌های خصوصی‌تان نسبت به خودم از وقوع حتمی یک کودتا بوسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود شماست آگاه کردم که فردا جای هیچ‌گونه عذر موجهی نباشد اگر برآستی در این فکر اشتباه می‌کنم با اظهار تمایل شما سید مصطفی ناصر قشقائی را برای مذاکره خدمت می‌فرستم خدا به همه رحم بفرماید ایام بکام باد. سید ابوالقاسم کاشانی.

مصدق اما در همان روز در پاسخ نوشت: «اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم».

یک روز بعد از نامه تاریخی آیت‌الله کاشانی طرح کودتا عملیاتی شد همه ملی‌ها و مذهبی‌ها کنار زده شده و آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها زمام امور را در دست گرفتند. در اولین اقدام مصدق دستگیر، زندانی و سپس تبعید گردید.

آیت‌الله کاشانی خانه نشین شد و از همه طرف در فشار روحی و روانی قرار گرفت انگلیسی‌ها از تبلیغات و تخریب شخصیت او هیچ کم نگذاشتند. او که در حقیقت به معنی کامل کلمه «رهبر یک نهضت» بود از هر جهت مورد تهاجم قرار گرفت و در اوج مظلومیت بود چنانچه امام راحل نیز در ایام پس از انقلاب درباره او فرمودند:

«شروع کردند به جوسازی، آنطور جوسازی کردند که یک سگ را عینک به آن زدند... از طرف مجلس آوردند این طرف و به اسم آیت‌الله... من خودم در یک مجلسی بودم که مرحوم آقای کاشانی وارد شد در آن مجلس، مجلس روضه بود، هیچ کس پا نشد، من پا شدم... و من جا دادم به ایشان... این جور درست کرده بودند برای آقای کاشانی که دیگر از منزلش نمی‌توانست بیرون بماند، در یک اتاقی محبوس بود در منزلش طوری که نمی‌توانست بیرون بیاید.» (۱)

آیت‌الله کاشانی سالهای آخر عمر خود را با سکوت مظلومانه‌ای سپری کرد تا اینکه در ۱۴ اسفند ۱۳۴۰ رحلت نمود. این شخصیت کم‌نظیر در تاریخ سیاسی ایران جای تقدیر و تحسین او هنوز خالی مانده است.

اکنون که در آستانه پنجاهمین سالگرد رحلت این مجاهد خستگی‌ناپذیر قرار داریم حق این است که دستگاه‌های فرهنگی، تاریخی نسبت به بزرگداشت پنجاهمین سالگرد او اهتمام کنند و حداقل با برگزاری کنفرانس‌ای شخصیت او را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و از عظمت شخصیت علماء، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، فقهی و مبارزاتی و نقش تاریخی برای ملت ایران و جهان تقدیر کنند.

۱- سخنرانی امام در ۲۶.۹.۶۲

در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۰ آیت‌الله کاشانی به عنوان یک نخبه با بصیرت اقدام به موقعی انجام داد و با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «... به عرض اعلی حضرت برسانید، اگر در بازگشت دولت مصدق تا فردا اقدام نفرمایید، دهانه تیز انقلاب را به جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهیم کرد».

تاریخ معاصر ایران حامل رویدادهای غم‌انگیزی از دخالت بیگانگان در ایران بوده و هست که در بین آنها رد پای انگلیس از بقیه پررنگ تر دیده می‌شود. سابقه دخالت‌های انگلیسی‌ها از دوران حکومت صفویه آغاز می‌گردد و در دوران قاجار از جنگ‌های ایران روس، جدایی هرات از ایران، قراردادهایی مانند روتر، رژی ۱۹۰۷، ۱۹۱۵، ۱۹۱۹ و غیره انگلیس‌ها رکورددار بوده و دخالت‌های انگلیس در جنبش‌ها و نهضت‌ها بویژه در قیام عدالت خواهی مردم که آن‌را به مشروطه خواهی تبدیل کرده و فرجام آن به کودتای ۱۲۹۹ انجامید، جنگ جهانی اول و حاکم کردن عناصر فراماسونری پس از سقوط رضا خان مانند محمد علی فروغی ادامه یافت تا جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت با قدرت ملی ایران به رهبری روحانیت که نماد آن آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی بود طرح شد و اوج گرفت.

سالها بود که طبق قراردادهای ننگین، شرکت‌های انگلیسی امتیاز بهره‌برداری از مخازن نفتی ایران را گرفته و سرمایه ملی ایران را به یغما می‌بردند. عناصر خود فروخته انگلیسی نیز مانند سپهد رزم آرا - نخست وزیر وقت - طرح ملی شدن نفت را در مجلس شورای ملی به تمسخر گرفت و گفت ایرانی که نمی‌تواند یک لوله‌نگ (آفتابه) بسازد چگونه می‌تواند بر نفت خود مسلط باشد. بعد از چندی خلیل طهماسبی با حمایت معنوی آیت‌الله کاشانی، رزم آرا را هدف گلوله قرار داد.

انگلیسی‌ها از این اقدام شجاعانه و حماسی خلیل طهماسبی به شدت وحشت زده شدند چاره را در این دیدند که به محمد مصدق عنصر ملی مسلک از خاندان قاجار چراغ سبز نشان داده تا نخست وزیری را بپذیرد و با این کار عمل ملی شدن صنعت نفت در ایران را بدست بگیرد. آیت‌الله کاشانی که از پایگاه اجتماعی بسیار وسیعی در سطح کشور برخوردار بود و عنصری انقلابی و چهره مبارزی در برابر انگلیس شناخته شده بود، رهبری و هدایت عامه مردم را بدست داشت. او با هوش و ذکاوت سیاسی که از آن برخوردار بود بسیار محکم با انگلیسی‌ها برخورد می‌کرد. یکی از نمادهای مهم آن واقعه ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ بود. در این واقعه مصدق بدون هماهنگی با آیت‌الله کاشانی از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و شاه فوراً یک عنصر انگلیسی تمام عیار به نام احمد قوام را به عنوان نخست‌وزیر جایگزین نمود و اوضاع به نفع انگلیسی‌ها رقم خورد.

آیت‌الله کاشانی به عنوان یک نخبه با بصیرت اقدام به موقعی انجام داد و با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «... به عرض اعلی حضرت برسانید، اگر در بازگشت دولت مصدق تا فردا اقدام نفرمایید دهانه تیز انقلاب را به جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهیم کرد».

فشار انقلابیون و کفن پوشان که آیت‌الله کاشانی در پیشاپیش آنان بود تا عصر آن روز شاه را وادار به عقب‌نشینی کرد تا قوام را بر کنار کرد و مصدق بار دیگر به قدرت بازگشت و نخست‌وزیر شد.

انگلیس که در این ماجرا ضربه سنگینی خورده بود به اتفاق آمریکا طرح کودتا علیه ملت ایران را تدارک دید، اولین اقدام ایجاد ائتلاف بین کاشانی و مصدق بود که به آن دامن زده شد و دور شدن مصدق از کاشانی جزء یکی از دستورات عمل‌هایی بود تا زمینه سقوط نهضت فراهم گردد.

آیت‌الله کاشانی با تبحر سیاسی که داشت به سرعت بوی توطئه کودتا را با شامه‌اش حس کرد و طی نامه‌ای به مصدق هشدار داد و به عنوان یک سند تاریخی اعلام کرد:

«حضرت نخست‌وزیر معظم جناب آقای دکتر مصدق دام‌اقباله! عرض

امام خمینی:

نهضت ما اسلامی است قبل از آنکه ایرانی باشد

که ما فهمیده باشیم در قلبمان که ما می‌خواهیم جمهوریمان اسلامی باشد. باید همان طوری که با زبان می‌گوییم، قلب ما معتقد شده باشد به اینکه ما می‌خواهیم اسلام باشد. ما می‌خواهیم اسلام باشد دیگر با تمام اوجاجات باید مبارزه بکند... خداوند همه شما را-ان شاء الله- حفظ کند و همه شما و ما را موفق کند به اینکه دنبال این باشیم که اسلام را در همه جا تقویت کنیم، و از مروجین اسلام باشیم.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۴۹۱

امام خمینی:چند روز پیش از این در یک نوشته‌ای دیدم که می‌گوید که چرا از ملی می‌ترسید شماها؟ من به آن آقا می‌گویم، شما چرا از اسلامی می‌ترسید؟... ل‌ما می‌خواهیم ببینیم خواست این ۳۵ میلیون جمعیت چی است. ما دیدیم که خواست این ۳۵ میلیون جمعیت این بود که ما اسلام را می‌خواهیم. در تمام صحبتها از اول تا آخر این نبود که ما ملی گرا هستیم. ملی‌گرایی برخلاف اسلام است... ملی‌گرایی برخلاف دستور خداست و برخلاف قرآن مجید است.

صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۳۳۵

پاسخ دفتر آیت الله احمد خاتمی به رحیم مشایی:

سخنان خود را قبل از بیان به اسلام شناسان اصیل عرضه

و در صورت تأیید نقل کنید

نادرست برگردد و اصولا رسالت عالمان دینی همین تذکر و هشدار است تا صراط مستقیم برای همگان آشکار شود.

۶- به جناب آقای اسفندیار رحیم مشایی توصیه می‌کنیم از به کار بردن ادبیات توهین آمیز دست بکشند. سخن منتقدان را فحش خواندن یا در برخی از سخنرانی‌ها به مخالفان خود تعریض نهروانی دادن یا ادعای فضل کردن و این که اعلام کنند مخالفان‌شان متوجه صحبت‌های ایشان نمی‌شوند این ادبیات نادرست است، ایشان حق دارند که به نقدها پاسخ داشته باشند ولی نقد باید ماقال باشد نه من قال.

۷- آقای مشایی از ظلمی که به وی می‌شود شکوه کرده‌اند و ظالمان را به خدا حواله کرده‌اند. ما به ایشان می‌گوییم همان گونه که ظلم حرام است فراهم آوردن زمینه ظلم هم حرام است. همان گونه که غیبت حرام است فراهم آوردن زمینه غیبت هم حرام است. همان گونه که تهمت حرام است فراهم آوردن زمینه تهمت هم حرام است. متأسفانه آقای مشایی در برخی از اظهارات خود را در معرض تهمت قرار می‌دهند؛ لذا به ایشان توصیه می‌کنیم که سخنان خود را قبل از بیان به اسلام شناسان اصیل عرضه کنند و در صورت تأیید آنگاه نقل کنند تا زمینه شکوه برای‌شان فراهم نیابید.

۸- آیت‌الله خاتمی در خطبه خود به صراحت فرق بین عشق به ایران زمین و وطن دوستی و ملی‌گرایی را بیان کردند و گفته‌اند وطن دوستی یا به تعبیر برخی مسوولان عشق به ایران زمین در آموزه‌های دینی قرار دارد. ((حب‌الوطن من الایمان)) از روایات است، اما ملی‌گرایی تقابل اسلام و ایران می‌باشد؛ لذا نباید این دو موضوع به هم خلط گردد.

ادبیات آیت‌الله خاتمی چه در خطابه چه در مصاحبه و مکتوب، ادبیات مودبانه در نقل و نقد گفته‌ها است نه نقد گوینده که این روش اسلامی است. ایشان در خطابه جمعه گفته‌های آقای مشایی را نقد کردند و متعرض شخص ایشان نشدند گرچه جناب مشایی هم در مصاحبه به صراحت نامی نبردند اما به خطبه‌های آیت‌الله خاتمی تعریض داشتند.

حجت الاسلام والمسلمین سقای بی‌ریا:

اختلافات نباید به وحدت خدشه ای وارد کند

اگر این اختلافات گسترش یابد و به سردرگمی و از کارافتادن مجموعه های نظام شود حرام است. وی، با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری در خصوص جذب حداکثری و دفع حداقلی نیز خاطر نشان کرد: جذب حداکثری نیز باید برپایه اصول و ارزش های انقلابی و اسلامی باشد.

وی با بیان اینکه اختلافات نباید به وحدت خدشه ای وارد کند، وحدت و همدلی را از رموز موفقیت ملت ایران دانست و ابراز داشت: مقام معظم رهبری مسایلی مختلف را به صورت شفاف مطرح کردند.

حجت الاسلام بی‌ریا ، اضافه کرد: نکته مهم در فرمایشات رهبر انقلاب این بود که فرمودند اختلاف ما با نظام استکبار، اختلافی مبنایی است، ایشان تأکید داشتند ما با ظلم و استکبار مخالفیم و زیر بار ظلم و ستم نمی‌رویم.

واکنش آیت الله مقتدایی به اظهارات رییس دفتر

رییس جمهور

مدیر حوزه های علمیه سراسر کشور، خواستار بر خورد لازم با رییس دفتر رییس جمهور به خاطر طرح نظریه‌های انحرافی شد.

آیت الله مقتدایی در گفت و گو با مرکز خبر حوزه، در مورد اظهارات اخیر رییس دفتر رییس جمهور، مبنی بر ترویج مکتب ایرانی به جای مکتب اسلامی، اظهار داشت: متأسفانه این قبیل اظهارات غیرتخصصی و انحرافی از زبان افرادی که منسوب به ریاست جمهوری هستند، شنیده می‌شود و جای بس تعجب است که پس از اظهار نظر بزرگان حوزه و عکس العمل اقشار مختلف، با ایشان برخوردی نمی‌شود.

وی افزود: متأسفانه عدم برخورد لازم با این شخص، موجب شده است، تا وی به خود جرأت داده و پس از طرح "مکتب ایرانی"، که نام دیگر "جمهوری ایرانی" است، نظریه انحرافی آنسان ظرفیت خداشدن را دارد را مطرح کند و با نهایت جسارت بر این مسأله و گفته خویش، پافشاری می‌کند. عضو خبرگان رهبری، در ادامه افزود: باید نسبت به مبانی اسلامی، نظام و اصول خط امام که همان خط واقعی اسلام است، شناخت داشته و مواظب باشیم که به آن، لطمه نزنیم.

وی افزود: آقایان خود را داعیه دار خط امام(ره) می‌دانند، در حالی که آن بزرگمرد استکبار ستیز، نهضت بزرگ ملت آزاده ایران را، قبل از آن که ایرانی باشد، اسلامی نامید.

آیت الله مقتدایی، خاطرنشان ساخت: ما دل‌داده اسلام و ایران اسلامی هستیم و همه چیزمان اسلام است و هر که در جریان انقلاب اسلامی ایران بوده، عزت کنونی ایران را از اسلام می‌داند و اصولا این اعتقادات اسلامی مردم مسلمان ایران بود که هرگاه احساس خطر کردند، با حضور میلیونی خود از نظام اسلامی دفاع نموده‌اند

وی در پایان گفت: ایران عزیز، امروز مدیون فداکاری ها و مقاومت جوانان، شهداء، جانبازان و ایثارگران است، که به عشق اسلام، به دفاع از اعتقادات و میهن اسلامی پرداختند و عزت امروز ایران اسلامی را آفریدند.

سخنگوی جامعه روحانیت مبارز:

طرح مکتب ایرانی، باعث خرسندی وهابیت شد

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت(ع) در گفت و گویی با اشاره به سخنان اخیر رییس دفتر رییس جمهور، گفت: انقلاب اسلامی مبتنی بر ارزش‌های بلند قرآن و عترت و تکیه بر اسلام ناب محمدی(ص) شکل گرفته است تا کلید قدرت با محوریت ولایت برای تحقق شریعت و احکام اسلامی و حاکم کردن دین در جامعه باشد.

سخنگوی جامعه روحانیت مبارز، ادامه داد: از صدر اسلام تا به امروز تلاش علما و بزرگان تکیه بر اسلام و گسترش فرهنگ اسلامی بوده و با هر نوع عاملی از قبیل، قومیت، زبان، رنگ، عجم و عرب مبارزه کرده‌اند و تنها ملاک بر ارزش انسان‌ها را تقوا دانسته‌اند.

وی ادامه داد: مردم ایران با تقدیم شهداء، برای حفظ اسلام در صحنه ایستادند و امروز فریاد ملت برای اسلام است و جهان به دنبال اسلام خواهی است، نه اینکه به دنبال مکتب ایرانی باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سالک با بیان این که نظر در جمهوری اسلامی آزاد است، افزود: آقای مشایی مسئولیت‌هایی از قبیل، رییس دفتر رییس جمهور، عضو کمیسیون اقتصادی دولت، رییس شورای هماهنگی مناطق آزاد ویژه اقتصادی، جانشین رییس جمهوری در شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، دبیر کمیسیون فرهنگی دولت و رییس کار گروه زیارت و فرهنگ رضوی را عهده‌دار است و باید به فکر انجام این مسئولیت‌ها باشد و در مسایلی که مربوط به اسلام، علما و بزرگان است، دخالتی نکند.

وی ادامه داد: آقای مشایی اگر می‌خواهد اظهار نظر کند باید رییس جمهور وی را از مسئولیت‌هایش خلع ید و سلب کند تا از جایگاه حکومت و نظام اسلامی ابراز نظر نکند.

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت(ع) اظهار داشت: نظریه پردازهای مختلف در ایران فراوان است و اگر مشایی می‌خواهد راجع به انبیاء، مکتب ایران و... صحبت کند از جایگاه حکومتی کنار برود تا دشمنان از این مطالب سو استفاده نکنند.

وی به واکنش‌های بین‌المللی و سو استفاده دشمنان از بحث مکتب ایرانی اشاره کرد و گفت: یکی از علمای بزرگ وهابی در یکی از شبکه‌های تلویزیونی عربستان سعودی از صحبت‌های مشایی اظهار خرسندی و خوشحالی کرد و گفت: ای مردم آنچه ما می‌گفتیم ایران به دنبال اسلام و قرآن نیست درست بود و این حرفی است که رییس دفتر رییس جمهور ایران بیان می‌کند.

هشدار فرمانده تیپ ۸۳امام صادق (ع):

نفوذ و استحاله در دستور کار دشمن قرار دارد

حجت الاسلام و المسلمین معتمد تصریح کرد: استراتژی نفوذ و استحاله همچنان در دستور کار دشمنان قرار دارد و آنان می کوشند تا راهبرد نفوذ و استحاله خود را در کشور اسلامی تثویزیه کنند

فرمانده تیپ ۸۳ روحانیون تبلیغی رزمی امام جعفر صادق(ع) در گفتگویی با انتقاد از سخنان جنجال برانگیز اخیر رییس دفتر رییس جمهور گفت:شک نکنیم که طراحان و هدایت گران جهانی پروژه استحاله انقلاب اسلامی ، با تجربه و شناختی که از نفوذ ناپذیری نظام اسلامی دارند به دنبال افرادی هستند که با بهره گیری از آن ها به اهداف خود برسند، به طوری که دلخوشی امروز آنان، آغاز عملیات استحاله از سطوح عالی نظام اسلامی است.

وی با بیان این که مرحله جدید راهبرد استحاله دشمن مربوط به بعد اسلامیت انقلاب می باشد، تاکید کرد:ترویج مکتب ایران به جای مکتب اسلام مخالف فرهنگ قرآنی است و باید دانست که خواسته ها و منافع دشمنان خصوصا استکبار جهانی، حاکمیت این تفکر انحرافی در کشور است.

حجت الاسلام و المسلمین معتمد همچنین خاطر نشان کرد: متأسفانه امروزه این مرحله جدید از استحاله انقلاب اسلامی گاهی تحت عنوان عدالت و خداپرستی و محبت و مهربانی و گاهی هم به نام آزادی، معنویت و عرفان آغاز شده است.

وی با بیان این که دشمنان برای تحقق این هدف به دنبال جریانات ضد انقلابی و انحرافی خارج از کشور هستند، ابراز داشت:نقطه مشترک تمام جریانات لیبرالی و ملی گرایی، ملیت خواهی است و اصولا ترویج لیبرالیسم ملی گرایی است و طرح مکتب ایران در مقابل مکتب اسلام نمی تواند چیزی خارج از ترویج لیبرالیسم باشد.

فرمانده تیپ ۸۳امام صادق (ع) در ادامه سخنان خود با اشاره به جمله ای از حضرت امام (ره) مبنی بر این که در این کشور اسلام و قرآن محور است و نیز اسلام منهای روحانیت، اسلام نیست، افزود:حضرت امام (ره) با تاکید بر حفظ ماهیت و هویت اسلامی انقلاب در مقابل آن ها که تلاش می کردند انقلاب را در حصار ملیت و قومیت ایرانی محدود کنند می فرمودند: نُهضت ما اسلامی است قبل از آن که ایرانی باشد.

وی همچنین بیان داشت: امام امت (ره) در زمان حیات نورانی و پر برکت خود در مقابل جریاناتی در داخل کشور که دنبال ملیت و جمهوریت و ملی گرایی بودند، قاطعانه فرمودند: مردم به اشخاص رای ندادند، مردم به دین رای دادند و به اسلام رای دادند تا وقتی با اسلام باشید مردم با شما هستند و اگر پشت کردید به اسلام مردم از شما بر می گردند .

کارشناس بهاییت:

بهاییت در راستای اهداف صهیونیسم بین الملل

گام بر می دارد

کارشناس بهاییت گفت: هر چند بهاییت از نظر عده و عُده به حساب نمی آید، اما باید تحرکات هر چند کوچک این فرقه ضاله را زیر نظر داشت و به آن توجه کرد.

حجت الاسلام سجادی، محقق و پژوهشگر حوزه علمیه قم گفت: بهاییت با پشتیبانی منسجم و تشکیلاتی یک یا چند جریان بین المللی، نقش بسیار جدی در منحرف کردن فرهنگ مردم دارد.

وی در ادامه افزود: مأموریت بهاییت همواره ایجاد تفرقه، نفاق و براندازی هستی، هویت و اصول اساسی جهان تشیع بوده است و در راستای اهداف جریان های صهیونیسم بین الملل گام برداشته و نقش ایفا کرده است. حجت الاسلام سجادی اظهار داشت: ممکن است در فعالیت های این فرقه منحرف فراز ها و نشیب هایی مشاهده شود که این ها موقتی است و این فرقه با تغییر در تاکتیک و نقش دوباره شروع به فعالیت می کند.

وی خاطر نشان کرد: بهاییت یک جریان عمده و بزرگ در میان دشمنان بسیار فرهنگ و تمدن شیعی نیست و از نظر عده و عُده به حساب نمی آید، اما باید تحرکات هر چند کوچک این دشمن قسم خورده و منحرف را زیر نظر داشت و به آن توجه نمود.

این پژوهشگر حوزه علمیه قم با اشاره به دروغ پردازی ها و خودبزرگ بینی بهاییت تأکید کرد: فرقه ضاله بهاییت با حمایت و پشتیبانی گسترده آمریکا و اسرائیل، تبدیل به یک ستون پنجم و آلت دست استعمارگران شده و اهداف آنان را دنبال می کند.

وی تصریح کرد: ایجاد سایت های اینترنتی، شبکه های ماهواره ای و رادیویی، برپایی محافل بهاییت، جذب تدریجی و برنامه های منسجم فرهنگی بخشی از روش های هوشمندانه و هدفمند بهاییت در تبلیغ این فرقه ضاله است.

حوزوی - مذهبی

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

مقلدین می توانند از سهم امام به مردم سیل زده پاکستان کمک کنند

گذشته بی سابقه و خرابی آن به حدی بوده است که ۲۰ میلیون نفر بر اثر آن بی خانمان شده‌اند و حالا کشور پاکستان دست نیاز و یاری به سوی جهان اسلام دراز کرده است و مسلمانان باید در این کار پیشقدم شوند.

ایشان اضافه کرد: من در دیدار با سفیر پاکستان گله‌مندی ملت ایران را به وی انتقال دادم و گفتم که ریشه این ترور و ناامنی‌هایی که از سوی کشور پاکستان در ایران به وجود آمده در مدارس و‌هایبون تندرواست که به آنها درس می دهند و اعلام کردم که دولت پاکستان باید این مدارس را اصلاح کند و امنیت مرزها را برقرار نماید.

آیت‌الله مکارم شیرازی در خاتمه اظهار داشت: مقلدین ما نیز می‌توانند قسمتی از سهم امام را برای کمک به مسلمانان پاکستان اختصاص دهند.

امام جمعه قم:

ادبیات استکبار درباره نیروگاه بوشهر، تجاوزگرانه است

مسیر دستیابی به این انرژی، شاهد توپه‌ها و کارشکنی ابرقدرتها بوده‌اند و حتی همین اواخر نیز استکبار جهانی، رژیم صهیونیستی را تحریک کرد تا به تأسیسات هسته ای بوشهر حمله کند،اماباین حال ملت ایران با پایداری خود باعث عقب نشینی آنان شد.

وی، تهدیدهای دشمنان علیه ایران را بی ثمر خواند و گفت: وقتی دشمنان ایران در رابطه با پیشرفتها با تأکید محکم مقام معظم رهبری و مسوولین مواجه شدند، تنها راه مبارزه با آن را ایجاد فضاسازی سیاسی دانسته و نسبت به راه‌اندازی جنگ روانی و تهدیدها اقدام کردند اما آنان بدانند که نتیجه تمام این تهدیدها معکوس خواهد بود. عضو جامعه مدرسین حوزه تأکید کرد: کسانی که با این ادبیات با ملت ایران صحبت می کنند، باید بدانند که ایرانیان دست آنان را پس می زنند.

گفتاری از امام موسی صدر درباره رمضان:

آیا در روزه هایمان آثار روزه را می بینیم؟

ای مؤمنان!

هرگاه اندیشهٔ دینی و آموزه‌هایش در همهٔ ابعاد زندگیمان؛ در خانه، در بازار، در دفتر کار، و در عرصه‌های حیات ما حضور داشته باشد، هرگاه حصارها را از احساس دینی در بند در عبادتگاه‌ها، برداریم، و بگذاریم این احساس به کلیت حیاتمان راه یابد، به زندگیمان پا نهد، تا اختیار ما به دست او باشد و اثر گذارد و هدایت کند، هر گاه به او فرصت دهیم و نخواهیم که با منزوی کردن او از نقشش بکاهیم و او را از میان ببریم، تنها در این صورت است که آثار این گنج گرانمایه را در زندگی و در ساختن تمدن خود می‌بینیم.

مؤمنان!

روژهٔ ماه رمضان و دیگر عبادات و شعایر دینی تنها فعالیتی جسمانی نیستند، بلکه حرکاتی سرچشمه گرفته از عقل و دل‌اند که به قالب حس در می‌آیند و با آن در می‌آمیزند، از همین رو هر گاه به دور از دخالت عقل و دل انجام گیرند، اعمالی خشک، کم رنگ و تقلیدگونه‌اند که ما را به خود مشغول می‌کنند، ولی تأثیری نمی‌گذارند. بر ماست تا در این تجربهٔ تازه و این ماه مبارک و در روزه‌اش، عقل و دل را در کنار جسم فعال کنیم. باید تفکر و تأمل کنیم، باید عشق بورزیم و حساس باشیم. باید این عشق و آن تأمل را در متن روژهٔ خود جاری سازیم.

پیامبر فرمودند:تفکر ساعه خیر من عباده سبعین سنه^(یک ساعت تفکر، برتر از هفتاد سال عبادت است.)امام صادق نیز فرموده‌اند:هل الدین الا الحب؟(آیا دین جز محبت است؟) این چنین روژهٔ زنده‌ای، سپر آتش است و یکی از ارکان اسلام، مهمانی خداوند است و تکریم انسان. قدر انسان است و قدر او. فقط در این صورت است که رمضان شرایط و فضایی را فراهم می‌کند که در آن انسان گرمای ساخته می‌شود، انسانی که فاتح مکه است و پیروز بدر و سازندهٔ تاریخ. این چنین رضانی ماه‌الفت و همدردی با دیگران و فصل فراموشی کینه‌ها و اتحاد صفوف است. ماه وحدت کلمه و وحدت دل‌ها و ماه رستخیز دوبارهٔ امت است.

این گونه روزه داری ماه رمضان نخستین گام در ساختن امت و تاریخ است، تمرینی برای جهاد و آمادگی برای نبرد است، آغاز بازگشت به سوی خداست، به سوی سرزمین مقدس خدا، به سوی قدس. این وعدهٔ حق خداوند است و خداوند از وعده‌اش تخلف نمی‌کند. خداوند می‌فرماید:وَلْيُنْصِرْنَا اللَّهُ مِنْ نَبْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ الَّذِيْنَ اِنْ مَكَناهُمِ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَ اَتَوْا الزَّكٰةَ وَ امَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَلَّهٗ عٰقِبَةُ الْاُمُورِ^(حج: ۴۰ و ۴۱)

آیت‌الله مکارم شیرازی با انتقاد از عدم کمک رسانی و اقدام موثر در خصوص سیل زدگان پاکستان بیان داشت: باید گله‌مندی‌ها از کشور و دولت پاکستان را کنار گذاشت و اقدام موثر در جهت کمک به سیل زدگان این کشور انجام داد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی از عدم کمک‌رسانی به موقع و موثر به سیل زدگان کشور پاکستان انتقاد کرد و بیان داشت: متأسفانه من شور و جنبشی در این زمینه در کشور نمی‌بینم در صورتی که دولت و ملت ایران در این شرایط باید گلايه‌هایی که در خصوص مسائل امنیتی در پاکستان دارند را کنار بگذارند و دست در دست هم دهند تا مرهمی بر زخم‌های مردم مسلمان این کشور بگذارند.

ایشان در خصوص دیدار اخیر خود با سفیر پاکستان بیان داشت: سیلی که در کشور پاکستان آمده است در هشتاد سال

عضو مجلس خبرگان رهبری گفت: نوع ادبیات استکبار جهانی در برخورد با مساله راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، دوستی نیست بلکه غارت و تجاوز است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری افزود: پیام این حماسه عظیم توسط ملت ایران به جهانیان،ایستادگی و مقاومت و عقب نشینی نکردن از حق طبیعی خویش است.

وی اظهار داشت: هر چند این پروژه سالها به طول انجامید و در آن کارشکنی‌هایی رخ داد و ابرقدرتها معاملاتی برسر آن انجام دادند، اما ملت ایران با پایداری و استقامت توانست به حق خود دست یابد. عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان این که حق با صبر و حوصله دست‌یافتنی است، تصریح کرد:برغم این که ایرانیان در

دگر بار، رمضان مبارک فرا رسیده است؛ با شب‌های الهام بخش، روزهای آموزنده و فضای آکنده از شمیم خاطرات و عبرت‌هایش که مایهٔ جدیت و نظم است.

دگر بار، روزه می‌گیریم، شب زنده‌داری می‌کنیم، شعایر را دو چندان می‌کنیم و سرانجام عید را با شادمانی و خشنودی جشن می‌گیریم و پس از آن به زندگی عادی باز می‌گردیم. بدین سان سال‌ها تکرار و بر حجم خاطرات افزوده می‌شود.

اما بیم آن می‌رود که روزه به عادتِ بی‌روح و شعایر آن به سنت‌هایی سرگرم کننده بدل و ماه رمضان از همهٔ معانی اصیلی‌اش تهی شده باشد. با نگاهی سریع در می‌یابیم که این مشکل، یعنی مشکل و مسئلهٔ روزه و رمضان، مسئلهٔ همهٔ عبادات و همهٔ مناسبت‌هاست. این آفت به همهٔ عبادات و ایام راه‌یافته و اماکن مقدس و شعایر دینی و همهٔ آموزه‌های آسمانی را در بر گرفته است.

آیا نقش راهبری دین در هدایت آدمی به آخر رسیده است؟ و به آیین‌ها و خاطرات و تجمل بدل شده‌است؟ یا اینکه اساساً آموزه‌های دینی برای تخدیر آدمی آمده‌اند و از آنجا که سختی‌ها فرا گیریند این آموزه‌ها نیز همهٔ زندگی آدمی را فرا گرفته‌اند. آیا اکنون که آدمی بر بسیاری از مشکلات و سختی‌هایش چیره گشته، باید از نقش دین بکاهیم؟

مؤمنان!

بهتر است پیش از آنکه دیگران از ما پرسند ما خود این پرسش دشوار را از خود بکنیم. اما حقیقت این است که این پرسش و پاسخ‌ها پیش‌تر مطرح شده‌اند، اما ما آنها را نادیده گرفتیم، بر آنها چشم پوشیدیم و از سخن گفتن دربارهٔ آنها روی برتافتیم، تا با واقعیت دلهره‌آور و تلخ رویه رو نشویم.

ای مؤمنان!

آیا در روزه‌هامان آثار روزه را می‌بینیم؟ و در نمازمان عروج آن‌را؟ آیا در فطر و قربان معانی این اعیاد و کارکردشان را حس می‌کنیم؟ آیا شعایر در ما فعل و انفعال و اماکن مقدس در ما اثر دارد؟

آیا در مسجد اقصی و کلیسای قیامت آن معانی را که بالقوه برای اتمان روشن بود، یافته‌ایم.

اینها تجارب تلخ و دردآور مادر متن واقعیت تلخ و درد آور ماست. پس بار دگر با نگاهی واقع بینانه، همه‌جانبه و با شجاعت و بیش آموزه‌های دینمان را ارزیابی کنیم، شاید راهی نو ببیماییم و در آنها زندگی بدمیم، و از هستی خود به دین و آموزه‌های والایش ببخشیم تا جایگاه رفیع و فراگیر خود را باز یابد. بگذاریم دین ابعاد وجودی ما را فراتر ببرد و کثرتمان را وحدت بخشد و تشنتمان را به همدلی بدل کند.

تاریخ سازی در کتاب درسی

دکتر سید محمود کاشانی - استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

دیباچه

آوردن درس تاریخ در مواد درسی دبیرستان‌ها از هنگام تاسیس وزارت فرهنگ در ایران با این انگیزه بوده است که دانش آموزان با پیشینه زندگی جامعه خود آشنا شوند و به نقاط قوت و ضعف آن پی برده و تلاش کنند از تکرار رویدادهای زیانبار گذشته در حال و آینده جلوگیری کنند. از این دیدگاه، انگیزه بررسی های تاریخی مانند دانش های دیگر کشف حقیقت است و بنابراین روحیه علمی برای یک مورخ از ضرورت هاست. رویدادهای یک سده گذشته ایران تاثیر چشم گیری بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه امروزی ما دارد. کشور ما در این سده بارها در معرض مداخله بیگانگان قرار گرفته ولی مداخله بیگانگان برای براندازی نهضت ملی ایران در سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ با روش های نظامی انجام نشده است. دولت انگلستان توانست با گماردن افراد وابسته به خود در پست های کلیدی از درون به نهضت ملی ایران حمله کند. بنابراین بررسی شیوه مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران که همچنان کشور ما را تهدید می کند از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

کتاب درسی تاریخ معاصر ایران که برای دانش آموزان سال سوم متوسطه تدوین شده در مقام کشف حقیقت و برآورده ساختن حس کنجکاوی دانش آموزان بر نیامده و درس های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ آن که موضوع نقد و بررسی این مقاله است واقعیت های تاریخی را تحریف کرده است. مندرجات این سه درس، فشرده ای است از آنچه نویسندگان هوادار انگلستان در ۵۰ سال گذشته به صورت کتاب و مقاله منتشر کرده و تدوین کنندگان این کتاب درسی کوشش کرده اند آنها را به دانش آموزان میهن ما منتقل کنند. در همین حال نویسندگان این کتاب درسی اسناد و مدارک ارزشمند این دوره تاریخی را نادیده گرفته اند. برآیند اینگونه تاریخ نگاری محروم کردن دانش آموزان از شناخت واقعیت های تاریخ معاصر ایران و ستم بزرگی به دبیران و دانش آموزان کشور ماست. صرف نظر از نابسامانی در منابع، مندرجات این بخش از کتاب درسی گمراه کننده هستند که مواردی از آن ها را یاد آور می شوم:

۱- درس دهم

الف - در برگ ۹۱، به زمینه های شکل گیری نهضت ملی شدن نفت ایران پرداخته شده ولی مبارزه سرسختانه و طولانی آیت الله کاشانی و یاران او در مجلس با افزون طلبی انگلستان را به گونه کامل سانسور کرده اند. ایستادگی سرسختانه آیت الله کاشانی در برابر مداخله بیگانگان و عوامل داخلی آنان در انتخابات مجلس شورای ملی و تلاش های جدی او برای جلوگیری از تصویب لایحه الحاقی گس - گلشائیان در مجلس به بهای تبعید وی به لبنان انجامید. ولی یاران او در مجلس چون حسین مکی، دکتر مظفر بقایی، سید ابوالحسن حائری زاده و عبدالقدیر آزاد تا پای جان برای جلوگیری از تصویب این لایحه مبارزه کردند و موفق شدند با سپری کردن دوره مجلس از اینکه این لایحه به رأی گذارده شود جلوگیری کنند. ولی این مبارزه افتخار آمیز که بخش مهمی از مبارزات ملت ایران است در این کتاب درسی در دو سطر و بی آنکه به نقش این شخصیت ها بپردازد چنین آمده است:

محمد ساعد که قول داده بود قرارداد الحاقی را به تصویب برساند در پایان دوره پانزدهم قانونگزاری آن را به مجلس برد ولی به خلاف تصور او نمایندگان مجلس به لایحه مذکور رأی ندادند. (برگ ۹۱).

این در حالی است که اساساً این لایحه به رأی گذارده نشد و اگر به مرحله رأی گیری می رسید از

آنجا که اکثریت نمایندگان این دوره با تکیه بر حمایت انگلیس ها و دولت وارد مجلس شده بودند به آن رأی می دادند ولی برای آنکه نقش آیت الله کاشانی و نمایندگان شجاع مجلس را حذف کنند این افتخار را به نمایندگان دوره پانزدهم نسبت داده و به دروغ نوشته اند نمایندگان به این لایحه رأی ندادند. در همین دوره است که مصدق خانه نشینی را برگزیده و نه تنها کوچکترین مبارزه ای با لایحه الحاقی نکرد بلکه در نامه ای که در ۳۰ تیر ۱۳۲۸ به مجلس نوشت به گونه ضمنی از این لایحه پشتیبانی کرد.

ب - نویسندگان این کتاب درسی مبارزات سرسختانه آیت الله کاشانی و یاران او در برگزاری انتخابات دوره شانزدهم را سانسور کرده و بازگشت غرور آفرین آیت الله کاشانی از لبنان و ادامه مبارزه با خواسته های انگلستان و دولت نظامی رزم آرا را نادیده گرفته و مبارزه سرسختانه همین گروه برای تصویب قانون ملی کردن نفت را با حداکثر پنهان کاری مطرح کرده اند. به ویژه به این واقعیت مهم تاریخی اشاره ای نکرده اند که اعلامیه ها و پیام های آیت الله کاشانی پس از بازگشت از لبنان زمینه ساز قطع سلطه شرکت نفت انگلستان بوده و طرح ملی کردن صنعت نفت نیز به ابتکار ایشان و یاران او تدوین شده است. این در حالی است که مصدق تا آذر ماه سال ۱۳۲۹ موافق امضای این طرح نبوده و سرانجام زیر فشار افکار عمومی طرح ملی شدن نفت را امضاء کرده است.

۲- درس یازدهم

الف - در برگ ۹۷ به رویدادهای تیرماه سال ۱۳۳۱ پرداخته و در باره استعفای مصدق از نخست وزیری که بدون مشورت با آیت الله کاشانی و مجلس انجام شد نوشته اند:

مصدق برای مواجهه با مخالفان داخلی که در رأس آن دربار قرار داشت از شاه خواست تا پست وزارت جنگ را در اختیار وی قرار دهد و چون شاه نپذیرفت مصدق استعفا کرد.

نویسندگان این کتاب باید پاسخ دهند هنگامی که نمایندگان مجلس هفدهم به نخست وزیری مصدق رأی تمایل داده و آیت الله کاشانی و شاه هم از او پشتیبانی می کرده اند این مخالفان داخلی چه اشخاص و گروهی بوده اند که مصدق برای رویارویی با آنان نیازمند گرفتن پست وزارت جنگ بوده است؟ پژوهش های مستند تاریخی این واقعیت را نشان داده اند که استعفای پیش بینی نشده مصدق در ۲۵ تیر ماه تنها برای هموار کردن راه نخست وزیری احمد قوام بوده است. این ماجراجویی خائنه به رویارویی مردم در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با نیروهای نظامی که در اختیار احمد قوام قرار گرفتند انجامید و در نتیجه گروهی از هم میهنان بی گناه ما کشته و مجروح شدند.

ب - در برگ ۹۸ این کتاب درسی زیر عنوان دور دوم نخست وزیر مصدق برای توجیه تخلف او از اجرای برنامه های اعلام شده خود که به شکست نهضت ملی ایران انجامید راه خلاف گویی های بیشتر را در پیش گرفته و نوشته اند:

در آن دوران حوادث عبرت انگیزی روی داد و زمینه های بروز اختلاف میان آیت الله کاشانی و دکتر مصدق را فراهم کرد. این اختلافات با دسیسه چینی کانون های توطئه خارجی و عوامل داخلی اش تشدید شد....

یک دبیر آموزش و پرورش و یا یک دانش آموز دبیرستان که این جملات را می خواند از خود می پرسد و باید بداند چه اختلافاتی در این دوران بروز کرده است که کانون های توطئه خارجی و داخلی آن را تشدید کرده اند. ولی نویسندگان این متن درسی که این ادعای گراف و دروغین را مطرح کرده اند هیچ اشاره ای به چند و چون این اختلافات ادعایی ننموده

اند. به این ترتیب با طرح عنوان اختلافات خواسته اند نوشته های خود را بیطرفانه جلوه داده و مسئولیت شکست نهضت را میان آیت الله کاشانی و مصدق سرشکن کنند. صرف نظر از اینکه اینگونه تاریخ نگاری اهانت به آیت الله کاشانی و یاران او در مجلس است دروغپردازی بی شرمانه ای بیش نیست. اقدامات خلاف قانون اساسی و ویرانگری که در دوسال و چهار ماه نخست وزیری مصدق انجام شده اند در این کتاب درسی کاملاً سانسور شده اند. این اقدامات که مورد اعتراض آیت الله کاشانی و نمایندگان پیشگام نهضت ملی ایران قرار گرفته و عموماً در مذاکرات مجلس و در روزنامه ها به ثبت رسیده اند چنین هستند:

- انتصاب افراد وابسته به انگلیس از سوی مصدق در پست های کلیدی.

- صدور یک تصویب نامه غیر قانونی از سوی مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۱ و جلوگیری از برگزاری انتخابات در ۳۳ حوزه انتخابیه و محروم کردن بخشی از استان های کشور از انتخاب ۵۶ نماینده از ۱۳۶ نماینده مجلس

- گرفتن اختیارات قانونگزاری از مجلس در مرداد ۱۳۳۱ به مدت شش ماه

- تلاش مصدق برای تعطیل کردن مجلس در آذر ماه سال ۱۳۳۱

- اصرار و پافشاری مصدق در تمدید اختیارات قانونگزاری خود برای یک سال دیگر در دی ماه ۱۳۳۱ و زیر پا گذاشتن اصل تفکیک قوا،

- ائتلاف و اتحاد مصدق با حزب توده روسی و انگلیسی و وارد کردن این حزب غیر قانونی و منحل به صحنه سیاسی کشور به رغم اعتراضات شدید پایه گزاران نهضت ملی ایران،

- برنامه ریزی مصدق در توطئه ۹ اسفند ۱۳۳۱ با همکاری انگلستان برای ایجاد آشوب و اغتشاش در کشور به قصد واژگون کردن نهضت ملی ایران که با فداکاری آیت الله کاشانی، مجلس شورای ملی و علما و مردم این توطئه ناکام ماند،

- خودداری مصدق از حل و فصل موضوع نفت که برنامه اعلام شده او به مجلس بود. تخلف مصدق از اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت در راستای سیاست اعلان شده انگلستان بود که تلاش می کرد با توقف صدور نفت ایران به بازارهای جهانی کشور ما را از درآمدهای لازم محروم کند و با گسترش تنگدستی و بیکاری، موجبات نارضایتی مردم و براندازی نهضت ملی ایران را فراهم سازد.

در همه این موارد آیت الله کاشانی و یاران او در مجلس نسبت به عملکرد مصدق معترض بودند ولی این اعتراضات مشروع به اقدامات خلاف قانون اساسی مصدق در این کتاب درسی حتی به گونه فهرست وار هم نیامده اند ولی با مطرح کردن اختلافات میان آیت الله کاشانی و مصدق دست به فریب کاری زده اند.

۳- درس دوازدهم

عنوان این درس نیز کودتای ۲۸ مرداد است و در متن آن نیز دهها بار این ادعای دروغین را تکرار کرده و افزوده اند که آمریکا و انگلیس فضل الله زاهدی را به عنوان فرماندهی نظامی کودتا انتخاب کردند. و برای جانداختن این ادعای باطل نیز به نوشته های بی پایه گازیو رسکی و یک سلسله گفته های بی سروته دیگر متوسل شده اند. هم چنین مدعی شده اند که:

کودتاچیان با استفاده از مطبوعات به سازماندهی افکار عمومی پرداختند. آن ها از این طریق توانستند با ایجاد شایعات و تبلیغات ویرانگر به تخریب شخصیت مصدق و ایجاد نارضایتی عمومی از دولت او و تشدید اختلاف ها دامن بزنند.

ادعای وقوع کودتا در ۲۵ مرداد یک دروغ تاریخی است که مصدق برای پنهان کردن نقش خود و مداخله انگلستان در امور داخلی ایران مطرح کرده است. کودتا یک اقدام نظامی از سوی نیروهای مسلح برای برکنار کردن دولت در یک کشور است. ولی مصدق از تیر ماه سال ۱۳۳۱ پست وزارت دفاع را شخصاً به عهده گرفته بود و همه نیروهای نظامی و انتظامی را تا آخرین ساعت در اختیار داشت. رئیس ستاد ارتش هم تا غروب روز ۲۸ مرداد در کنار وی بود. هیچ یک از واحدهای نظامی مستقر در پایتخت یا شهرستان ها هم کوچکترین حرکتی علیه مصدق نکردند که بتوان به آن نام کودتا داد. اگر این واقعیت های روشن در این کتاب درسی مطرح شوند قطعاً این پرسش برای دبیران دبیرستان ها و دانش آموزان مطرح می شود که اگر مصدق مصمم به ادامه کار بود و حرکتی از سوی نیروهای نظامی علیه او انجام نشد چگونه از نخست وزیری کنار رفت. پاسخ به این پرسش دشوار نیست. نویسندگان این کتاب درسی سال ۱۳۳۲ را که همانا منحل کردن مجلس از سوی مصدق بوده است کتمان کنند. بنابراین کوشش کرده اند این اقدام خلاف قانون اساسی مصدق را که زمینه ساز کنار رفتن او از نخست وزیری شد به گونه ای سر بسته مطرح و در همین حال آن را توجیه کنند و بنابراین دست به تحریف آشکار تاریخ زده و نوشته اند:

در چنین شرایطی مصدق به بهانه نفوذ و تحریکات بیگانگان در مجلس، تصمیم گرفت مجلس هفدهم را از طریق برگزاری رفراندوم با مراجعه به آراء عمومی منحل کند.

از این نوشته هیچ روشن نیست آیا بیگانگان تحریکاتی در مجلس داشته اند یا اینکه مصدق بهانه گرفت و به دستاویز وجود تحریکات بیگانگان مجلس را منحل کرد؟ پیش از این گفتیم که مصدق با یک تصویب نامه غیر قانونی از برگزاری انتخابات در بسیاری از استان ها جلوگیری کرد و تنها ۷۹ نماینده در مجلس دوره هفدهم حضور داشتند. هنگامی که مصدق برای اجرای برنامه های ویرانگر بیگانگان تصمیم به منحل کردن این مجلس گرفت به نمایندگان هوادار خود دستور داد استعفا بدهند و ۵۷ نماینده از راه ترس و یا امید بستن به آینده مصدق برای ارضای خاطر او از نمایندگی استعفا دادند. بنابراین مجلس هفدهم که اکثریت مطلق اعضای آن با مصدق هم سو بودند هیچ تحریک و اخلاقی در برنامه های ادعایی او نمی توانسته است انجام دهد. واقعیت مهمی که در این کتاب درسی پنهان گردیده این است که با اعلان نتایج رفراندوم غیر قانونی که به صورت فرمایشی برگزار شد و نویسندگان این کتاب درسی از آن به نام مراجعه به آراء عمومی یاد کرده اند و اعلان انحلال مجلس، شاه بی درنگ با بهره گرفتن از اختیارات خود، زاهدی را به نخست وزیری منصوب کرد. بنابراین با صدور فرمان نخست وزیری زاهدی روز ۲۳ مرداد و ابلاغ فرمان برکناری به مصدق در شب ۲۴ مرداد، نخست وزیری او پایان پذیرفت و دیگر از این تاریخ هیچگونه سمتی نداشت که روز ۲۵ و ۲۸ مرداد کودتایی علیه او انجام شده باشد. برای نشان دادن این که ادعای وقوع کودتا در ۲۵ یا ۲۸ مرداد یک دروغ تاریخی است همین بس که اظهار نظر امام خمینی (ره) در باره آن را نقل کنم. ایشان در بیاناتی در ۱۳۵۷/۸/۱۶ در این زمینه گفته اند: غفلت دیگر اینکه مجلس را ایشان (مصدق) منحل کرد و یکی یکی و کلا را وادار کرد که بروید استعفا بدهید. وقتی استعفا دادند یک طریق قانونی برای شاه پیدا شد و آنکه بعد از اینکه مجلس نیست تعیین نخست وزیر با شاه است (صحیفه نور، جلد ۳، برگ ۳۶).

این قضاوت روشن در سال ۱۳۵۷ در باره این رویداد انجام شده که با منحل کردن مجلس از سوی مصدق یک طریق قانونی برای شاه پیدا شد که در غیاب مجلس نخست وزیر دیگری را منصوب کند. چنانچه نویسندگان این کتاب درسی این واقیعت مهم و این استدلال و نظر روشن را که منحل کردن مجلس زمینه ساز برکنار ساختن مصدق بوده است کنار گذارده و باز هم اصرار بر وقوع کودتای می کنند. و سپس برای جا انداختن این ادعای باطل، به دروغپردازی‌های فرد بیسوادی چون گازیورسکی که مبلغ سیاستهای انگلستان است استناد می کنند؟ آیا این گفته امام خمینی (ره) که از نزدیک و با تیزبینی شاهد این رویداد بوده اند برای آنان ارزشی ندارد که این استدلال روشن را حذف و سانسور می کنند و به گفته‌های واهی دیگران متوسل می شوند؟ البته منحل کردن مجلس که راهی برای آن در قانون اساسی وجود نداشت با توسل به زور و اعزام مزدوران و چاقو کشان از سوی مصدق و حمله به اجتماع مسالمت آمیز مردم در شب ۱۰ مرداد ۱۳۳۲ در خانه آیت الله کاشانی و

کشتن یک تن از نمازگزاران و مجروح کردن گروهی دیگر امکان پذیر گردید. این سناریو در همین جا پایان نپذیرفت. هنگامی که نتایج فرمانروم برای انحلال مجلس ساعت ۱۰ بعد از ظهر روز ۲۲ مرداد از سوی وزیر کشور مصدق اعلام شد، فرمان برکناری مصدق در ساعت ۱۱ شب روز ۲۴ مرداد از سوی سرهنگ نصیری به مصدق ابلاغ گردید و در برابر آن رسید داد. متن این رسید که به خط مصدق می باشد تا ۴۱ سال از آن هنگام در دسترس نبود تا آنکه شادروان ابراهیم صفایی در کتابی که در سال ۱۳۷۳ منتشر ساخت تصویر آن را به چاپ رساند. مصدق در رسید دریافت فرمان شاه نوشته است: "ساعت یک بعد از نصف شب ۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۲ دستخط مبارک به اینجانب رسید دکتر محمد مصدق" به این ترتیب او با دریافت فرمان شاه رسید داد و آن را "دستخط مبارک" نامید و عنوان نخست وزیر را هم حذف کرد ولی فرمان شاه را پنهان ساخت و حتی به وزیران خود هم اطلاع نداد تا بتواند ادعای وقوع کودتا کند و ملت ایران را فریب دهد. اسناد و مدارک

فراوانی امروز در دست هستند که نشان می دهند منحل کردن مجلس نقشه ای بوده است که بیگانگان طرح آن ریخته اند و مصدق توانسته است با فربکاری اقدامات غیرقانونی و توسل به زور آن را اجرا کند و سپس با برنامه ریزی دقیقی در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد توانست همه موانع را از پیش پای زاهدی بردارد و قدرت دولتی را روز ۲۸ مرداد به وی تسلیم کند. دروغ بزرگ دیگر این است که در برگ ۱۱۰ نوشته اند "سفیر آمریکا که نقش مهمی در روزهای حساس کودتا برعهده داشت به دکتر مصدق تکلیف کرد که از پست خود کناره گیری کند ولی دکتر مصدق با عتاب او را از خانه اش بیرون کرد". این در حالی است که گزارش دیدار سفیر آمریکا با مصدق در شب هنگام ۲۷ مرداد در جلد دوم اسناد وزارت خارجه آمریکا به چاپ رسیده و در سال ۱۳۷۷ ترجمه فارسی آن در تهران منتشر شده است. در گزارش گفتگوهای مصدق با سفیر آمریکا در این دیدار هیچ کلمه ای از این دروغ پردازی به چشم نمی خورد برعکس نکات مهمی در آن

معرفی کتاب

حقوق مدنی؛ قراردادهای ویژه

حقوق مدنی

قراردادهای ویژه

دکتر سید محمود کاشانی، استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به همت نشر میزان منتشر شد.

این کتاب در چهار بخش، شرکت، ودیعه،

وکالت و تضمین های بدهی به عنوان متن درسی رشته حقوق در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا تنظیم و نگارش شده است که هر بخش هم به تناسب قوانین، شامل چندین فصل است. بخش اول کتاب در سه فصل به اشاعه، شرکت مدنی و تقسیم مال مشترک، بخش دوم به قوانین مربوط به ودیعه و بخش سوم هم در چهار فصل به تعریف و طبیعت وکالت، مورد وکالت، آثار وکالت و پایان یافتن وکالت می پردازد. قوانین مربوط به ضمان هم در بخش چهارم و پایانی کتاب می آید.

نویسنده در دیباچه تفصیلی این کتاب، به بررسی و سیر تاریخی مراحل مختلف آن هشتاد ساله قانون مدنی در ایران می پردازد و در بخش های مختلف آن، برای شناخت قواعد حقوقی در فقه اسلامی و همچنین حقوق مدنی امروز جهان، آرای فقهی - حقوقی کشورهای فرانسه، انگلستان، آمریکا، سوئیس و آلمان را در پاورقی های متعدد آورده است که این پاورقی ها، باعث غنا و تمایز ویژه این کتاب با دیگر کتابهای حقوق مدنی در کشور شده است و همچنین دانشجویان و دیگر مخاطبان را به صورت تطبیقی با آخرین قوانین حقوق مدنی روز و دیدگاههای فقهی و اسلامی آشنا می سازد.

دکتر کاشانی، با آوردن قراردادهای مربوط به شرکت مدنی، مقررات اشاعه و تقسیم مال، ودیعه، وکالت و ضمان در این کتاب، اظهار امیدواری کرده است تا در چاپ های بعدی، قرارداد رهن را نیز به همین مجموعه بیفزاید. از ویژگیهای دیگر کتاب این است که نویسنده تا جای ممکن تلاش کرده است از واژگان فارسی استفاده کرده و تا حد ممکن از واژه های تقلیل عربی استفاده نکند. استاد حقوق دانشگاههای تهران، عنوان این کتاب را از عقود معینه به قراردادهای ویژه تغییر داده است تا با عرضی کردن حقوق مدنی، راه

جدیدی در حقوق مدنی ایران بگشاید.

چاپ اول این کتاب در ۳۷۸ صفحه، شمارگان ۵۰۰۰ نسخه و قیمت ۷۵۰۰ تومان روانه بازار کتاب شده است. گفتنی است از این استاد برجسته حقوق دانشگاه شهید بهشتی و فرزند مرحوم آیت الله کاشانی، تاکنون کتاب هایی چون نظریه تقلب نسبت به قانون: حیل (انتشارات دانشگاه ملی ایران)، ضمانت نامه بانکی (انتشارات موسسه عالی بانکداری)، استانداردهای جهانی دادگستری؛ نقد قانون دادگاههای عمومی و انقلاب (نشر میزان)، اندیشه هایی در حقوق امروز (نشر حقوقدان) و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد و خاطرات (مرکز اسناد انقلاب اسلامی) منتشر شده است.

ولایت علی (ع) در قرآن و سنت

ولایت علی در قرآن و سنت، علامه سید مرتضی عسکری، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی علامه عسکری، ۱۳۸۹ش، ۱۷۴ص، رقعی، نوبت چاپ هفتم.

ولایت علی در قرآن و سنت، در پاسخ به نوشته ای از شیخ ابو سلمان عبد المنعم بلوچ، با عنوان از علمای شیعه بپرسید: چرا نام علی در قرآن نیست؟، به وسیله علامه سید مرتضی عسکری (ره) به رشته تحریر درآمده است. ایشان در مقدمه کتاب، نخست چند صفحه از مطالب ابو سلمان را عیناً نقل نموده و در ادامه، پاسخ های خود به پرسش های مطرح شده را به تفصیل آورده است. اولین موضوع کتاب، واکنش علامه به اشاره ابو سلمان به سنی شدن یک جوان شیعه است. وی ضمن مطرح کردن مسائلی، به نامه نگاری بسیاری از دانشمندان دانشگاه های مصر، سودان، مغرب و الجزایر به او و تغییر مذهب آنها به شیعه، اشاره کرده است. نگارنده در ادامه، متن برخی از آن نامه ها را آورده است..

عنوان گفتار دوم کتاب، امامت و مهدویت است و در آن، نگارنده، ضمن دو مقدمه به این سؤال پاسخ گفته که: چرا موضوع امامت، در قرآن مطرح شده است. وی نخست، مکمل هم بودن قرآن و سنت را با استناد به آیات قرآن، تبیین نموده و در ادامه، آورده است: گفتار و رفتار پیامبر (ص) در کنار قرآن و هم تراز آن، حجیت دارد و از طرفی، رسول خدا (ص) به موضوع تعیین ولی امر پس از

خود، اهتمام داشته است.

وی سپس به ذکر برخی روایات از کتب "مکتب خلفا" (اهل سنت) در موضوع تعیین وصی پیامبر توسط ایشان، پرداخته و احادیث معتبری را که به داستان سال سوم بعثت (که پس از نزول آیه و "اندر عشیرتک الاقریبین" روی داده)، داستان غزوه تبوک (حدیث منزلت) و غدیر خم اشاره دارند، آورده است.

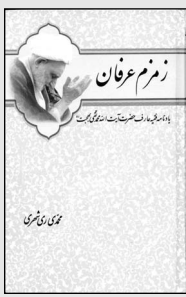
در ادامه این بحث، نگارنده به ذکر روایاتی از کتب اهل سنت درباره نص صریح پیامبر بر تعداد امامان می پردازد. سپس در پاسخ به شبهه ای در باره طولانی بودن عمر امام مهدی (ع) پرداخته است و با اشاره به عمر طولانی نوح (ع) که در قرآن آمده، با استناد به روایات مکتب خلفا، به طولانی بودن عمر خضر پیامبر - که بیش از حضرت حجّت است، اشاره می کند.

گفتار سوم کتاب، به طرح سؤالی در باره اوصیای پیامبر پرداخته است و این که چگونه علی (ع) جانشین پیامبر (ص) می گردد؟ و چگونه او معصوم و بالاتر از ابراهیم پیامبر است؟ علامه عسکری، در پاسخ، اثبات می کند که پیامبر (ص) به امر خدا دوازده وصی خود را برای حفظ شریعت و تبلیغ آن، تعیین نموده است. وی با نقل احادیثی چند از منابع شیعه و سنی، به مجالس تعلیم گرفتن علی (ع) از پیامبر (ص) و دیدارهای منظم و نامنظم او با رسول خدا، اشاره می کند و در ادامه می گوید که اینها همه دلیل بر این مطلب است که وی، جانشین و وصی پیامبر بوده است.

علامه عسکری با معرفی جامعه یا کتاب علی - که گواهی برای نشر شریعت پیامبر پس از ایشان است و وارثان پیامبر، یعنی ائمه اهل بیت علیهم السلام از آن استفاده می کرده اند - به مطالب خود، خاتمه می دهد. وی در باره جامعه یا کتاب علی آورده است: کتابی است به خط علی (ع) و املائی رسول خدا، که مدون بوده و در اختیار امامان اهل بیت، یکی پس از دیگری، نهاده شده است.

زمزم عرفان

یادنامه حضرت آیت الله محمدتقی بهجت ره. حجت الاسلام والمسلمین محمد ری شهری، قم دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ۵۲۳ص. مؤلف در مقدمه کتاب، درباره چگونگی



شکل گیری این مجموعه می گوید: "واگذار شدن نمایندگی رهبری در حج در اوایل سال ۱۳۷۰، ایجاب می کرد که برای بهره گیری هر چه بیشتر از مراسم سیاسی - عبادی حج و برگزاری هر چه بهتر آن، از انقاس قدسی آیت الله بهجت، در این سفر، توشه بگیریم. بدین منظور، از آن تاریخ، هر ساله، پیش از عزیمت به سوی خانه خدا و پس از بازگشت از سفر، معمولاً به محضر ایشان شرفیاب می شدم و از رهنمودهای ایشان در زمینه های مختلف، بهره می بردم. دیدارهایی که با آن بزرگوار داشتم، گاه قریب یک ساعت طول می کشید. در این دیدارها، ایشان مطالب متنوعی را درباره قرآن، حدیث، فقه، اصول، اخلاق، عرفان، کشف و کرامات علمای سلف، حج و سرپرستی حجّاج، امام خمینی و انقلاب اسلامی و برخی امور سیاسی، بیان می فرمود. همچنین گاه، رهنمودهای خاصی درباره برخی اذکار و اعمال داشتند، که این جانب، شماری از برجسته ترین مطالب ایشان را، گاه در محضر ایشان و گاهی پس از آن، یادداشت می کردم."

مجموعه این یادداشت ها اکنون در قالب این کتاب برای بهره گیری بهتر علاقمندان به این مباحث، در چهار بخش تدوین شده است: بخش اول به جمع بندی مهم ترین رهنمودهای آیت الله بهجت اختصاص دارد. در این بخش افزون بر ارائه تحلیلی کوتاه و افزودن برخی آیات و روایات متناسب با موضوع، بخشی از رهنمودهای ایشان که در کتاب های دیگر نقل شده اند و مکمل یادداشت های مؤلف است آمده است. مطالب این بخش در ده فصل با این عناوین تنظیم شده است: ۱. قرآن، ۲. حدیث، ۳. فقه و اصول، ۴. ارزش های اخلاقی و عملی، ۵. فلسفه و عرفان، ۶. کشف و کرامات، ۷. حج و سرپرستی حجّاج، ۸. امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۹. سیاست، ۱۰. رهنمودهای ویژه.

بخش دوم، گفتگو با فرزند گرامی ایشان حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای علی بهجت، درباره پدر بزرگوارش صورت گرفته است. بخش سوم، متن یادداشت های مؤلف از سخنان ایشان، در طول سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ بخش چهارم، شرح حال مختصری از غالب کسانی که در متن کتاب، از آنها یاد شده است. همچنین در آغاز کتاب زندگی نامه ای از آیت الله بهجت آمده است. در پیش گفتار کتاب نیز درباره سیر تالیف و نکاتی درباره آن نگاشته شده است.

روز قدس، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است

رسول اکرم می دانم، و روزی است که باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم؛ و مسلمین از آن انزوایی که آنها را کشانده بودند خارج شوند، و با تمام قدرت و قوت در مقابل اجانب بایستند و ما در مقابل اجانب با تمام قوا ایستاده ایم، و نخواهیم اجازه داد کسان دیگر در مملکت ما دخالت کنند، و مسلمین نباید اجازه بدهند که کسان دیگر در ممالکشان دخالت کنند. در روز قدس، ملت ما باید به حکومتی که خائن هستند هشدار دهند. روز قدس روزی است که ما خواهیم فهمید چه اشخاصی و چه رژیمهایی با توطئه گره های بین المللی موافقت دارند و با اسلام مخالفت. آنهایی که شرکت ندارند مخالف با اسلام هستند، و موافق با اسرائیل، و آنهایی که شرکت کردند متعهد هستند و موافق با اسلام و مخالف با دشمنان اسلام - که در رأس آنها آمریکا و اسرائیل است. روز قدس روز امتیاز حق از باطل است، روز جدایی حق و باطل است. من از خداوند تبارک و تعالی خواهانم که غلبه بدهد اسلام را بر همه قشرهای عالم؛ بر همه مستکبرین، مستضعفین را غلبه بدهد. و از خدای تبارک و تعالی خواهانم که برادرهای ما را در فلسطین، در جنوب لبنان و در هر جایی از عالم که هستند، از دست مستکبرین و از دست چپاولگران نجات بدهد.

والسلام علی رسول الله
و علی ائمة المسلمین
صحیفه، جلد ۸، صفحه ۲۳۳ و ۲۳۴
۵۸/۵/۲۵
۲۲ رمضان ۱۳۹۹

قیام کردیم و ابرقدرتها را شکست دادیم. و کسی گمان نکند که دیگر بعضی از این قشرهای فاسد، بعضی از این چپ روه های امریکایی یا غیر امریکایی، بتوانند در این مملکت اظهار وجود کنند. آن روز که ما بخواهیم و ملت ما بخواهند، در ظرف چند ساعت تمام آنها به زباله دانه های فنا خواهند ریخته شد. ملت بزرگ ما دیگر از این حرکات مذبحخانه نخواهد ترسید. حرکات اسرائیل در جنوب لبنان و نسبت به فلسطین همین حرکات مذبحخانه است. حرکاتی است که اواخر عمر، اشخاص فاسد می کنند - چنانچه شاه ما، شاه مخلوع ایران این حرکات را کرد، و منتهی به فنا شد. دولتهای عالم بدانند که اسلام شکست بردار نیست. اسلام و تعالیم قرآن بر همه ممالک باید غلبه کند. دین باید دین الهی باشد، اسلام دین خداست؛ و باید در همه اقطار اسلام پیشروی کند. روز قدس، اعلام یک چنین مطلبی است، اعلام به این است که مسلمین به پیش! برای پیشرفت در همه اقطار عالم. روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بپرق آن برافراشته شود. روزی است که باید به ابرقدرتها فهماند که دیگر آنها نمی توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند. من روز قدس را روز اسلام و روز

اسرائیل دشمن بشریت، دشمن انسان، که هر روز غائله ایجاد می کند و برادرهای ما را در جنوب لبنان به آتش می کشد، باید بدانند که دیگر اربابهای او رنگی ندارند در دنیا، و باید انزوا اختیار کنند؛ طمع ها را از ایران باید قطع کنند، دستهای آنها باید از همه ممالک اسلامی قطع شود؛ عمال آن در همه ممالک اسلامی باید کنار بروند. روز قدس روز اعلام یک چنین مطلبی است. اعلام این است به شیاطینی که ملت های اسلام را می خواهند کنار بگذارند، و ابرقدرت ها را به میدان بیاورند. روز قدس روزی است که قطع آمل آنها را بکنند؛ و به آنها هشدار بدهد که گذشت آن زمانها.

روز قدس روز اسلام است. روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم، و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما، به واسطه عمال خیبت شما، واقع نخواهد شد. روز قدس، روز حیات اسلام است. باید مسلمین به هوش بیایند، باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند؛ قدرتهای مادی، قدرتهای معنوی. مسلمین که یک میلیارد جمعیت هستند و پشتوانه خدایی دارند و اسلام پشتوانه آنهاست و ایمان پشتوانه آنهاست از چه باید بترسند؟ ما با یک جمعیت کمی در مقابل دشمنهای زیاد، دشمنهای بسیار،

توطئه چین های رژیم فاسد و ابرقدرت ها در سایر جاها خصوصاً در لبنان، تکلیف خودشان را بدانند. روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم، روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم؛ و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم. روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم. روزی است که باید جامعه مسلمین همه اظهار وجود بکنند و هشدار بدهند به ابرقدرتها و به این تفاله هایی که مانده است از آنها - چه در ایران و چه در سایر جاها.

روز قدس، روزی است که باید به این روشنفکرانی که در زیر پرده با آمریکا و عمال آمریکا روابط دارند هشدار داد. هشدار به اینکه اگر از فضولی دست برندارید، سرکوب خواهید شد! ما به آنها مهلت دادیم و با آنها با ملایمت رفتار کردیم که شاید دست از شیطنت بردارند و اگر دست برندارند، کلمه آخر را خواهیم گفت و خواهیم به آنها فهماند که دیگر رژیم سابق قابل برگشتن نیست و دیگر آمریکا نمی تواند به اینجا حکومت کند، و دیگر سایر ابرقدرتها نمی توانند در این مملکت حکومت کنند. روز قدس روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار داد که باید دست خود را از روی مستضعفین بردارید و سر جای خود بنشینید.

حضرت امام خمینی در سال ۱۳۵۸ پس از تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس طی یک سخنرانی در جمع مردم قم، به تشریح خصوصیات این روز پرداخت. متن کامل سخنرانی مزبور به این شرح است: روز قدس یک روز جهانی است. روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز مقابله ملت های آمریکا بود، در مقابل ابرقدرتهاست. روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند. روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین این روز را روز قدس می دانند و عمل می کنند به آنچه باید بکنند و منافقین - آنهایی که با ابرقدرت ها در زیر پرده آشنایی دارند و با اسرائیل دوستی - در این روز بی تفاوت هستند، یا ملت ها را نمی گذارند که تظاهر کنند روز قدس، روزی است که باید سرنوشت ملت های مستضعف معلوم شود باید ملت های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین، باید همان طور که ایران قیام کرد، و دماغ مستکبرین را به خاک مالید، و خواهد مالید، تمام ملت ها قیام کنند، و این جرثومه های فساد را به زباله دانه بریزند. روز قدس روزی است که باید این دنباله روه های رژیم سابق در ایران و آن

با حکم وزیر علوم؛

آیت الله احمد بهشتی سرپرست دانشگاه قم شد

آیت الله احمد بهشتی با حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان سرپرست دانشگاه قم منصوب شد.

وی که با حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان سرپرستی دانشگاه قم معرفی شده است، با حضور در جمع اعضای هیأت رئیسه این دانشگاه و دیدار با آیت الله مؤمن قمی عضو هیأت ائمه دانشگاه قم، فعالیت خود را رسماً آغاز کرد. وی در این دیدار ضمن اشاره به سوابق ارتباط خویش با آیت الله قاضی رئیس سابق دانشگاه قم از وی به عنوان شخصیتی برجسته یاد کرد و گفت: قبول این مسئولیت از باب احساس مسئولیت و تکلیف بوده است.

سرپرست دانشگاه قم همچنین اضافه کرد: امیدوارم که با همکاری جامعه مدرسین و هیأت ائمه و استادان دانشگاه قم، این دانشگاه را از یک دانشگاه کشوری به دانشگاهی جهانی تبدیل کنیم.

دکتر بهشتی توجه به هیأت علمی را توجه به دانشجو و نشاط هیأت علمی را کارایی و تقویت روحیات دانشجویان دانست و خاطر نشان کرد: برقراری رابطه عاطفی با استادان و دانشجویان در ارتقاء سطح کیفی دانشگاه تأثیر مستقیم دارد.

در ادامه این برنامه آیت الله محمد مؤمن قمی طی سخنانی به پیشینه تأسیس دانشگاه قم اشاره کرد و فعالیت های آیت الله قاضی، رئیس فقید دانشگاه قم را ارزشمند توصیف نمود.

عضو مجلس خبرگان رهبری همچنین گفت: دانشگاه ها باید افرادی متدین و فاضل تربیت کنند که در دستگاه های مختلف در خدمت نظام اسلامی باشند و در این میان دانشگاه قم نیز باید به صورتی فعالیت کند که فارغ التحصیلان آن از بهترین ها باشند.

بر اساس این گزارش، آیت الله احمد بهشتی در دوره های اول و دوم مجلس شورای اسلامی نماینده مردم فسا بوده و هم اکنون نیز برای دومین دوره پیاپی عضو مجلس خبرگان رهبری نیز است.

وی دکتری فلسفه را در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه تهران اخذ کرده و در سوابق خود ۱۷ سال مدیریت گروه فلسفه در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و تألیف بیش از ۵۰ عنوان کتاب را دارد.

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی:

برای جوانان مستحب در مستحب نیارید

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی در مشهد اظهار داشت: هر آنچه

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی در مشهد اظهار داشت: هر آنچه در دنیا قرار دارد، درسی از خداشناسی است که رنگها و اختلافها نشان از هنر و ارزشمندی آن دارد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بصیرت، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی ادامه داد: ایمان با فکر و اشک با معرفت ارزشمند است زیرا در غیر این صورت اگر ایمان از روی فکر نباشد، فرد نمی تواند خود را با آن گره بزند.

حجت الاسلام قرائتی در بخشی از سخنان خود پیرامون دعوت جوانان به مستحبات تصریح کرد: برای جوانان مستحب در مستحب نیارید چون فعل در نظرشان سنگین آمده و از انجام اصل آن نیز منصرف می شوند.

وی همچنین با پرداختن به این موضوع که کسی را تحقیر نکنید، افزود: اولیای خداوند از روی ظاهر شناخته نمی شوند شاید فردی را که مورد تمسخر قرار می دهید، از اولیای خداوند است.

حجت الاسلام قرائتی با بیان اینکه حرف حق را باید از هر کسی قبول کنیم، زیرا هیچ کس از نصیحت بی نیاز نیست، اظهار داشت: گاهی عوام مسئله ای را متوجه می شوند که خواص نمی فهمند. وی در رابطه با موضوع شفاعت و کمک به دیگران نیز گفت: باید توجه

داشت کسی هم که ظالم باشد یآوری ندارد. قرائتی با اشاره به سخن گوهر بار امام (رضاع) که می فرماید اگر مردم شیرینی دین ما را بچشند متدین می شوند، گفت: شاید اگر برخی به این سمت نمی آیند به دلیل آن باشد که طعم شیرین دین را نجشیده اند. وی عنوان کرد: خیلی ها فکر می کنند دعاها نده، ابو حمزه، و توسل و ... را بخوانند بخشیده می شوند خواندن این دعاها خوب است اما اگر می خواهید بخشیده شوید، قرآن کلید آن را بخشش مردم معرفی می کند. حجت الاسلام قرائتی با اشاره به شب های قدر گفت: اگر در دل کینه داشته باشید، دو لیتر اشک هم بریزید فایده ای ندارد.

وی به اهمیت اقامه نماز پرداخته و ادامه داد: نماز آمپولی است که خداوند هم به زمین و هم به آسمان می زند، به طوری که هم برای زلزله و هم برای آمدن باران سفارش به نماز می شود، از این رو باید به اهمیت این موضوع توجه خاص کرد.

قرائتی اظهار داشت: خداوند هستی را برای بشر و بشر را برای عبادت آفریدند و نماز را بهترین عبادت دانسته و بهترین حالت نماز را سجده قرار داده و در نماز سفارش شده که به یاد زانتان و رزقشان باشید.

مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی
www.iscq.ir

سایت استاد خسرو شاهی
www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:
www.moslehesargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

سید هادی خسرو شاهی

سر دبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com